

در بیان

اسامی، القاب، اوصاف و ویژگی‌های

پیامبر اعظم (ص)

احمد سعیدی

اوصاف الرسول: دربیان اسامی،القاب،اوصاف وکنیه های پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله

مشخصات کتاب

سرشناسه : سعیدی، احمد، 1346 -

عنوان و نام پدیدآور : اوصاف الرسول: دربیان اسامی،القاب،اوصاف وکنیه های پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله/ مولف احمد سعیدی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران 1387.

مشخصات ظاهری : 271 ص.

شابک : 22000 ریال: 978-964-973-111-7

یادداشت : چاپ اول: 1386.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : عنوان روی جلد: اوصاف الرسول صلی الله علیه و آله و سلم در بیان اسامی...

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

یادداشت : نمایه.

عنوان دیگر : دربیان اسامی،القاب،اوصاف وکنیه های پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11ق -- نام ها

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11ق -- لقب ها

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11ق -- احادیث

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11ق. -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP22/9/س7الف8 1387

رده بندی دیویی : 297/93

شماره کتابشناسی ملی : 1142986

ص:1

اشاره

مقدمه

بسم اللَّه الرحمن الرحيم

الحمد للَّه ربّ العالمين و صلّى اللَّه على سيّدنا محمّد و آله الطيّبين الطاهرين، سيّما بقيّه اللَّه فى الارضين و لعنه اللَّه على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

مى گويند روزى كه به دنيا آمد، مادرش نام او را «احمد» گذاشته بود؛ امّا روز هفتم تولدش، جدّ بزرگوارش كه بعد از فوت پدر ايشان سر پرستى او را بر عهده داشت، جهت سپاس گزارى به درگاه الهى، گوسفندى قربانى و ضيافتى ترتيب داد و نام نوه اش را «محمّد» گذارد.

وقتى از او پرسيدند: چرا نام محمد را كه در عرب كم سابقه است براى فرزندت انتخاب كرديد؟ جواب داد: خواستم در آسمان و زمين ستوده باشد.(1) بنابر اين او را «محمّد بن عبد اللَّه» ناميدند.

مدتى گذشت، وقتى صداقت و امانت دارى و راستگويى او براى همگان مشخص شد، به «محمّد امين» لقب گرفت و پس از آن نيز به صفاتى؛ مانند: صادق، غيور، حاذق، اصيل، نبيل، مكين، نصيح، عاقل،

1- 1. فرازهايى از تاريخ پيامبر اسلام، آيت اللَّه سبحانى، ص 59.

فاضل، عابد، زاهد، صبور، سخی، قانع، متواضع، فصیح و ... .(1) امّا پس از مسئله بعثت و پیامبری آن جناب، نام ها و القاب متعدّد و بیشتری برای آن حضرت متداول گشته و سر زبان ها افتاد.

وقتی به مناسبت های مختلف توفیق می شد و کتاب دعا یا زیارتی را قرائت می کردم، متوجه شدم که برای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله اوصاف و القاب فراوان و گوناگونی از زبان معصومین علیهم السلام به تناسب شخصیت آن بزرگوار به کار رفته است؛ به همین جهت کنجکاو شدم و کتاب های متعدّد روایی و دعایی و زیارتی را مرور نمودم و هر کجا که اسم و لقب و یا کنیه ای از آن حضرت مشاهده می کردم یادداشت نموده، سپس با جست و جوی هر عنوانی، در پی آیه یا حدیث یا سند دیگری از آن عنوان برآمدم، تا آن را مستند سازم که در پایان، این مجموعه گرد آمد.

بنابراین برخی اسامی و القاب آن حضرت ریشه در قرآن کریم دارد، بعضی از آن ها در ادعیه و زیارات آمده، تعدادی را امامان معصوم علیهم السلام در احادیث خود بیان فرموده اند، برخی هم در کتب آسمانی و گذشتگان موجود است و بعضی هم در کتب علما، یا بر سر زبان مردم متداول گشته است.

اگر چه همه این اسامی و القاب بر اساس ترتیب حروف الفبا تنظیم شده؛ لکن عناوین قرآنی و آنچه در کتب گذشتگان آمده، در پایان کتاب، جداگانه فهرست گردیده است.

هدف ما در این کتاب مختصر، بیان گوشه ای از بزرگی، قداست و عظمت صفات و اخلاق و علم و ... پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله از طریق شمارش برخی از اسامی و القاب آن جناب بوده، تا در پرتو شمارش آن اوصاف،

1- 2. بحار الانوار، ج 16، ص 175.

خوشه چین خرمن بی حدّ و حصر مقام شامخ نبوّت باشیم؛ لکن فهم پایین ما کجا و بلندای مقام او کجا؟! به هر حال ران ملخی است از جانب شخصی بی بضاعت. امید که خود قبول فرمایند.

و اینک در ایّام عزاداری فاطمه زهراعلیها السلام دخت بزرگوار پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله، نام و یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره و شهدای گران قدر انقلاب و جنگ؛ خصوصاً همرزمان شهیدم که نام مبارک محمّد را داشتند: شیخ محمّد خونجگری، شیخ محمّد محمّدی، محمّد اصغری، محمّد غیاث الدین، محمّد غیاثی، محمّد حاج قاسمی، محمّد جاجرمی را گرامی داشته، برای سرافرازی نظام اسلامی ایران و سلامتی مقام معظم رهبری دعا می کنیم.

در پایان از مدیریت محترم انتشارات مسجد مقدّس جمکران حجّت الاسلام و المسلمین آقای حسین احمدی قمی که زمینه نشر این اثر را فراهم نمودند و نیز از برادران واحد پژوهش؛ به خصوص جناب آقای حاج محمّدجواد مکّی که در تنظیم آن همکاری فرمودند، کمال تشکر را دارم.

اگرچه در بزرگواری و عظمت پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله هیچ کاستی نیست؛ لکن در گردآوری و تنظیم این اثر، حتماً نقص و ایراد هست که از خوانندگان محترم تقاضا می شود آن را اطلاع دهند.

شهر مقدّس قم

احمد سعیدی

محمّد

«محمّد»(1) از کلمه حمد اشتقاق یافته و به معنای ستایش و ستودن است که معروف ترین نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است و به این جهت آن حضرت را محمّد نامیدند چون خداوند متعال و همه فرشتگان و پیامبران و رسولان الهی و جمیع امّت ها، او را ستایش و حمد نموده و بر او صلوات می فرستند.(2)

چنان که از عبد المطلب سؤال کردند: چرا اسم او را محمّد گذاشتید؟ گفت: خواستم در آسمان و زمین ستوده باشد.

محمّد از نام هایی است که قرآن کریم آن را بیان فرموده و در چهار مورد به کار برده است:

1 - «وَما مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِينْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقابِكُمْ وَمَن يَنقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْاً وَسَيَجْزِى اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»؛(3)

1- 3. اگر چه قرار بر این است که اسامی و اوصاف حضرت را به ترتیب حروف الفبا بیاوریم؛ ولی نام شریف «محمد» را چون اصلی ترین و معروف ترین نام ایشان است، بر بقیه مقدم کردیم.
2- 4. مجمع البحرین، ج 3، ص 157.
3- 5. سوره آل عمران، آیه 144.

«محمدصلی الله علیه وآله فقط فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیّت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی زند؛ و خداوند بزودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد».

2 - «ما کانَ مُحَمَّدٌ أَبا أَحَدٍ مِن رِجالِکُمْ وَلکِن رَسُولَ اللَّهِ وَخاتَمَ النَّبِیِّینَ وَکانَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیماً»؛(1)

«محمّدصلی الله علیه وآله پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است!»

3 - «وَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ وَآمَنُوا بِما نُزِّلَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَبِّهِمْ کَفَّرَ عَنْهُمْ سَیِّآتِهِمْ وَأَصْلَحَ بالَهُمْ»؛(2)

«و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمدصلی الله علیه وآله نازل شده - و همه حقّ است و از سوی پروردگارشان - نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می بخشد و کارشان را اصلاح می کند!»

4 - «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِینَ مَعَهُ أَشِدَّآءُ عَلَی الْکُفّارِ رُحَمآءُ بَیْنَهُمْ تَرَیاهُمْ رُکَّعاً سُجَّداً یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَاناً سِیماهُمْ فِی وُجُوهِهِم مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِکَ مَثَلُهُمْ فِی التَّوْرَاهِ وَمَثَلُهُمْ فِی الْإِنجِیلِ ...»؛(3)

«محمّدصلی الله علیه وآله فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفّار

1- 6. سوره احزاب، آیه 40.
2- 7. سوره محمّد، آیه 2.
3- 8. سوره فتح، آیه 29.

سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آن ها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آن ها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، ...».

شخصی یهودی از پیامبرصلی الله علیه وآله پرسید: چرا شما را محمّد و احمد نامیده اند؟ فرمود: «... وَاَمّا مُحَمَّدٌ فَإِنِّی مَحْمُودٌ فِی الأَرْضِ وَاَمّا اَحْمَدُ فَإِنِّی مَحْمُودٌ فِی السَّماءِ»؛(1)

«محمّد نامیده اند چون در زمین ستایش شده هستم و امّا احمد چون در آسمان ستایش شده هستم».

جالب این که در قرآن هرگاه خداوند می خواهد پیامبران گذشته را خطاب کند، اسم آنان را می آورد؛مثلاً: یا یوسف، یا نوح، یا ابراهیم ... ؛ امّا برای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله از القاب آن حضرت استفاده شده: یا ایّها المزمل، یا ایّها الرسول، یا ایّها النّبی ... و هیچ گاه اسم آن حضرت مورد خطاب واقع نشده و آن مواردی هم که «محمّد و احمد» آمده اوّلاً به صورت خطاب نیست ثانیاً برای شهادت و مژده به رسالت آن حضرت می باشد.(2)

نکته دیگر این که اسم احمد ومحمّد را تا آن زمان کسی نام فرزندش نمی گذاشت؛ چون همه می دانستند که پیامبری خواهند آمد که نامش محمّد است، به همین جهت چند نفر معدود که بین هفت تا دوازده نفر

1- 9. بحارالانوار، ج 16، ص 94 / معانی الاخبار، ص 51.
2- 10. بحارالانوار، ج 15، ص 400.

ذکر کرده اند، نام فرزند خود را محمّد گذاشتند به این امید که آنان پیامبر شوند؛ امّا غافل از این که: «اللّٰه اعلم حیث یجعل رسالته».(1)

آمر

آمر به معنی امر کننده و دستور دهنده به کاری است.

در مناقب ابن شهر آشوب با توجّه به آیه شریفه «وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَواهِ وَاصْطَبِرْ عَلَیْها لَا نَسْئَلُکَ رِزْقاً نَّحْنُ نَرْزُقُکَ وَالْعاقِبَهُ لِلتَّقْوَی ؛(2) «خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی خواهیم؛ (بلکه) ما به تو روزی می دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست!» استفاده کرده است که یکی از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمر است.(3)

علامه مجلسی از مرحوم طبرسی نقل کرده: منظور از «اهل» به طور ویژه یعنی اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله و به طور عموم اهل دین پیامبرصلی الله علیه وآله مقصود هستند.(4)

لذا بعد از نزول این آیه رسول خداصلی الله علیه وآله تا 9 ماه هر روز موقع نماز می آمدند جلوی خانه فاطمه و علی علیهما السلام و می فرمودند: «اَلصَّلوهُ، یَرْحَمُکُمُ اللَّهُ؛ «إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً»؛(5)

آمر به معروف

یعنی امر کننده به نیکی ها، و این بزرگ ترین مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بود

ص:12

1- 11. بحار الانوار، ج 16، ص 129.
2- 12. سوره طه، آیه 132.
3- 13. مناقب، ج 1، ص 150.
4- 14. بحارالانوار، ج 16، ص 203.
5- 15. سوره احزاب، آیه 33.

که او از جانب خداوند به سوی مردم آمد تا آنان را به نیکی ها امر کند و از بدی ها باز دارد.

در آیات متعددی از قرآن به این امر تأکید شده است و پیامبرصلی الله علیه وآله نیز به آن عمل نموده؛ از جمله:

«الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِندَهُمْ فِی التَّوْرَاهِ وَالإِْنجِیلِ یَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَیاهُمْ عَنِ الْمُنکَرِ وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَاتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَائِثَ وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلَالَ الَّتِی کانَتْ عَلَیْهِمْ فالَّذِینَ آمَنُوابِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛(1)

«همان ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آن ها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آن ها حلال می شمرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آن ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاری اش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند».

چنان که خود آن حضرت نیز فرمودند: «یا اَیُّهَا النّاسُ! وَاللَّهِ ما مِنْ شَیْ ءٍ یُقَرِّبُکُمْ مِنَ الْجَنَّهِ وَیُباعِدُکُمْ مِنَ النّارِ اِلّا وَقَدْ اَمَرْتُکُمْ بِهِ وَما مِنْ شَیْ ءٍ یُقَرِّبُکُمْ مِنَ النّارِ وَیُباعِدُکُمْ مِنَ الْجَنَّهِ اِلّا وَقَدْ نَهَیْتُکُمْ عَنْهُ ...»؛(2)

1- 16. سوره اعراف، آیه 157.
2- 17. کافی، ج 2، ص 74.

«ای مردم ! به خدا قسم ! هیچ چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک کند و از آتش دور کند مگر این که شما را به آن امر کردم و چیزی نیست که شما را به آتش نزدیک کند و از بهشت دور کند مگر این که شما را از آن نهی کردم».

و ما نیز در تمام دعاها و زیارات شهادت می دهیم که آن حضرت این فرمان الهی را به نحو احسن انجام داده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خاتِمَ النَّبِیِّینَ اَشْهَدُ اَنّکَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسالَةَ وَاَقَمْتَ الصَّلوةَ وَآتَیْتَ الزَّکاةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ»؛(1)

«سلام بر تو ای آخرین پیامبر، شهادت می دهم که تو ابلاغ رسالت کرده، نماز را به پا داشتی، زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی».

اَبذَخُ الشّرف

به معنای کسی که والاترین و افتخار آمیزترین شرف و نسب را دارد و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چنین است. چنان که در یکی از زیارات مربوط به آن حضرت آمده است:

«اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً وَاَفْضَلُهُمْ نَسَباً... وَاَبْذَخُهُمْ شَرَفاً»؛(2)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در بین همه جهانیان، گرامی ترین نژاد و بافضیلت ترین اصل و نسب و والاترین شرف را دارد».

1- 18. بحارالانوار، ج 97، ص 160.
2- 19. بحارالانوار، ج 97، ص 176.

ابْطَحی

بطحاء یعنی مسیل و مکانی فراخ که سیل در آن جریان می یابد.

منسوب به ابطح است که به سرزمین مکّه گفته می شد. لذا از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است. چنان که در کافی آمده:

«مُهَذَّبٌ لا یُدانی هاشِمِیٌّ لا یُوازی، اَبْطَحِیٌّ لا یُسامی .(1)

ابن الذّبیحَین

ذبیح به معنای ذبح شده و قربانی می باشد و ابن الذبیحین یعنی فرزند دو قربانی «اسماعیل و عبد اللّه» و این از القابی است که خود پیامبرصلی الله علیه وآله آن را از افتخارات خویش برشمرده است. با این توضیح که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از نسل اسماعیل فرزند ابراهیم است و حضرت ابراهیم از جانب خدا مأمور شد که فرزندش اسماعیل را قربانی و ذبح نماید(2) لکن در آخرین لحظه گوسفندی از جانب خدا آمد تا به جای اسماعیل ذبح شود. ذبیح دوم پدر بلافصل پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است. با این شرح که عبد المطلب نذر کرده بود(3) اگر خدا به او ده فرزند بدهد یکی را قربانی نماید، قرعه به

1- 20. کافی، ج 1، ص 444 / بحارالانوار، ج 16، ص 369.
2- 21. فَلَمّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْیَ قالَ یابُنَیَّ إِنِّی أَرَی فِی الْمَنامِ أَنِّی أَذْبَحُکَ فَانظُرْ ماذَا تَرَی قالَ یأَبَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِی إِن شَآءَ اللَّهُ مِنَ الصّابِرِینَ.» هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، نظر تو چیست؟» گفت «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!» سوره صافات، آیه 102.
3- 22. در مورد چگونگی و علت این نذر به کتب معتبر مراجعه شود.

نام عبد اللَّه پدر رسول خداصلی الله علیه وآله افتاده بود، ده بار قرعه را تجدید می کنند تا این که به نام صد شتر می افتد. به همین جهت حضرت فرمود من فرزند دو ذبیح هستم.(1)

ابن العواتک

مرحوم علامه مجلسی از تاریخ یعقوبی نقل کرده که ده نفر از جدّه های پیامبر به نام «عاتکه» بوده اند؛ لذا ایشان را ابن العواتک گفته اند.(2)

ابن القَواطم

یعنی فرزند فاطمه ها، چنان که مناقب نقل کرده ابن الفواطم نیز از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است چون مادر چند تن از اجداد آن حضرت به نام فاطمه بوده اند که مرحوم مجلسی در پاورقی کتاب خود آورده است.(3)

ابن بَطحاء

صاحب مناقب یکی از کنیه های پیامبر اکرم صلي الله علیه وآله را ابن بطحاء برشمرده است؛ یعنی فرزند بطحاء، و مکّه جزء سرزمین بطحاء است.(4)

1- 23. عیون الاخبار، ج 1، ص 212 / خصال، ج 1، ص 55 / امالی شیخ طوسی، ص 456.
2- 24. بحار الانوار، ج 16، ص 105.
3- 25. بحارالانوار، ج 16، ص 105 / مناقب، ج 1، ص 152.
4- 26. بحار الانوار، ج 16، 105.

ابوابراهیم

یکی دیگر از کنیه های پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله ابوابراهیم است؛ یعنی پدر ابراهیم. و این کنیه را جبرئیل به ایشان داده بود؛ آن گاه که فرزندش ابراهیم به دنیا آمد.(1)

انس روایت کرده است: «لَمّا وُلِدَ لَهُ اِبراهِیمُ مِنْ مارِیَهَ الْقِبْطِیَهِ اَتاهُ جَبْرَئِیل علیه السلام فَقالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبااِبْراهِیمَ»؛(2)

«آن گاه که ابراهیم از ماریه قبطیه برای پیامبر به دنیا آمد، جبرئیل به محضر آن حضرت آمد و گفت: سلام بر تو ای پدر ابراهیم».

ابوالارامل

کنیه ای است که در تورات برای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله بیان شده است و به معنای پدر یتیمان و فقیران و مساکین و مستضعفان است.(3)

ابوالاُمّه

یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به عنوان پدر معنوی این امّت است؛ چنان که به نقل از خود آن حضرت فرمودند: اَنَا و علیّ ابوا هذه الامّه؛(4) من و علی علیه السلام پدر این امّت هستیم. البته نه پدر شخصی خاص بلکه پدر تمام امّت است.(5)

1- 27. بحارالانوار، ج 16، ص 107.
2- 28. بحارالانوار، ج 16، ص 121.
3- 29. بحارالانوار، ج 16، ص 107 / اعلام الوری، ص 9.
4- 30. کمال الدین، ج 1، ص 261.
5- 31. بحارالانوار، ج 16، ص 364.

ابوالریحانتین

امام حسن و امام حسین دو ریحانه و دو دسته گل علی و فاطمه علیهما السلام فرزندان پیامبرند و لذا آن حضرت را ابو الریحانتین می گویند.(1)

ابوالسبطین

سبط به معنای نوه دختری است و آن حضرت پدر دو سبط گرامی، امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشد.(2)

ابوالطاهر

از دیگر کنیه های پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است که ابن شهر آشوب مازندرانی در مناقب خود آورده و علامه مجلسی نیز نقل کرده است.(3)

مناقب و بحارالانوار در تفسیر آیه شریفه: «فَلَمْ تَجِدُوا مآءً فَتَیَمَّمُوا صَعِیداً طَیِّباً»؛(4) «و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، با خاک پاکی تیمّم کنید!» نقل کرده اند که: «فَمُحَمَّدٌ الطَّهُورُ وَ عَلِیٌّ الصَّعِیدُ لأَنَّ مُحَمَّداً اَبُوالطّاهِر وَ عَلِیاً اَبُوالتُّرابِ»؛(5)

«مقصود از طهور محمّد است و منظور از صعید علی است، چون محمّد ابوالطاهر است و علی ابوتراب می باشد».

ص:18

1- 32. بحار الانوار، ج 16، ص 107

2- 33. بحار الانوار، ج 16، ص 107.

3- 34. مناقب، ج 1، ص 154 / بحارالانوار، ج 16، ص 106.

4- 35. سوره نساء، آیه 43.

5- 36. مناقب، ج 3، ص 270 / بحارالانوار، ج 39، ص 85.

ابوالطیّب

یکی دیگر از کنیه های پیامبرصلی الله علیه وآله است که آن را علامه مجلسی نقل کرده است.(1)

ابوالقاسم

کنیه معروف و مشهور پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله ابوالقاسم است که به معنای پدر قاسم می باشد.

در توضیح علت این کنیه چند وجه ذکر شده است:

یکی این که او تقسیم کننده بهشت و جهنم است.

شخصی یهودی از پیامبر خداصلی الله علیه وآله پرسید: به چه علت شما را ابوالقاسم نامیده اند؟ فرمود:

«... وَاَمّا اَبُوالْقاسِمِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُقَسِّمُ یَوْمَ الْقِیامَهِ قِسْمَهَ النّارِ، فَمَنْ کَفَرَ بِی مِنَ الاَوّلِینَ وَالآخَرِینَ فَفِی النّارِ وَیُقَسِّمُ قِسْمَهَ الْجَنَّهِ فَمَنْ آمَنَ بِی وَاَقَرَّ بِنُبُوَّتِی فَفِی الْجَنَّهِ»؛(2)

«به این جهت ابوالقاسم نامیده شدم، چون خداوند متعال در روز قیامت آتش و جهنم را تقسیم می کند، پس هرکه به من کافر شود از اولین و آخرین جایش در آتش است و بهشت را نیز تقسیم می کند؛ هر که به من ایمان آورد و به رسالت من اقرار کند جایش در بهشت است».

دیگر این که آن حضرت فرزندی به نام قاسم داشته است.

1- 37. بحار الانوار، ج 16، ص 107.
2- 38. بحارالانوار، ج 16، ص 94.

و وجه دیگر را امام رضاعلیه السلام نقل فرمودند: چون بهشت و جهنم با محبت امیرالمؤمنین علیه السلام تقسیم می شود و آن حضرت نیز بزرگ ترین فرزند معنوی پیامبر است، به ابوالقاسم ملقّب شدند.(1)

ابو المساکین

یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله پدر مستمندان و فقراست، پدر و پناه بیچارگان و درماندگان است.(2)

اتْقی وُلْد آدم

ابن عباس فرمایشی از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل می کند که خلاصه آن چنین است:

خداوند مردم را دو دسته فرمود؛ اصحاب الیمین واصحاب الشمال، و من از اصحاب یمین هستم و بهترین آنان هستم. پس آنان را سه قسم نمود؛ اصحاب میمنه، و مشئمه و سابقون، و من از سابقون هستم بلکه بهترین آنان هستم. سپس آنان را قبیله ها قرار داد و مرا در بهترین قبیله قرار داد که فرمود:

«وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَقَبَآئِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَياكُمْ» «فَأَنَا اَتْقی وُلْدِ آدَمَ»؛(3) «من با تقواترین فرزند آدم هستم».

1- 39. بحارالانوار، ج 16، ص 95 / مناقب، ج 1، ص 154.
2- 40. بحار الانوار، ج 16، ص 107.
3- 41. بحارالانوار، ج 16، ص 315 / امالی صدوق، ص 630.

اَثْبت الاصل

به معنای کسی که اصل و نسب او ثابت ترین و پایدارترین است و هیچ گاه زایل و از هم پاشیده نمی شود.

چنان که در زیارت ایشان گفته می شود:

«اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً وَاَفْضَلُهُمْ نَسَباً... وَاَثْبَتُهُمْ اَصْلاً»؛(1)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دارای گرامی ترین نژاد و با فضیلت ترین نسب و ثابت ترین اصالت است».

اجمل العالمین

به معنای نیکوترین و زیباترین فرد در بین جهانیان است.

آنچه در یکی از زیارات مربوط به آن حضرت آمده، چنین است:

«اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً وَاَفْضَلُهُمْ نَسَباً... وَاَجْمَلُهُمْ مَنْظَراً»؛(2)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گرامی ترین نژاد و بافضیلت ترین نسب را دارد و در بین جهانیان از همه زیباتر است».

اجْوَد المُستَمطرین

یعنی کسی که جود و کرم او مانند باران بر همه جا ریزش دارد. این عنوان از توصیفاتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام جناب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را به آن وصف نموده است چنان که در یکی از خطبه های خویش فرموده:

1- 42. بحارالانوار، ج 97، ص 176.
2- 43. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

«حَتّی بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّداً شَهِیداً وَ بَشِیراً وَ نَذِیراً خَیْرَ الْبَرِیَهِ طِفلاً وَ اَنْجَبَها کهْلاً، اَطْهَرُ المُطَهَّرِینَ شِیمَهً وَ اَجْوَدُ الْمُسْتَمْطرِینَ دِیمَهً»؛(1)

«تا این که خداوندمتعال محمّدصلی الله علیه وآله راشاهد و بشیر و نذیرمبعوث فرمود، او که در طفولیت بهترین مردم بود و در کهنسالی نجیب ترین و بزرگوارترین آنان و از جهت اخلاق پاک ترین پاکان و باران کرمش از هر چیز بادوام تر بود».

اجْوَد الناس

به معنای کسی که با جود و سخی ترین و بخشنده ترین مردم است و این نیز از اوصافی است که امیر المؤمنین بیان فرموده:

«کانَ اَجْوَدُ النّاسِ کَفّاً ... وَ اَصْدَقُ النّاسِ لَهْجَهً»؛(2) «او با سخاوت ترین و بخشنده ترین مردم بود ... و راستگوترین مردم و صریح ترین لهجه را داشت».

احبُّ خَلق اللَّه

این لقبی است که جبرئیل به وسیله آن، پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را ملقب نموده؛ چنان که در شب معراج آن گاه که جبرئیل بُراق را آورد به او گفت:

«اُسْکُنْ فَاِنَّما یَرْکَبُکَ خَیْرُ الْبَشَرِ، اَحَبُّ خَلْقِ اللَّهِ اِلَیْهِ...»؛(3)

«آرام باش که بهترین بشر تو را سوار خواهد شد، او که محبوب ترین شخص نزد خداوند است».

1- 44. نهج البلاغه، خ 105 / بحارالانوار، ج 97، ص 165.
2- 45. بحارالانوار، ج 16، ص 231.
3- 46. بحارالانوار، ج 18، ص 378.

یکی از حواریون عیسی بن مریم می گوید: آن حضرت برای ما اوصاف پیامبر آخرالزمان را چنین بیان کرد:

«اَکْرَمُ خَلْقِ اللَّهِ عَلَی اللَّهِ وَ اَحَبُّهُمْ اِلَی اللَّهِ، لَمْ یَخْلُقِ اللَّهُ مَلِکاً مُقَرَّباً وَ لا نَبِیّاً مُرْسلاً مِنْ آدَمَ فَمنْ سِواهُ خَیْراً عِنْدَ اللَّهِ وَ لا اَحَبَّ اِلَی اللَّهِ مِنْهُ»؛(1)

«گرامی ترین خلق خدا نزد خدا و دوست داشتنی ترین آنان است، خداوند هیچ فرشته و هیچ پیامبری را خلق نکرد از زمان آدم تاکنون که نزد خدا بهتر و محبوب تر از محمّد باشد».

احسنُ العالَمین

پیامبر خاتم نیکوترین فرد است؛ هم از جهت خلقت و هم از جهت اخلاق چنان که در زیارت آن حضرت آمده:

«وَ إِنَّکَ اَحْسَنُ الْعالَمِینَ خَلْقاً وَ خُلْقاً...»؛(2)

«و تو نیکوترین آفرینش و اخلاق جهانیان را داری».

احمد

احمد در لغت، صیغه مبالغه از صفت حمد است، و محمّد نیز مبالغه در کثرت حمد است؛ یعنی افضل و اجلّ از حمد است. این صیغه هم می تواند به معنای اسم فاعل باشد و هم به معنای اسم مفعول؛ لذا آن

1- 47. بحارالانوار، ج 16، ص 85.
2- 48. بحارالانوار، ج 97، ص 176.

حضرت هم احمد الحامدین است و هم احمد المحمودین.(1)

و خداوند کریم در قرآن می فرماید:

«وَإِذْ قالَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ یابَنِی إِسْرَءِیلَ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُم مُّصَدِّقاً لِّما بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْرَاهِ وَمُبَشِّراً بِرَسُولٍ یَأْتِی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمّا جَآءَهُم بِالْبَیِّنَاتِ قالُوا هذا سِحْرٌ مُبِینٌ»؛(2)

«و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: «ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده [تورات] می باشم، و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است! هنگامی که او [احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: این سحری است آشکار».

لذا جابر بن عبد اللَّه می گوید:

«قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله: ... وَ سَمّانِی فِی الإِنْجِیلِ اَحْمَدَ فَأَنَا مَحْمُودٌ فِی اَهْلِ السَّماءِ وَ جَعَلَ اُمَّتِی الْحامِدِینَ»؛(3)

«پیامبر فرمود: خداوند متعال اسم مرا در انجیل، احمد گذاشته است، پس من در بین اهل آسمان محمود و ستایش شده ام، و امت مرا نیز حامدین قرار داده است».

شخصی یهودی از پیامبر خداصلی الله علیه وآله پرسید: چرا شما را احمد و محمّد نامیده اند؟ فرمود: «... وَاَمّا مُحَمَّدٌ فَإِنِّی مَحْمُودٌ فِی الأَرْضِ وَاَمّا اَحْمَدُ فَإِنِّی

1- 49. بحارالانوار، ج 16، ص 93 / کشف الغمّه، ج 1، ص 7.
2- 50. سوره صف، آیه 6.
3- 51. بحارالانوار، ج 16، ص 92.

مَحْمُودٌ فِی السَّماءِ»؛(1) «مرا محمّد نام نهادند چون محمود در زمین هستم و امّا احمد چون محمود در آسمان هستم».

لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا أَحْمَدُ !».(2)

احمدُ النّاس

مطابق آنچه در زیارت مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده، یکی از اوصاف آن جناب چنین است:

«اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً وَاَفْضَلُهُمْ نَسَباً... وَ اَحْمَدُهُمْ وَصْفاً»؛(3)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گرامی ترین نژاد و با فضیلت ترین نسب را دارد ... و از جهت اوصاف، ستوده ترین آنان است»

اُحید

از نام های مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در تورات أحید است، چنان که جابر بن عبد اللَّه از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمودند:

«... وَ جَعَلَ اسْمِی فِی التَّوراهِ اُحِیدَ فَبِالتَّوحِیدِ حَرَّمَ اَجْسادِ اُمَّتِی عَلَی النّارِ»؛(4) «خداوند متعال اسم مرا در تورات أحید گذاشته است لذا به وسیله توحید جسد و بدن امّت مرا بر آتش جهنم حرام نموده است».

1- 52. بحارالانوار، ج 16، ص 94.
2- 53. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور.
3- 54. بحارالانوار، ج 97، ص 176.
4- 55. بحارالانوار، ج 16، ص 92 / خصال، ج 2، ص 425.

آدنَی المُرسَلین

به معنای نزدیک ترین پیامبر به خداست که این عنوان از دعاهای روزهای ماه مبارک رمضان اقتباس گردیده و از زبان معصوم علیه السلام صادر شده است و از خداوند خواسته شده:

«اَللَّهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ أَدْنَی الْمُرْسَلِینَ مِنْکَ مَجْلِساً...»؛ (1)

«خدایا محمّدصلی الله علیه وآله را نزدیک ترین پیامبران به خودت قرار بده».

ادیب اللَّه

ادیب به معنای تأدیب و ادب شده و تحت تربیت کسی قرار داشتن است و پیامبر چنین است آنجا که می فرماید:

«اَنَا اَدِیبُ اللَّهِ وَ عَلِیٌّ اَدِیبِی»؛ (2)

«من ادب شده خدایم و علی ادب شده من است».

اُسّ بَناء الایمان

به معنای ریشه و اساس و بنیان بنای ایمان است. چنان که مرحوم علامه مجلسی در ابتدای کتاب خود که به تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

1- 56. مفاتیح الجنان، اعمال روزهای ماه مبارک رمضان / الاقبال، ص 35 / تهذیب مرحوم شیخ طوسی، ج 3، ص 121.
2- 57. بحار الانوار، ج 16، ص 231.

می پردازد، آن حضرت را این گونه توصیف نموده است.(1)

اَسْخَی العالمین

به معنای با سخاوت ترین و بخشنده ترین و بزرگ وارترین شخص جهانیان است. و چنین است عبارت یکی از زیارات مربوطه:

«اَكْرَمُ الْعالَمِينَ حَسَباً وَاَفْضَلُهُمْ نَسَباً وَ اَجْمَلُهُمْ مَنْظَراً وَ اَسْخاهُمْ كَفّاً»؛(2)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گرامی ترین نژاد و با فضیلت ترین نسب و زیباترین منظر را دارد و دست و دل بازترین جهانیان است».

اَسْنَی الذُّخر

به معنای بلندمرتبه ترین و گرانبهاترین گوهر می باشد؛ چنان که در زیارت مربوط به آن جناب عرض می شود:

«اَكْرَمُ الْعالَمِينَ حَسَباً وَاَفْضَلُهُمْ نَسَباً... وَ اَسْناهُمْ ذخْراً»؛(3)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گرامی ترین نژاد و با فضیلت ترین اصل و نسب را دارد و گرانبهاترین گوهر عالمیان است».

اُسوه

اسوه به معنای الگو و نمونه و سَنبُل است؛ یعنی کسی که اخلاق

1- 58. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
2- 59. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
3- 60. بحارالانوار، ج 97، ص 176.

و رفتار او مورد توجّه، تقلید و الگوی دیگران قرار می گیرد. این عنوان نیز از القاب و اوصاف قرآنی پیامبر خدا به شمار می آید ؛زیرا که خداوند متعال، پیامبرش را به عنوان اسوه و الگوی همه جهانیان اعلان فرموده است، آنجا که می فرماید:

«لَّقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ لِّمَن کانَ یَرْجُوااللَّهَ وَالْیَوْمَ الْأَخِرَ وَذَکَرَ اللَّهَ کَثِیراً»(1)

«مسلّماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند».

آشجَع العالمین

از آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بالاترین درجه ایمان و یقین به خداوند را داشته و نیز عمیق ترین نوع توکل را به خداوند متعال داشت، هیچ نوع ترس و دلهره و خوفی از غیر خدا در دل نداشت؛ لذا او شجاع ترین مردم بود.

و در یکی از زیارات مربوط به آن حضرت آمده است:

«..اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً وَاَفْضَلُهُمْ نَسَباً... وَ اَشْجَعُهُمْ قَلْباً»؛(2)

«گرامی ترین نژاد و بافضیلت ترین نسب و شجاع ترین قلب را دارد».

چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می فرماید: در سخت ترین لحظات جنگ های صدر اسلام، همه به پیامبرصلی الله علیه وآله پناهنده می شدیم. (3)

1- 61. سوره احزاب، آیه 21.
2- 62. بحارالانوار، ج 97، ص 176.
3- 63. کنّا اذا احمرّ...».

اشرف العالمین

به معنای شریف ترین فرد در بین موجودات جهان است که صاحب کتاب اعلام الدین در مقدمه خود، این عبارت را برای توصیف پیامبر اکرم به کار برده است.(1)

اشرف المحل

یعنی کسی که شریف ترین محل و مکانت را دارا می باشد و این کسی جز بهترین مخلوق خدا نیست، لذا از القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله اشرف المحل است؛ چنان که در زیارت آن حضرت از دور و نزدیک خوانده می شود:

«فَبَلَغَ اللَّهُ بِکَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُکَرَّمِینَ»؛(2)

«خداوند تو را به بهترین و گرامی ترین محل از شرافت و کرامت رسانده است».

اشرف کائنات

یعنی کسی که در بین همه موجودات عالم و آنچه که موجود و مخلوق خداوند است از همه شریف تر و مقام بالاتری است. این عنوان را مؤلف کتاب تأویل الایات در مقدمه کتاب خود آورده است.(3)

1- 64. اعلام الدین، ص 33.
2- 65. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183 / جمال الاسبوع، ص 29.
3- 66. تأویل الایات، ص 20.

اصدق الناس

به معنای راستگوترین مردم است و این از اوصافی است که امیر المؤمنین بیان فرموده:

«کانَ اَصْدَقُ النّاسِ لَهْجَهً»؛(1) «او راستگوترین مردم و صریح ترین لهجه را داشت».

اصیل الشّجره

یعنی شجره طیبه خانوادگی آن حضرت، نسل به نسل از اصالت خاص برخوردار بودند؛ چنان که در زیارت آن حضرت آمده:

«اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً ... مِنْ شَجَرَهٍ اَصْلُها راسِخٌ فِی الثَّری وَ فَرْعُها شامِخٌ فِی الْعُلی ؛(2)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گرامی ترین نژاد را دارد، از شجره ای که اصل و ریشه آن در آسمان ثابت و راسخ است و شاخه های آن سرکشیده به بالاست».

اَطْهَر المطهَّرین

یعنی پاک ترین پاکان و طاهرترین طاهرین، و این کسی جز پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله نیست، و این وصفی است که جناب امیرالمؤمنین علیه السلام آن حضرت را به این عنوان توصیف فرموده است، در آنجا که می فرماید:

«حَتّی بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّداً شَهِیداً وَ بَشِیراً وَ نَذِیراً خَیْرَ الْبَرِیَهِ طِفلاً وَ اَنْجَبَها

1- 67. بحارالانوار، ج 16، ص 231.
2- 68. بحارالانوار، ج 97، ص 176.

كهْلاً، اَطْهَرُ المُطَهَّرِينَ شِيمَةً»؛(1)

«تا این که خداوند محمّد را مبعوث فرمود و او را شاهد و بشیر و نذیر قرار داد او که در طفولیت بهترین مردم بود و در کهنسالی نجیب ترین آنان و از حیث اخلاق نیز، پاک ترین پاکان».

اَعْلَم النّاس

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بنا به فرمایش خود ایشان، شهر علم بودند آنجا که فرمودند:

«أَنَا مَدِینَهُ الْعِلْمِ وَ عَلِیٌّ بابُها»؛

«من شهر علم هستم و علی علیه السلام نیز درب آن است».

یعنی علم آن حضرت از علم همه مردم بیشتر است؛ زیرا علم ایشان متصل به علم الهی است، آنجا که خداوند می فرماید:

«... وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَیْکَ الْکِتابَ وَالْحِکْمَهَ وَعَلَّمَکَ ما لَمْ تَکُن تَعْلَمُ وَکانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکَ عَظِیماً»؛(2)

«... و خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل کرد؛ و آنچه را نمی دانستی، به تو آموخت؛ و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است».

یعنی خداوند متعال، قرآن و حکمت را بر تو نازل کرد، بعد هم علومی به تو داد که خود قادر به فراگیری آن نبودی، و این عطا هنوز هم ادامه

1- 69. نهج البلاغه، خ 105 / بحارالانوار، ج 34، ص 236.
2- 70. سوره نساء: آیه 113»

دارد، چون فضل خدا خیلی عظیم است. لذا در زیارت مربوط به آن حضرت آمده:

«اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً وَاَفْضَلُهُمْ نَسَباً... وَ اَکْثَرُهُمْ عِلْماً»؛(1)

«گرامی ترین نژاد و بافضیلت ترین نسب و بیشترین علم جهانیان را دارد».

آعْلَی الذِّکْر

یعنی نام و یاد پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله از همه نام ها و یادها، بالاتر و بیشتر و والاتر است. چنان که در زیارت مربوطه می گوییم:

«اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً ...وَ اَعْلاهُمْ ذِکْراً»؛(2)

«گرامی ترین نژاد و بالاترین نام و یاد، از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است».

آعْلَی المَنزل

یعنی کسی که بالاترین منزل در بهشت و در نزد خداوند متعال را دارد. چنان که در قسمتی از زیارت آن حضرت آمده است:

«فَبَلَغَ اللَّهُ بِکَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُکَرَّمِینَ، وَأَعْلی مَنازِلِ الْمُقَرَّبِینَ»؛(3)

«خداوند تو را به بهترین و گرامی ترین محل از شرافت و بالاترین منزل مقربان الهی رسانده است».

1- 71. بحارالانوار، ج 97، ص 176.
2- 72. بحارالانوار، ج 97، ص 176.
3- 73. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / اقبال، ص 604.

اَفْصَح العَرب

یعنی کسی که خوش زبان و خوش کلام است و هنگام سخن گفتن، هر کلامی را در جای خود استفاده می کند. «افصح» از القابی است که خود پیامبرصلی الله علیه وآله به آن افتخار کرده و فرمودند:

«أَنَا اَفْصَحُ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ»؛(1)

«من فصیح ترین مردم در عرب و عجم هستم».

افضل العالمین

یعنی پیامبر اسلام، برترین و بهترین و با فضیلت ترین خلق خدا در سرتاسر جهانیان است. آیه شریفه می فرماید:

«... وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَیْکَ الْکِتابَ وَالْحِکْمَهَ وَعَلَّمَکَ ما لَمْ تَکُن تَعْلَمُ وَکانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکَ عَظِیماً»(2)

«... و خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل کرد؛ و آنچه را نمی دانستی، به تو آموخت؛ و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است».

چنان که در زیارات مربوط به آن حضرت عرض می کنیم:

«... اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً وَاَفْضَلُهُمْ نَسَباً...»؛(3)

«او دارای گرامی ترین نژاد و بافضیلت ترین نسب است».

ص:33

1- 74. عوالی اللآلی، ج 4، ص 120 / بحارالانوار، ج 17، ص 158.
2- 75. سوره نساء: آیه 113»
3- 76. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

افضل انبیاء اللَّه

یعنی برترین و والاترین پیامبر خدا، اگرچه آخرین پیامبر از حیث زمان بعثت است؛ امّا برترین آنان است. چنان که خود آن حضرت فرمود:

«أَنَا اَفْضَلُ اَنْبِیاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ».(1)

و در زیارت حضرت زهراعلیها السلام می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِیاءِ اللَّهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای دختر بهترین پیامبران خداوند».

اقامه کننده نماز

از مهم ترین اصول دین و احکام اسلامی نماز و اقامه آن است. خواندن نماز یک مرحله از وظیفه است؛ ولی اقامه نماز وظیفه ای بالاتر و مهم تر از آن است؛ یعنی نماز را برپاکردن و کاری کنند که نماز در جامعه گسترش یافته و دیگران را به آن امر و توصیه نمایند. پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام این وظیفه و فریضه را به خوبی به انجام رساندند؛ چنان که در موارد مختلف از دعاها و زیارت ها آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خاتَِمَ النَّبِیِّینَ اَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسالَةَ وَ اَقَمْتَ الصَّلوةَ وَ آتَیْتَ الزَّکاةَ ...»؛(3)

«سلام بر تو ای آخرین پیامبر الهی، گواهی می دهم که تو ابلاغ رسالت نمودی، و نماز و زکات را به پا داشتی».

1- 77. بحارالانوار، ج 31، ص 410 / احتجاج، ج 1، ص 147.
2- 78. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهراعلیها السلام.
3- 79. بحارالانوار، ج 97، ص 160.

اقرب المنزله

یعنی کسی که مقام و منزلتش نزدیک به خداوند است؛ بلکه از همه به خدا نزدیک تر است، به حدی که خداوند متعال می فرماید:

«ثُمَّ دَنا فَتَدَلَّی فَکانَ قابَ قَوْسَیْنِ أَوْ أَدْنَی (1)

چنان که در شب معراج بعد از مراحلی که جبرئیل نیز همراه او بود جبرئیل توقف کرد، پیامبر فرمود: بیا، جبرئیل گفت: «لو دنوت انمله لاحترقت» (2)؛ «اگر یک بند انگشتی جلوتر بیایم هر آینه خواهم سوخت».

در قسمتی از زیارات مربوط به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، اَلْعَظِیمِ حُرْمَتُهُ، اَلْقَرِیبِ مَنْزِلَتُهُ»؛ (3)

«خدایا درود فرست بر محمّد بنده و رسولت، هم او که حرمتش عظیم و منزلتش قریب است».

اقرَب الوسیله

خداوند متعال در قرآن فرموده: و ابتغوا الیه الوسیله؛ یعنی اگر خواستید به درگاه خدا بیایید به همراه وسیله بیایید و پیامبر نزدیک ترین وسیله ای است که توسط آن می توان به خدا رسید؛ چون او نزدیک ترین شخص به خداست؛ لذا این عنوان از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است. بنابر این از خداوند می خواهیم:

1- 80. سوره نجم: آیه 8 و 9.
2- 81. مناقب، ج 1، ص 178.
3- 82. بحارالانوار، ج 97، ص 178.

«اَللَّهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَدْنَى الْمُرْسَلِينَ مِنْکَ مَجْلِساً...وَأَقْرَبَهُمْ إِلَيْکَ وَسِيلَةً»؛(1)

«خدايا محل جلوس محمّدصلى الله عليه وآله را در نزديک ترين جا به خودت قرار بده، و وسيله و توسلش را زودتر از همه قبول فرما».

اكبر

اسمى است براى پيامبر خاتم صلى الله عليه وآله كه نزد رضوان (ملک موكّل بر بهشت) به آن معروف است. چنان كه در مناقب ابن شهر آشوب آمده است.(2)

اكثر الانبياء تَبَعاً

يعنى كسى كه پيروان او از همه پيامبران بيشتر است.

دين پيامبر خاتم صلى الله عليه وآله جهانى و ابدى است او رحمه للعالمين است و احكام آن تا ابد جارى مى باشد لذا پيروان آن حضرت نيز نسبت به ساير پيامبران از همه بيشتر است. چنان كه علامه مجلسى آن را از اوصاف آن حضرت شمرده است.(3)

اكرم العالمين

پيامبر اكرم گرامى ترين شخص جهانيان است. چنان كه در زيارت آن

1- 83. مفاتيح الجنان، اعمال روزهاى ماه مبارک رمضان / بحارالانوار، ج 95، ص 111.
2- 84. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 104.
3- 85. بحارالانوار، ج 16، ص 399.

حضرت آمده است:

«اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً وَاَفْضَلُهُمْ نَسَباً...»؛(1)

«او گرامی ترین جهانیان از جهت نژاد و با فضیلت ترین آنان از جهت نسب است».

اکرم النَّبِیّین

یعنی گرامی ترین پیامبر نزد خداوند متعال که آن پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است. چنان که خود آن حضرت قسم یاد فرمود:

«وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ ما بَعَثَ نَبِیّاً اَکْرَمَ عَلَیْهِ مِنِّی»؛(2)

«قسم به خدایی که مرا به حقّ مبعوث فرمود، خداوند متعال پیامبری را گرامی تر از من مبعوث نکرده است».

اکرم خلق اللَّه

یکی از حواریون عیسی بن مریم از قول آن حضرت، پیامبر آخر الزمان را چنین توصیف کرده که... «اَکْرَمُ خَلْقِ اللَّهِ عَلَی اللَّهِ وَ اَحَبُّهُمْ اِلَی اللَّهِ، ...»؛ (3)

«آن حضرت گرامی ترین خلق خدا نزد خداوند است و محبوب ترین آنان به سوی خداست».

1- 86. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
2- 87. بحارالانوار، ج 16، ص 319 / امالی طوسی، ص 104.
3- 88. بحارالانوار، ج 16، ص 85.

اکرم وُلْد آدم

به معنای گرامی ترین فرزندان حضرت آدم علیه السلام است و از القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد چنان که در زیارت نامه حضرت نزد اسطوانه در مسجد النبی گفته می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَکْرَمَ وُلْدِ آدَمَ»؛(1)

«سلام بر تو ای گرامی ترین فرزند آدم !»

چنان که از خود آن حضرت هم نقل شده که فرمودند:

«أَنَا اَکْرَمُ وُلْدِ آدَمَ».(2)

الاول و الآخر

خود آن حضرت فرمودند که من هم اول هستم و هم آخر: انا الاول و الاخر؛ مراد این است که از نظر نبوت، اولین هستم اما از جهت بعثت، آخرین می باشم.(3)

اَلبَرِی ء مِن کلّ عیب

یعنی کسی که از هرگونه عیب و نقص و آلودگی، بری ء و پاک است.

در دعای به وجود مقدّس پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در صلوات کبیره چنین آمده است:

1- 89. بحارالانوار، ج 97، ص 173.
2- 90. اعلام الدین، ص 349.
3- 91. بحار الانوار، ج 16، ص 120.

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ... اَلْبَرِی ء مِنْ کُلِّ عَیْبٍ»؛ (1)

«خدایا درود فرست بر محمّد که آقای پیامبران است... هم او که از هرگونه عیبی پاک است».

المَحمُول عَلَی البُراق

به معنای کسی که بر براق سوار شده است و این پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله است که در شب معراج جبرائیل برایش براق را آورد و بر آن سوار شد و به ملکوت آسمان ها سفر نمود. آیه شریفه می فرماید:

«سُبْحانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصا الَّذِی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ»؛ (2)

«پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست».

لذا در زیارتی آمده است:

«صاحِبُ الآیاتِ فِی الآفاقِ ... اَلْمَحْمُولِ عَلَی الْبُراقِ». (3)

المُرتَجی لِلشّفاعه

یعنی کسی که دیگران به شفاعت و دستگیری او امیدوارند؛ بنابر این

1- 92. بحارالانوار، ج 91، ص 81 / مفاتیح الجنان، زیارت آن حضرت.
2- 93. سوره اسراء، آیه 1.
3- 94. بحارالانوار، ج 99، ص 191.

برایش دعا می شود:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ... اَلْمُرْتَجی لِلشَّفاعَهِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد... او که همه به شفاعتش امید دارند».

المصطفی فی الظّلال

به معنای کسی که برگزیده شده و در زیر سایه حقّ تعالی است و از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد؛ چنان که در دعای امام زمان علیه السلام آمده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ... اَلْمُصْطَفی فِی الضّلالِ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد، هم او که اختیار شده توست در زیر سایه عنایت تو».

المطهَّر مِن کلِّ آفه

یعنی کسی که از هرگونه آفت و آلودگی و عیب و نقص پاک شده است و از اوصاف پیامبر خاتم است، چنان که در عبارت دعای امام زمان علیه السلام آمده است: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ... اَلْمُطَهَّرِ مِنْ کُلِّ آفَهٍ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد... بنده ات که از هرگونه آلودگی و آفتی پاک است».

1- 95. نماز ضراب / بحارالانوار، ج 91، ص 81.
2- 96. نماز ضراب / بحارالانوار، ج 91، ص 81.
3- 97. نماز ضراب / بحارالانوار، ج 91، ص 81.

المُفَوَّض اِلَیْه دین اللَّه

به معنای کسی است که امر دین خداوند به او واگذار شده است و از اوصاف پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله می باشد چنان که در دعای امام زمان علیه السلام آمده است: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ ... اَلْمُفَوَّضِ اِلَیْهِ دِین اللَّهِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد که آقای پیامبران است هم او که دین خدا به او واگذار شده است».

المُقَفّی

از القابی است که خود پیامبرصلی الله علیه وآله نام برده است یعنی کسی که همه پیامبران را پشت سر گذاشته و سرآمد همه شده است.(2) چنان که خود آن حضرت فرموده است:

«وَ جَعَلَنِی رَسُولَ الرَّحْمَهِ وَ رَسُولَ التَّوْبَهِ وَ رَسُولَ الْمَلاحِمِ وَ الْمُقَفّی قَفَیْتُ النَّبِیِّینَ جَماعَهً»؛(3)

«خداوند مرا رسول رحمت و توبه و جنگ قرار داده چنان که مرا مقفّی قرار داده یعنی تمام پیامبران را پشت سر گذاشته ام».

المُنتَجب فی المیثاق

از دیگر اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله المنتجب فی المیثاق است یعنی کسی که برگزیده حقّ در روز عهد و میثاق است. چنان که از صاحب الزمان نقل

1- 98. نماز ضراب، بحارالانوار، ج 91، ص 81.
2- 99. بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 100. بحارالانوار، ج 16، ص 92.

شده که فرمودند:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ ... اَلْمُنْتَجَبِ فِی الْمِیثاقِ»؛ (1)

«خدایا درود فرست بر محمّد که آقای پیامبران است هم او که برگزیده حقّ است در روز عهد و میثاق».

المُؤمَّل للنّجاه

به معنی کسی است که تمام افراد نجات خود را به دست او می دانند آرزو می کنند به وسیله او نجات یابند، لذا از خداوند می خواهیم:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ... اَلْمُؤَمَّلِ لِلنَّجاهِ»؛ (2)

«خدایا درود فرست بر محمّد... آن که همه افراد به امید و آرزوی دستگیری او از آتش جهنم هستند».

امام الأئمه

عنوان امام الائمه یعنی امام و پیشوای امامان، عبارتی است که مرحوم سیّد رضی در مقدمه کتاب شریف نهج البلاغه برای توصیف پیامبر اکرم آورده است. (3)

امام الأنبیاء

به معنای جلودار و پیش نماز پیامبران است. در کتاب مناقب و در

1- 101. نماز ضراب / غیبت طوسی، ص 277 / مصباح کفعمی، ص 545.
2- 102. نماز ضراب / بلد الامین، ص 79 / غیبت طوسی، ص 277.
3- 103. نهج البلاغه، مقدمه کتاب.

شرح جریان معراج آن گاه که فضیلت و برتری پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله را بر سایر پیامبران بر می شمرد می گوید: اگر آدم قبله ملائکه قرار گرفت، خداوند پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را در شب معراج امام همه انبیاء قرار داد که آدم نیز در بین پیامبران قرار داشت.(1)

امام الرَّحمه

او هم پیامبر رحمت است و هم امام رحمت، او سراسر رحمت و رأفت است برای همه جهانیان، و این لقب از اختصاصات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که در مورد هیچ یک از امامان نیز به کار نرفته است.

لذا در دعای توسل می گوییم:

« یا أَبَا الْقاسِمِ، یا رَسُولَ اللَّهِ، یا إِمامَ الرَّحْمَهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ»؛(2)

«ای ابوالقاسم، ای پیامبر خدا! ای امام رأفت و رحمت! ای آقا و مولای ما! ما به سوی تو روی آوردیم و تو را شفیع قرار دادیم و به وسیله تو توسل می جوییم به سوی خدا».

و دعا می کنیم که:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ اَمِینِکَ عَلی وَحْیِکَ وَ نَجِیبِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ صَفِیّکَ مِنْ عِبادِکَ، اِمامِ الرَّحْمَهِ وَ قائِدِ الْخَیْرِ وَ مِفْتاحِ الْبَرَکَهِ».(3)

1- 104. مناقب، ج 1، ص 212 / بحارالانوار، ج 16، ص 402.
2- 105. مفاتیح الجنان، دعای توسل / بحارالانوار، ج 99، ص 247.
3- 106. شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 185 / صحیفه، ص 32.

امام المتّقین

به معنای پیشوا و جلودار پرهیزکاران از القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است اگرچه به امامان معصوم علیهم السلام نیز امام المتقین گفته می شود. چنان که دعا می کنیم:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ خاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ اِمامِ الْمُتَّقِینَ وَ اَفْضَلِ الْخَلْقِ اَجْمَعِینَ مِنَ الاَوّلِینَ وَ الآخَرِینَ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد که آقا و خاتم پیامبران است و او که امام پرهیزکاران و برترین خلق خدا از اوّل تا آخر است».

و نیز در دعای دیگر هنگام خطبه نماز جمعه گفته می شود:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ واِمامِ الْمُتَّقِینَ وَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد بنده و پیامبرت، او که بزرگ پیامبران و امام پرهیزکاران و رسول پروردگار جهانیان است».

امام المرسلین

به معنای پیشوا و جلودار همه پیامبران الهی، از اوصاف و القاب پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله است. چون او اگرچه آخرین پیامبر از نظر زمان بعثت است ولی از جهت رتبه و مقام، مقدّم بر همه پیامبران است. و مرحوم علامه مجلسی نیز با این عنوان آن حضرت را توصیف نموده است.(3) چنان که در

1- 107. بحارالانوار، ج 97، ص 178.
2- 108. کافی، ج 3، ص 422.
3- 109. بحارالانوار، ج 15، ص 1.

بلدالامین آمده است:

«اَسْئَلُکَ یا حَیُّ یا قَیُّومُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ اِمامِ الْمُرْسَلِینَ»؛(1)

«خدایا از تو درخواست می کنم ای زنده و پابرجا این که درود فرستی بر محمّد که خاتم پیامبران و امام رسولان است».

امان

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله موجب امان و امنیت مردم بود و خداوند متعال به ایشان وعده داده بود، تا شما در بین این امّت هستی آنان را عذاب نخواهم کرد:

«وَما کانَ اللَّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِیهِمْ وَما کانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ یَسْتَغْفِرُونَ»؛(2)

«ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آن ها هستی، خداوند آن ها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند. ».

اُمّی

از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله امّی است طبق تصریح آیه شریفه:

«الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّی...»؛(3)

1- 110. بلد الامین، ص 368.
2- 111. سوره انفال: آیه 33.
3- 112. سوره اعراف، آیه 157.

«همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می کنند...».

و نیز آیه: «... فَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِیِّ الأُمِّی...»؛(1) «... پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، آن پیامبر درس نخوانده ای که...».

امّا این که امّی به چه معنایی است چند قول ذکر شده است:

1 - یعنی کسی که خواندن و نوشتن نمی داند.

2 - این که منسوب به امّت باشد و ایشان را امّی گویند؛ زیرا منسوب به امّت عرب یا امّت اسلام است.

3 - منسوب به امّ و مادر است.

4 - منسوب به امّ القری یعنی مکّه است، که این قول از امام باقرعلیه السلام نقل شده است.(2)

امین اللَّه

به معنای امانت دار خدا و از مهم ترین القاب پیامبر است، چنان که آن حضرت را قبل از بعثت هم محمّد امین می گفتند، یعنی پیامبر امانت دار خدا و خلق خدا بوده و هست.

از جمله در زیارت وداع مکّه و بیت الحرام از خدا می خواهیم:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ اَمِینِکَ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد که بنده و رسول تو و نبیّ و امین تو است».

1- 113. سوره اعراف، آیه 158.
2- 114. بحارالانوار، ج 16، ص 83؛ به نقل از مرحوم طبرسی.
3- 115. کافی، ج 4، ص 530.

و در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَواتِکَ وَصَلَواتِ مَلآئِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ... عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ، وَأَمِینِکَ...»؛(1)

«خدایا درودهای خودت و فرشتگان مقرب خودت را به محمّد قرار بده، او که بنده و رسول و پیامبر امین تو است».

و در زیارت آن حضرت در ورود به مدینه می گویند:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا امین اللَّه...».(2)

امین بر وحی

این لقبی است که خداوند بر آن حضرت گذاشته یعنی خدا او را امین وحی خود دانسته و وحی الهی را به ایشان سپرده است. لذا در قسمتی از دعای روز سوم شعبان می خوانیم:

«... مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ، الَّذِی اصْطَفَیْتَهُ بِالرِّسالَهِ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلی وَحْیِکَ»؛(3)

«... محمّد پسر عبد اللَّه که او را به عنوان رسول برگزیدی و بر وحی خود امین قرار دادی».

و در جای دیگر می گوییم:

«... بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَرَسُولِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَأَمِینِکَ عَلی وَحْیِکَ».(4)

و این نیز عبارتی از زیارت امیرالمؤمنین که به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می دهیم:

1- 116. بحارالانوار، ج 97، ص 162.
2- 117. کافی، ج 4، ص 552.
3- 118. مفاتیح الجنان، اعمال روز سوم شعبان / بحارالانوار، ج 97، ص 347 / اقبال، ص 690.
4- 119. بحارالانوار، ج 95، ص 222 / مفاتیح الجنان، دعای عرفه.

«اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، أَمِینِ اللَّهِ عَلی وَحْیِهِ وَعَزآئِمِ أَمْرِهِ»؛(1)

«سلام بر رسول خدا، امین خدا بر وحی و امور مهم او».

انسان

انسان در آیه شریفه زیر به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله تأویل شده است؛ یعنی آن انسانی که خداوند به او علم بیان آموخت، رسول خداصلی الله علیه وآله می باشد:

«خَلَقَ الْإِنسانَ عَلَّمَهُ الْبَیانَ»؛(2)

«انسان را آفرید، و به او «بیان» را آموخت.»

اَوْثَق العالمین

به معنای مطمئن ترین و موثق ترین مردم است نسبت به عقد و قرارداد. چنان که در عبارت زیارت آمده است:

«وَ إنَّکَ اَحْسَنُ الْعالَمِینَ خَلْقاً وَ خُلْقاً... وَ اَوْثَقُهُمْ عَقْداً»؛(3)

«و تو زیباترین شخص جهانیان هستی هم از نظر آفرینش و هم از جهت اخلاق و نیز موثق ترین افراد از نظر عقد و پیمان».

اَوْفَی النّاس

به معنای باوفاترین مردم به عهد و پیمان ها می باشد.

1- 120. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام / تهذیب، ج 6، ص 56.
2- 121. سوره رحمان: آیه 3 و 4.
3- 122. بحارالانوار، ج 97، ص 176.

این هم عبارت مربوط به این موضوع در زیارت آن حضرت:

«اَکْرَمُ الْعالَمِینَ حَسَباً... وَ اَوْفاهُمْ بِالْعَهْدِ»؛(1) «او گرامی ترین مردم از حیث نژاد و باوفاترین آنان است نسبت به عهد و پیمان».

اوّل المؤمنین

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله اولین کسی است که به خداوند متعال ایمان آورده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: از رسول خداصلی الله علیه وآله سؤال کردند: چطور شما از تمام انبیاء سبقت گرفته اید با این که آخرین پیامبر هستید؟ فرمود:

«إِنِّی کُنْتُ اَوَّل مَنْ آمَنَ بِرَبِّی»؛(2)

«چون من اولین کسی بودم که در عالم ذر به پروردگار خود ایمان آوردم».

1- 123. بحارالانوار، ج 97، ص 176.
2- 124. بحارالانوار، ج 16، ص 353.

اوّل النَّبيين

امام صادق علیه السلام می فرماید: از رسول خداصلی الله علیه وآله سؤال کردند چطور شما گوی سبقت را از سایر انبیاء گرفته اید با این که شما آخرین پیامبر مبعوث شده اید؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: چون من اولین کسی بودم که به پروردگار خود ایمان آوردم و اولین کسی بودم که هنگام اخذ پیمان از انبیا جواب دادم آنجا که فرمود: «وَأَشْهَدَهُمْ عَلَی أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلَی .(1)

اوّل النّبیّین میثاقاً

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله اگرچه آخرین پیامبری است که مبعوث شده است، لکن از جهت رتبه و مقام در نزد خداوند اولین پیامبر است، چنان که در این فراز از زیارت آمده است:

«اَللَّهُمَّ اجْعَلْ جَوامِعَ صَلَواتِکَ، وَنَوامِی بَرَکاتِکَ...وَمُنْقِذِ الْعِبادِ مِنَ الْهَلَکَهِ بِإِذْنِکَ، وَداعِیهِمْ إِلی دِینِکَ الْقَیِّمِ بِأَمْرِکَ، أَوَّلِ النَّبِیِّینَ مِیثاقاً وَآخِرِهِمْ مَبْعَثاً»؛(2) «خدایا درود فرست بر محمّد بنده برگزیده ات... او که بندگانت را از هلاکت نجات داده و آنان را به سوی دین تو دعوت نمود و به امر تو قیام کرد، هم او که اولین پیامبری است که با تو میثاق دارد و آخرین پیامبری است که مبعوث گردیده است».

اوّل شافع

اولین و بالاترین کسی که در روز قیامت شفاعت می کند، پیامبر خاتم است و این بشارتی است که خداوند به حضرت آدم علیه السلام داده است و آدم نیز بر این نعمت شکر نمود که خداوند او را ابومحمّد نامید.(3)

لذا با دعا می کنیم:

«اَللَّهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ أَدْنَی الْمُرْسَلِینَ مِنْکَ مَجْلِساً... وَاجْعَلْهُ أَوَّلَ شافِعٍ»؛(4)

1- 125. بحارالانوار، ج 16، ص 353.
2- 126. مفاتيح الجنان، زيارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 178.
3- 127. بحارالانوار، ج 15، ص 239.
4- 128. مفاتيح الجنان، اعمال روزهای ماه رمضان / تهذيب، ج 3، ص 121.

«خدایا و محمّد را نزدیک ترین پیامبر نزد خود قرار بده و نیز او را اولین شفاعت کننده قرار بده».

چنانچه خود آن حضرت نیز فرموده است:

«أَنَا أَوَّلُ شافِعٍ وَ أَوَّلُ مُشَفَّعٍ».(1)

ما نیز از خدا می خواهیم که شفاعتش را در حقّ امّتش قبول فرماید:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ اَكْثِرْ تَبِعَهُ»؛(2) «خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد، و شفاعت او را قبول نموده و چهره اش را سپید و پیروانش را زیاد فرما».

اولین کوبنده در بهشت

این نیز از القابی است که خداوند به پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله داده و بشارت های خداوند به آدم در مورد پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله بود که ایشان اولین کسی است که درب بهشت را خواهد زد:

«... وَ اَوَّلُ قارِعٍ لأَبْوابِ الْجِنانِ وَ اَوَّلُ مَنْ يُفْتَحُ لَهُ»؛(3)

«خدایا محمّد را اولین کوبنده درب بهشت قرار بده و اولین کسی که درب بهشت برایش باز می شود».

اولین وارد شونده بهشت

خود آن حضرت فرموده است:

1- 129. بحارالانوار، ج 16، ص 236.
2- 130. کافی، ج 3، ص 187.
3- 131. بحارالانوار، ج 15، ص 239.

«وَ جَعَلَنِی فِی الدُّنْیا سَیِّدَ وُلْدِ آدَمَ وَ فِی الآخِرَهِ زَیْنَ الْقِیامَهِ وَ حَرَّمَ دُخُولَ الْجَنَّهِ عَلَی الأَنْبِیاءِ حَتّی اَدْخُلَها أَنَا»؛(1)

«خداوند مرا آقای فرزندان آدم در دنیا و زینت قیامت در آخرت قرار داده و ورود به بهشت را بر انبیاء حرام نموده تا این که من داخل شوم».

«... وَ اَوَّلُ مَنْ یَدْخُلُ الْجَنَّهَ»؛(2)

«او اولین کسی است که وارد بهشت می شود».

باخع

به معنای کسی که از شدت غم و غصه نزدیک است که خود را از بین ببرد. پیامبر اکرم نیز به سبب رحمت و رأفت زیادی که به مردم داشت، می خواست همه آنان یک شبه مسلمان و خداپرست شوند؛ امّا از این که می دید برخی با وجود شناخت حقّ و پی بردن به آن، باز هم از پذیرش آن امتناع می کردند بسیار ناراحت و غمگین می شد؛ لذا در قرآن کریم فرموده است:

«فَلَعَلَّکَ باخِعٌ نَّفْسَکَ عَلَی آثارِهِمْ إِن لَّمْ یُؤْمِنُوا بِهذَا الْحَدِیثِ أَسَفاً». (3)

«گویی می خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند!»

به همین سبب این آیه شریفه نازل شد و فرمود:

«طه ما أَنزَلْنا عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَی؛ (4)

«طه؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی!»

ص:52

1- 132. خصال، ج 2، ص 412.
2- 133. بحارالانوار، ج 16، ص 332.
3- 134. سوره کهف، آیه 6.
4- 135. سوره طه، آیه 1 و 2.

بارقلیط

به معنای روح القدس در کتاب انجیل است که از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برشمرده شده و نیز گفته شده به معنای کسی است که بین حقّ و باطل را جدا می کند.(1)

بَحْر السّخاء

سخاوت یعنی بخشندگی و دست و دل بازی و بلند نظری و بحرالسخاء به معنای دریای سخاوت و جود و کرم است که از اوصاف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد و مرحوم علامه مجلسی در مقدمه کتاب خود آورده است.(2)

برهان

برهان به معنای دلیل قاطع است.

از عبد اللَّه بن سلیمان نقل شده که می گوید: به امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه: «یاأَیُّها النّاسُ قَدْ جَآءَکُم بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَأَنزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبِیناً»؛(3) «ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم». سؤال کردم، فرمود:

«اَلْبُرْهانُ مُحَمَّدٌ وَ النُّورُ عَلِیٌّ»؛(4)

«منظور از برهان پیامبر خاتم محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله است و مراد از نور، امیرالمؤمنین علی علیه السلام است».

1- 136. بحارالانوار، ج 16، ص 130.
2- 137. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
3- 138. سوره نساء، آیه 174.
4- 139. شواهد التنزیل، ج 1، ص 79.

به همین جهت در مناقب ابن شهر آشوب، برهان را یکی از اسامی رسول خداصلی الله علیه وآله برشمرده است.(1)

بشر

خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبرش می فرماید:

«قُلْ إِنَّما أَنا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّما إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَمَن كانَ يَرْجُوا لِقَآءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صالِحاً وَ لا يُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّهِ أَحَداً»؛(2)

«بگو: من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد،باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند!».

و امام باقرعلیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل فرمودند که آن حضرت می فرمودند: «اِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ اَتَزَوَّجُ مِنْكُم وَ ...»؛(3)

«من هم مثل شما بشر هستم و مانند شما ازدواج می کنم...».

به همین جهت در مناقب، یکی از اسامی رسول خداصلی الله علیه وآله، به عنوان «بشر» ذکر شده است.(4)

بُشری عیسی

بشری به معنای بشارت و مژده است و بشری عیسی یعنی

1- 140. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
2- 141. سوره کهف، آیه 110.
3- 142. کافی، ج 5، ص 568.
4- 143. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، 16، ص 103.

مورد بشارت و مژده حضرت عیسی علیه السلام از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده است.

چنانچه بحیرای راهب نیز قبل از بعثت آن حضرت ایشان را چنین خطاب داد و ظاهراً از آیه شریفه: «یَأْتِی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمّا جَآءَهُم بِالْبَیِّناتِ قالُوا هذا سِحْرٌ مُبِینٌ»؛(1)

«که بعد از من می آید و نام او احمد است! هنگامی که او [= احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: این سحری است آشکار» اقتباس شده است. چنان که خود آن حضرت فرمودند:

«إِنِّی دَعْوَهُ اِبْراهِیم وَ بُشْری اَخِی عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ»؛(2)

«من مورد دعای ابراهیم هستم که برادرم عیسی بن مریم نیزبشارتم داده است».

بشیر

بشیر به معنای کسی که مژده و بشارت و خبر خوشی بیاورد و از القاب پیامبر است چنان که آیه شریفه می فرماید:

«... إِنَّنِی لَکُم مِنْهُ نَذِیرٌ وَبَشِیرٌ»؛(3)

«من از سوی او برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده ام!»

شخصی یهودی از پیامبر خداصلی الله علیه وآله پرسید: چرا شما را بشیر نامیده اند؟ فرمود: «... وَ اَمَّا الْبَشِیرُ فَإِنِّی اُبَشِّرُ بِالْجَنَّهِ مَنْ اَطاعَنِی»؛(4)

1- 144. سوره صف، آیه 6.
2- 145. بحارالانوار، ج 15، ص 396.
3- 146. سوره هود، آیه 2.
4- 147. امالی صدوق، ص 189 / بحارالانوار، ج 16، ص 94.

«به این جهت بشیر نامیده شدم چون هر که مرا اطاعت کند به بهشت مژده می دهم».

بشیر الرَّحمه

به معنای مژده دهنده به رحمت خدا، از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است؛ چنان که مناقب در توصیف آن حضرت می گوید:

«صَلَّی اللَّهُ عَلی خَیْرِ مَبْعُوثٍ وَ اَفْضَلِ وارِثٍ وَ مَوْرُوثٍ وَ خَیْرِ مَوْلُودٍ، دَعا اِلی خَیْرِ مَعْبُودٍ، بَشِیرِ الرَّحْمَهِ وَ الثَّوابِ»؛(1)

«درود خدا بر بهترین کسی که مبعوث شده و برترین وارث و موروث و بهترین مولودی که به بهترین معبود دعوت کرد، همان که به رحمت و ثواب الهی بشارت داده است».

بلقیطا

گفته شده است یکی از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در زبور داوود به عنوان بلقیطا آمده است.(2)

بهیائیل

بهیائیل را از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله گفته اند چنان که مناقب آن را از صحف ادریس نقل کرده است.(3)

1- 148. مناقب، ص 158.
2- 149. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 150. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 104.

بَیِّن العلامَه

علامت و نشانه پیامبری آن حضرت واضح و آشکار است و همه به وسیله او هدایت و راهنمایی می شوند. چنان که در زیارت مربوط به آن حضرت آمده: «... وَ تَکُونُ بَیِّنَ الْعَلامَهِ وَ بَیِّنَ الْوَسامَهِ»؛(1)

«... تو نشانه و علامت واضح و بزرگواری و زیبایی آشکاری داری».

بَیِّن الوسامه

وسامه از وسم به معنای نشان داشتن، نشان نیکو و زیبا داشتن، و او نشانه زیبایی اش واضح و آشکار است.

چنان که در زیارت نامه آمده و به آن حضرت عرض می شود:

«... وَ تَکُونُ بَیِّنَ الْعَلامَهِ وَ بَیِّنَ الْوَسامَهِ»؛(2)

حرف پ

پیامبر اعظم

یعنی محمّد بن عبد اللَّه صلی الله علیه وآله بزرگ ترین پیامبر خداوند و آخرین آنان است. این عنوان بیشتر در فارسی زبانان استفاده می شود.

پیامبر اکرم

یعنی پیامبری که کرم و کرامت و بزرگواری اش از همه بیشتر است. این عنوان را نیز فارسی زبان ها برای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله به کار می برند.

1- 151. بحارالانوار، ج 97، ص 176.
2- 152. بحارالانوار، ج 97، ص 176.

حرف ت

تاج الاولیاء

یعنی کسی که مقامی بالاتر از دیگران دارد و تاج سر آنان به حساب می آید، لقبی است برای پیامبر اکرم که در بحار الانوار ذکر شده است.

تالی

به معنای تلاوت کننده آیات الهی بر خلق است و از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چنان که از آیه شریفه:

«هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَالْحِکْمَةَ وَإِن کانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلالٍ مُبِینٍ»؛(1)

«او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن ها می خواند و آن ها را تزکیه می کند و به آنان کتاب و حکمت می آموزد هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند !».

مناقب نیز آن را از اسامی و القاب رسول خداصلی الله علیه وآله برشمرده است.(2)

تقیّ

به معنای باتقوی و پرهیزگار است که از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است و در این عبارت آمده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ... اَلنَّبِیِّ الأُمِّی الرّاشِدِ الْمَهْدِیِّ

1- 153. سوره جمعه، آیه 2.
2- 154. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.

الْمُوَفَّقِ التَّقِیِّ»؛(1) «خدایا درود فرست بر محمّد بنده ات... او که پیامبر امّی و راهنمای هدایت یافته است و او که موفق و باتقواست».

تهامیّ

منطقه و سرزمین مکّه یا شهرهای شرقی تا جنوب حجاز را تهامه می گویند که مکّه نیز یکی از قریه های آن بوده لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله منسوب به آنجاست و از القاب آن حضرت می شود و در دعا آمده:

«... النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الْقُرَشِیَّ الْهاشِمِیَّ الْعَرَبِیَّ التِّهامِیَّ الْمَکِّیَّ الْمَدَنِیَّ».(2)

لذا مناقب نیز آن را از اسامی و القاب حضرت بر شمرده است.(3)

تین

تین در لغت به نام انجیر است و نیز نام سوره ای از قرآن کریم که از القاب پیامبرصلی الله علیه وآله است.

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است:

«والتین والزیتون وطور سینین وهذا البلد الامین؛ اَلتِّینُ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله وَ الزَّیْتُونُ اَمِیرُالمُؤمِنِین علیه السلام وَ طُورُ سِینِینَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْن علیهما السلام وَ هذَا الْبَلَدُ الأمِینُ الاَئِمَّهعلیهم السلام»؛(4)

«تین پیامبر خداست و زیتون امیرالمؤمنین، طور سینین حسن و حسین

ص:59

1- 155. مصباح المتهجد، ص 434 / بلدالامین، ص 99.
2- 156. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی / بحارالانوار، ج 95، ص 87.
3- 157. مناقب، ج 1، ص 154.
4- 158. تفسیر قمی، ج 2، ص 439.

هستند و هذا البلد الامین منظور امامان معصوم می باشند».

حرف ج

جلیل القبله

در یکی از زیاراتی که برای جناب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله ذکر شده آمده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ... اَلرَّفِیع دَرَجَتُهُ وَ الشَّرِیفُ مِلَّتُهُ وَ الْجَلِیلُ قِبْلَتُهُ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد که بنده و رسول توست... همان که درجه اش رفیع و ملتش با شرافت و قبله اش با جلالت و گرامی است».

جَنب اللَّه

یکی از حواریون عیسی بن مریم نقل می کند که آن حضرت، برای ما اسامی پیامبر آخرالزمان را چنین بیان کرد:

«محمّد - عبد اللَّه - یس - فتاح،... صفی اللَّه - جنب اللَّه».(2)

اگرچه به سایر امامان خصوصاً امیرالمؤمنین علیه السلام نیز جنب اللَّه گفته می شود.(3)

حرف ح

حادّ

حادّ به معنای نافرمانی و دشمنی کردن است، اسمی برای رسول خدا که در تورات آمده؛ چنان که از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمودند:

1- 159. بحارالانوار، ج 97، ص 178.
2- 160. بحارالانوار، ج 16، ص 85.
3- 161. بحارالانوار، ج 24، ص 192.

«إنَّ اسْمَ رَسُولِ اللَّه صلی الله علیه وآله فِی صُحُفِ اِبْراهِیمَ اَلْماحِی وَ فِی تَوْراهِ مُوسی اَلْحادُّ»؛(1)

«اسم رسول خدا در کتاب حضرت ابراهیم علیه السلام ماحی است و در کتاب تورات موسی حادّ است».

گفته شد: معنای ماحی و حادّ چیست؟ فرمود: ماحی یعنی محوکننده صورت بت هاست. و حادّ یعنی:

«یُحادُّ مَنْ حادَّ اللَّهِ وَ دِینِهِ»؛(2) «یعنی مخالف است با کسانی که با خدا و دین خدا نافرمانی و دشمنی کنند».

حاذق

به معنای کسی که دارای هوش و ذکاوت و مهارت است. می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قبل از بعثت بیست خصلت از خصایل انبیا را داشت که هر کدام از آنها به تنهایی دلالت بر عظمت آن بزرگوار دارد؛ چه رسد به کسی که همه آنها را جمع کرده باشد، یکی از آن خصلت ها حاذق است.(3)

حاشر

حاشر به معنای گردآورنده و جمع کننده است و از القابی است که خود پیامبرصلی الله علیه وآله فرموده اسم من در قیامت حاشر است.

جابر بن عبد اللَّه گوید: «قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله:... وَ سَمّانِی فِی الْقِیامَهِ حاشِراً ی

1- 162. بحارالانوار، ج 11، ص 39.
2- 163. بحارالانوار، ج 16، ص 98.
3- 164. بحار الانوار، ج 16، ص 175.

ُحْشَرُ النّاسُ عَلی قَدَمی»؛(1) «پیامبر فرمود: خداوند در روز قیامت مرا حاشر نام گذاشته است چون مردم در برابر من جمع و گرد هم می آیند».

حافظ سرّ خدا

به معنای رازدار و حافظ اسرار الهی، از القاب پیامبرصلی الله علیه وآله است چنان که در دعای افتتاح و نیز دعای اولین روز ماه رمضان خوانده می شود:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَأَمِینِکَ،... وَحافِظِ سِرِّکَ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد بنده و رسول و امین تو... همان که حافظ اسرار توست».

حاکم

به معنای حَکَم بین افراد و حکم کننده بین آنان، از مقامات و القاب شریف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است. چنان که خداوند او را به این مقام منصوب نموده و مردم را به ایشان ارجاع فرموده:

«فَلَا وَرَبِّکَ لَا یُؤْمِنُونَ حَتَّی یُحَکِّمُوکَ»؛(3)

«به پروردگارت سوگند که آن ها مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند».(4)

ص:62

1- 165. معانی الاخبار، ص 50 / بحارالانوار، ج 16، ص 93.
2- 166. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح / تهذیب، ج 2، ص 110.
3- 167. سوره نساء، آیه 65.
4- 168. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.

حامد

بحارالانوار از واقدی نقل کرده: آن گاه که پیامبر نزد حلیمه سعدیه دوران کودکی را می گذراند به همراه فرزندان حلیمه به صحرا رفته بودند. «محمّد» کوه بلندی دید، خواست بالا رود، ولی چون خیلی مرتفع و عمودی بود نتوانست. استحیائیل آمد و صیحه ای زد و گفت: وای بر تو ای کوه، مطیع محمّد باش که او خیر المرسلین است. کوه شاد گشت و کوچک شد تا پیامبر بالای آن رفت. در دل کوه انواع مار و مور و عقرب و حیوانات رنگارنگ بودند وقتی پیامبر خواست پایین بیاید، باز استحیائیل آمد و بانگی زد که همه حیوانات به لانه های خود رفتند تا پیامبر آن منظره را ببیند. وقتی پایین آمد چشمه آبی دید که خنک و شیرین بود، پیامبر نزد چشمه نشسته بود که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و دردائیل آمدند. پس جبرئیل گفت:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدُ... اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حامِدُ».(1)

صاحب مناقب و دیگران نیز آن را از اسامی پیامبرصلی الله علیه وآله برشمرده اند.(2)

حامل وحی اللَّه

از القاب و مقامات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله حامل وحی الهی بودن است.

چنان که در صلوات بر آن حضرت عرض می کنیم:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما حَمَلَ وَحْیَکَ وَبَلَّغَ رِسالاتِکَ»؛(3)

1- 169. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
2- 170. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 171. مفاتیح الجنان، صلوات بر پیامبرصلی الله علیه وآله / بحارالانوار، ج 91، ص 73.

«خدایا درود فرست بر محمّد همان که وحی تو را تحمل نموده رسالت های تو را ابلاغ فرمود».

حبیب اللَّه

یعنی دوست و محبوب خدا از القاب پیامبر و نشانه نزدیک ترین فرد به خداست. چنان که در موارد متعدد از ادعیه و زیارات خطاب به آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبِیبَ اللَّهِ».(1)

همچنین در زیارت روز شنبه که به نام آن حضرت است می گوییم:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ... وَأَمِینِکَ وَنَجِیبِکَ وَحَبِیبِکَ».(2)

حجه اللَّه

حجت یعنی دلیل و برهان و نشانه و پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله حجه اللَّه بر تمام خلایق است؛ یعنی برای همه مردم از انبیاء و غیر آنان حجت است، از ابتدای خلقت تا نهایت قیامت؛ چنان که در زیارت آن حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ»؛(3)

«سلام و درود بر تو ای حجت خداوند بر همه انسان ها از اوّل تا آخر».

1- 172. کافی، ج 4، ص 552.
2- 173. مفاتیح الجنان، زیارت روز شنبه.
3- 174. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183 / اقبال، ص 604.

حُجه اللَّه البالِغه

به معنای دلیل و حجت تام و تمام خداوند، حجت و برهانی که به نهایت درک خدا رسیده است و این از اوصاف پیامبر خاتم است؛ چنان که هنگام زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله عرض می شود:

«اَلسَّلامُ مِنَ اللَّهِ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیّ... وَ حُجَّهِ اللَّهِ الْبالِغَهِ»؛(1) «از جانب خداوند بر محمّد پیامبر سلام باد، او که حجت بالغه خداوند است».

حجه رب العالمین

به معنای دلیل و نشانه پروردگار جهانیان و از القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است چنان که در دعا برای آن حضرت عرض می کنیم:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ و خاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد که آقای رسولان و خاتم پیامبران است هم او که حجت پروردگار عالمیان است».

حریص

مطابق یکی از آیات شریف قرآن پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله حریص است، یعنی برای مردم و مؤمنان حرص می خورد امّا حرص بر چی؟ برای ایمان آوردن، برای به راه راست هدایت شدن، برای نجات یافتن، یعنی از این که

1- 175. بحارالانوار، ج 97، ص 298.
2- 176. بحارالانوار،ج 91،ص 81/جمال الاسبوع،ص 500/دلائل الامامه،ص 302/غیبت طوسی،ص 545.

مردم کافر و مشرک را می دید که ایمان نمی آورند ناراحت بود برایشان دل می سوزاند.

آیه شریفه 128 سوره توبه می فرماید:

«لَقَدْ جَآءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُم بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ»؛(1) «به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است!».

لذا در مناقب ابن شهرآشوب، یکی از اسامی آن حضرت، حریص ذکر شده است.(2)

البته در حدیثی از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمودند: منظور از انفسکم و عنتم وعلیکم ما اهل بیت هستیم و در مؤمنین هم ما هستیم و هم شیعیان ما.(3)

حقّ

حقّ به معنی راستی، درستی و عدالت و آنچه که شایسته و سزاوار است می باشد که در کتاب شریف مناقب با اقتباس از آیه شریفه، حقّ را یکی از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شمرده است.(4)

«قُلْ یا أَیُّهَا النّاسُ قَدْ جَآءَکُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنِ اهْتَدَی فَإِنَّمَا یَهْتَدِی لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا یَضِلُّ عَلَیْهَا وَما أَنَا عَلَیْکُم بِوَکِیلٍ»؛(5)

1- 177. سوره توبه، آیه 128.
2- 178. مناقب، ج 1، ص 150.
3- 179. تفسیر عیاشی، ج 2، ص 118.
4- 180. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
5- 181. سوره یونس، آیه 108.

«بگو: ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، برای خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می گردد؛ و من مأمور (به اجبار) شما نیستم!».

حکیم

حکیم به معنای کسی است که تمام افعال و اقوال و سکنات و حرکات او از روی علم و آگاهی و مصلحت و به دور از هرگونه نقص و خلل و اشتباهی است. از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله حکیم است؛ نه تنها حکیم، بلکه معلم حکمت است و این مقامی است که خداوند متعال به آن حضرت عنایت فرموده چنان که در آیه شریفه می فرماید:

«... وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَالْحِکْمَهَ...»؛(1)

«و آن ها را کتاب و حکمت بیاموزد».

حلیم

حلیم به معنای شکیبا، صابر و بردبار است و به گفته مناقب از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در نزد اهل روم، حلیم می باشد.(2)

حم

در مورد آیه شریفه «حم * وَالْکِتابِ الْمُبِینِ»(3) امام کاظم علیه السلام فرمودند:

«اَمّا حم فَهُوَ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ فِی کِتابِ هُودَ الَّذِی اُنْزِلَ عَلَیْهِ وَ هُوَ مَنْقُوصُ

1- 182. سوره بقره، آیه 129.
2- 183. مناقب، ص 152.
3- 184. سوره زخرف، آیه 1 و 2.

الْحُرُوفِ وَ اَمَّا الْكِتابُ الْمُبِينُ فَهُوَ اَمِيرُالْمُؤمِنِينَ عَلِیٌ علیه السلام»؛(1)

«حم همانا محمّد است و این نام وی در کتاب هود است که بر او نازل شده است. این نام اختصاری و رمزی وی است و امّا «کتاب مبین» همانا امیرالمؤمنین علی علیه السلام است».

حمطایا

چنین نقل شده است که نام شریف پیامبر خاتم در کتب گذشتگان، «حمطایا» می باشد.(2)

حَنیف

حنیف از کلمه حنف است و در لغت به معنای میل و تمایل می باشد. و نزد عرب به معنای کسی است که بر دین حضرت ابراهیم بوده و مایل به اسلام باشد و خلاصه پیرو دین حقّ و خالص و باایمان به خدا باشد.(3)

و خود پیامبر نیز فرموده اند:

«بُعِثْتُ بِالْحَنِیفِیَّهِ السَّمْحَهِ السَّهْلَهِ».(4)

از اسامی و القاب رسول خداصلی الله علیه وآله الحنیف است.(5)

حرف خ

خاتم

خاتم از اسامی معروفه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است.

در زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام و موارد دیگر این گونه به آن حضرت سلام می دهیم:

ص:68

1- 185. بحارالانوار، ج 16، ص 88.
2- 186. بحار الانوار، ج 116، ص 103.
3- 187. بحارالانوار، ج 3، ص 276.
4- 188. بحارالانوار، ج 65، ص 318.
5- 189. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

«اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، أَمِینِ اللَّهِ عَلی وَحْیِهِ وَعَزآئِمِ أَمْرِهِ، الْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ»؛(1)

«سلام بر رسول خدا، او که امین بر وحی خدا و عزائم امر الهی بود، همان که ختم گذشتگان و فتح آیندگان است».

در نهج البلاغه نیز این عبارت در ضمن دعا و تمجید از پیامبر خداصلی الله علیه وآله آمده است.(2)

خاتِم الأنبیاء

او آخرین سفیر و فرستاده رسول الهی بر مردم است. این مقام را هم قرآن کریم و هم خود آن حضرت بارها فرموده اند که پس از ایشان پیامبری نخواهد آمد.

خداوند متعال نیز به حضرت آدم فرمود:

«أَنْتَ یا آدَمُ اَوَّلُ الأَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ ابْنُکَ مُحَمَّدٌ خاتَمُ الأَنْبِیاءِ وَ الرُّسُلِ»؛ (3)

«ای آدم تو اولین پیامبر و رسول هستی و فرزندت محمّد آخرین پیامبر و رسول می باشد».

خود آن حضرت نیز فرمودند:

«أَنَا خاتَمُ الأَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ الْحُجَّةُ عَلی جَمِیعِ الْمَخْلُوقِینَ مِنْ اَهْلِ

1- 190. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام / کافی، ج 4، ص 572.
2- 191. نهج البلاغه، ص 101.
3- 192. بحارالانوار، ج 11، ص 151 / سعد السعود، ص 35.

السَّماواتِ وَ الأَرَضِینَ»؛(1)

«من آخرین پیامبر و رسول خدایم، که بر تمام مخلوقات آسمان و زمین حجت خدایم».

خاتِم النبیین

خاتم النبیین نیز بنا به تصریح آیه شریفه قرآن یکی از صفات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است.

آنجا که می فرماید: «ما کانَ مُحَمَّدٌ أَبا أَحَدٍ مِن رِجالِكُمْ وَلكِن رَسُولَ اللَّهِ وَخاتَمَ النَّبِیِّینَ وَکانَ اللَّهُ بِکُلِ ّ شَیْ ءٍ عَلِیماً»؛(2)

«محمّدصلی الله علیه وآله پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است!»

و خود آن حضرت نیز فرموده اند:

«أَنَا سَیِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ لا فَخْرَ وَ أَنَا خاتَمُ النَّبِیِّینَ و اِمامِ الْمُتَّقِینَ وَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(3)

«من آقای فرزندان آدم هستم و این فخری نیست، من خاتم پیامبران و امام پرهیزگاران و فرستاده پروردگار جهانیان هستم».

لذا در زیارت نامه آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خاتِمَ النَّبِیِّینَ اَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسالَهَ وَ اَقَمْتَ

1- 193. احتجاج، ج 1، ص 60.
2- 194. سوره احزاب، آیه 40.
3- 195. بحارالانوار، ج 9، ص 294 / اختصاص، ص 33 / امالی شیخ صدوق، ص 187.

الصَّلوهَ وَ آتَیْتَ الزَّکاهَ ...»؛(1)

«سلام بر تو ای آخرین پیامبر الهی، گواهی می دهم که تو ابلاغ رسالت نمودی، و نماز و زکات را به پا داشتی».

خازِن العلم

به معنای حافظ و گنجینه علم الهی است و از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه های خود در مدح رسول اللّه صلی الله علیه وآله فرموده:

«... وَ خازِنِ عِلْمِکَ الْمَخْزُونِ».(2)

خازِن المغفره

به معنای خزانه دار مغفرت و آمرزش خداوند و یکی دیگر از القاب و اوصاف پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است چنان که برای آن حضرت چنین دعا می کنیم:

«اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ جَوامِعَ صَلَواتِکَ وَ نَوامِی بَرَکاتِکَ وَ فَواضِلِ خَیْراتِکَ ... عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ شاهِدِکَ... نَبِیِّ الرَّحْمَهِ وَ خازِنِ الْمَغْفِرَهِ»؛(3)

«خدایا تمام درودها و برکات زیاد و خیرات فراوان خودت را بر محمّد قرار بده، او که بنده رسول و گواه توست. و هم او که پیامبر رحمت و خزانه دار مغفرت توست».

1- 196. بحارالانوار، ج 97، ص 160.
2- 197. نهج البلاغه، ص 101 / بحارالانوار، ج 16، ص 378.
3- 198. بحارالانوار، ج 97، ص 185 / الاقبال، ص 604.

خالِصَه اللَّه

خالص به معنای صاف و بی شائبه و ناب و خالصه اللَّه یعنی دوست صمیمی و یکرنگ و ویژه خداوند می باشد. از اوصاف و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است.

و در زیارت آن حضرت عرض می کنیم: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خاتَمَ النَّبِیِّینَ... اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خالِصَهَ اللَّهِ وَ خَلِیلَهُ»؛(1) «سلام بر تو ای آخرین پیامبر خدا... سلام بر تو ای دوست ویژه و صمیمی خدا».

خلق اول

امام باقرعلیه السلام به جابر بن یزید فرمود:

«یا جابِرُ إِنَّ اللَّهَ أَوَّلَ ما خَلَقَ خَلَقَ مُحَمَّداًصلی الله علیه وآله وَعِتْرَتَهُ الْهُدَاهَ الْمُهْتَدِینَ فَکانُوا أَشْباحَ نُورٍ بَیْنَ یَدَیِ اللَّهِ ... .»(2)

«ای جابر! خداوند متعال اولین چیزی که خلق کرد، خلقت محمّد و عترت هدایت شده ایشان بود، پس آنان شبحی از نور بودند در مقابل خداوند ... ».

خلیفه اللَّه فی الأرض

به معنای جانشین و قائم مقام خداوند در زمین است؛ چنان که صاحب مناقب آن را از اوصاف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله شمرده است.(3)

1- 199. بحارالانوار، ج 99، ص 146.
2- 200. اصول کافی، ج 2، ص 249.
3- 201. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 104.

خلیل اللّه

خلیل به معنای دوست و رفیق و نزدیک است که در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلِیلَ اللَّهِ».(1)

و نیز در زیارت حضرت فاطمه زهراعلیها السلام عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَلِیلِ اللَّهِ»؛(2) «سلام بر تو ای دختر خلیل خدا».

خلیل الرحمن

عنوان خلیل الرحمن که به معنای دوست خداوند رحمان است را نیز به عنوان یکی از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته اند.(3)

خَیْر اصحاب الیمین

پیامبر اکرم در مورد سوره واقعه که بحث اصحاب یمین و اصحاب شمال و سابقین مطرح شده فرموده اند: ... فانا من اصحاب الیمین و انا من خیر اصحاب الیمین؛ من از اصحاب یمین و بلکه از بهترین اصحاب یمین هستم.(4)

خَیْر البَریّه

یعنی بهترین مخلوق خدا که پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد، لذا از القاب آن

1- 202. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183.
2- 203. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهراعلیها السلام / من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 572 / بحارالانوار، ج 97، ص 195.
3- 204. بحارالانوار، ج 16، ص 130.
4- 205. بحارالانوار، ج 16، ص 120.

حضرت گفته شده: «قائِدُ الغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ، خَیْرُ الْبَرِیَّهِ، نَبِیُّ الرَّحْمَهِ ...»؛ (1)

«پیشوای دست و رو سفیدان، بهترین خلق خدا و پیامبر رحمت».

و در زیارت یگانه یادگار آن حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ الْبَرِیَّهِ»؛ (2)

«سلام برتو ای دختر بهترین خلق خدا !»

خَیْر البشر

این لقب را خداوند متعال در گفت و گو با حضرت موسی بیان فرمود:

«اَنَّ مُحَمَّداً خَیْرُ الْبَشَرِ وَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ اَنَّ اَخاهُ وَ وَصِیُّهُ عَلِیّاً خَیْرُ الْوَصِیِّینَ». (3) و نیز لقبی است که جبرئیل به وسیله آن حضرت پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را ملقب نموده است آن گاه که در شب معراج، براق را آورد به او گفت: «خَیْرُ الْبَشَرِ، اَحَبُّ خَلْقِ اللّٰهِ اِلَیْهِ...»؛ (4)

«آرام باش که بهترین بشر تو را سوار خواهد شد، او که محبوب ترین خلق نزد خداوند است».

خَیْر السابقین

در سوره واقعه که بحث اصحاب یمین و اصحاب شمال و سابقین

1- 206. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 207. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهراعلیها السلام / تهذیب، ج 6، ص 10.
3- 208. بحارالانوار، ج 13، ص 232 / تفسیر الامام، ص 252.
4- 209. بحارالانوار، ج 18، ص 378 / الخرایج، ج 1، ص 84.

مطرح شده است، پیامبر فرموده اند: ... فانا من السابقین و انا خیر السابقین؛ من از سابقین و بهترین سابقین هستم.(1)

خَیْر الوَری

به معنای بهترین مخلوقات روی زمین است و از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است.

و این است قسمتی از زیارت ابراهیم فرزند آن حضرت:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ خَیْرِ الْوَری ؛(2)

«سلام بر تو ای فرزند بهترین خلق خدا».

خیر خلق اللّه

به معنای بهترین خلق خداوند می باشد و از اوصاف رسول خداست که در زیارت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولُ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَیْرَ خَلْقِ اللَّهِ».(3)

چنان که به دختر ارجمند آن حضرت سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللَّهِ»؛(4)

«سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا».

1- 210. بحارالانوار، ج 16، ص 120.
2- 211. مفاتیح، زیارت ابراهیم / بحارالانوار، ج 97، ص 217.
3- 212. بحارالانوار، ج 99، ص 265.
4- 213. مفاتیح، زیارت حضرت زهراعلیها السلام / مصباح المتهجد، ص 711.

خِیَره اللَّه

پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله بنده برگزیده و خاص خداوند است و این از اوصاف آن حضرت می باشد چنان که این گونه به ایشان سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّد بن عبد اللَّه، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خیره اللَّه».(1)

و نیز نقل شده که بر در بهشت نام آن حضرت نوشته شده خیرهاللَّه.(2) لذا برای آن حضرت دعا می کنیم:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ، وَأَمِینِکَ وَصَفِیِّکَ، وَحَبِیبِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ».(3)

داعی

به معنای دعوت کننده و خواننده مردم به سوی خداوند. از اسامی قرآنی آن حضرت که خداوند انتخاب نموده است چنان که در آیه شریفه می فرماید:

«وَدَاعِياً إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِيراً»؛(4)

«و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی بخش!»(5)

شخصی یهودی از پیامبرصلی الله علیه وآله پرسید: چرا شما را داعی نامیده اند؟ فرمود: «... وامّا الداعی فإنّی ادعو الناس الی دین ربّی عَزَّ وَ جَلَّ»؛(6)

«به این جهت داعی نامیده شدم که مردم را به دین پروردگارم دعوت می کنم».

ص:76

1- 214. وسائل الشیعه، ج 6، ص 474.
2- 215. مناقب، ج 1، ص 152 / مصباح کفعمی، ص 731.
3- 216. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.
4- 217. سوره احزاب، آیه 46.
5- 218. مناقب، ج 1، ص 150.
6- 219. بحارالانوار، ج 16، ص 94 / معانی الاخبار، ص 52.

دافع

در نهج البلاغه و در دعای برای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده است:

«اَللّهُمَّ اجْعَلْ شَرائِفَ صَلَواتِکَ وَ نَوامِی بَرَکاتِکَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ الْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَ الْفاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ وَ الْمُعْلِنِ الْحَقَّ وَ الدّافِعِ جیشاتِ الاَباطِیلِ ...»؛(1)

«خدایا شریف ترین درودها و برکات خود را بر محمّد که بنده و رسول توست قرار بده هم او که خاتم گذشتگان و فاتح آیندگان است او که حقّ دین را اعلان و سر و صدای باطل را دفع و نابود می کند».

به همین جهت یکی از اسامی آن حضرت دافع گفته شده است.(2)

داور

یعنی پیامبر حاکم و قاضی و داور بین مردم است تا بین آنان حکم خدا را جاری نماید و مردم نیز باید داوری آن جناب را بپذیرند:

«فَلَا وَرَبِّکَ لَا یُؤْمِنُونَ حَتَّی یُحَکِّمُوکَ فِیما شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لَا یَجِدُوا فِی أَنفُسِهِمْ حَرَجاً مِّمّا قَضَیْتَ وَیُسَلِّمُوا تَسْلِیماً»(3)

به پروردگارت سوگند که آن ها مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند.

1- 220. نهج البلاغه، ص 101 / بحارالانوار، ج 16، ص 378.
2- 221. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 222. نساء:65»

دَعْوَه ابراهیم

دعوت به معنای دعا و خواسته است آنجاکه حضرت ابراهیم از خدا خواست:

«رَبَّنا وَابْعَثْ فِیهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ...»؛(1)

«پروردگارا! در میان آن ها پیامبری از خودشان برانگیز».

از خود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز نقل شده که فرمودند:

«إِنِّی دَعْوَهُ اِبْراهِیم وَ بُشْری اَخِی عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ»؛(2)

«من مورد دعای ابراهیم و بشارت برادرم عیسی هستم».

دلیل

به معنای راهنما و دلالت کننده است و از اوصاف پیامبرصلی الله علیه وآله می باشد. چنان که در قسمتی از زیارت ایشان آمده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ... اَلدّاعِی إِلَیْکَ وَ الدَّلِیلِ عَلَیْکَ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد که بنده و رسول توست هم او که مردم را به سوی تو دعوت کرد، و دلیل راهنمای آنان به سوی توست».

دیّان

دیان از نام های خداوند است و به معنای حاکم و فرمانروا و پاداش

1- 223. سوره بقره، آیه 129.
2- 224. بحارالانوار، ج 15، ص 396.
3- 225. بحارالانوار، ج 97، ص 178.

دهنده می باشد. از القابی است که خداوند در حدیث عیسی بن مریم علیه السلام به وسیله آن پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را برای عیسی توصیف نموده است، تا رسید به این اینجا که فرمود:

«... اَقْرَبُ الْمُرْسَلِینَ مِنِّی، الْعَرَبِیِّ الأَمِینِ، الدَّیّانُ بِدِینِی، الصّابِرُ فِی ذاتِی»؛ (1)

«نزدیک ترین پیامبر به من، او که عربی امین است، و متدین به دین من می باشد، و در راه من صابر است».

حرف ذ

ذاکر

ذاکر به معنای یادآور و ذکر گوینده و کسی که بسیار به یاد خدا می باشد. ابن شهرآشوب در کتاب مناقب خود با توجّه به آیه شریفه:

«وَاذْکُرِ اسْمَ رَبِّکَ وَتَبَتَّلْ إِلَیْهِ تَبْتِیلاً»؛(2)

«و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند !»

ذاکر را از اسامی و القاب پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می داند.(3)

ذکر

ذکر نیز از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است که در قرآن آمده است:

«قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَیْکُمْ ذِکْراً * رَسُولاً»؛(4)

1- 226. کافی، ج 8، ص 138.
2- 227. سوره مزمل، آیه 8.
3- 228. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
4- 229. سوره طلاق، آیه 10.

«خداوند چیزی که مایه تذکّر است بر شما نازل کرده؛ رسولی».

از امام رضاعلیه السلام روایت شده که فرموده اند:

«فَالذِّکْرُ رَسُولُ اللَّهِ وَ نَحْنُ اَهْلُهُ»؛(1)

«منظور از ذکر رسول خداست و ما هم اهل او هستیم».

ذو النِّعمَه العُظْمی

به معنای صاحب نعمت بزرگ است که صاحب مناقب در توصیفات خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آورده است:

«اَلْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی... بَعَثَ مُحَمَّداًصلی الله علیه وآله ذِی النِّعْمَهِ الْعُظْمی ؛(2)

«سپاس و ستایش خدایی که... محمدش را مبعوث فرمود، او که دارای نعمت بزرگ است».

ذو المحبَّه الکبری

این عنوان را نیز صاحب مناقب برای توصیف پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله آورده است.

«اَلْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی... بَعَثَ مُحَمَّداًصلی الله علیه وآله ذِی النِّعْمَهِ الْعُظْمی وَ الْمَحَبّهِ الْکُبْری ؛(3)

«حمد و سپاس خدایی را که محمّد را مبعوث فرمود او که دارای نعمت عظیم و محبت بزرگ است».

1- 230. بحارالانوار، ج 16، ص 87 / امالی صدوق، ص 531.
2- 231. مناقب، ج 1، ص 176.
3- 232. مناقب، ج 1، ص 176.

حرف ر

راشد

به معنای راهنمایی کننده و ارشادکننده به راه راست و خیر و نیکی می باشد.

در قسمتی از زیارت نامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده است:

«اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَیْهِ... رَسُولِکَ الشّاهِدِ وَ دَلِیلِکَ الرّاشِدِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر او...که رسول شاهد تو و دلیل راهنمایی کننده توست».

و چنین است عبارت دیگر:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ... النَّبِیِّ الأُمِّیِ الرّاشِدِ الْمَهْدِیِّ الْمُوَفَّقِ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد بنده ات، او که پیامبر امّی و راهنمایی هدایت یافته و توفیق یافته است».

راضی

به معنای خرسند و خشنود می باشد و از القاب پیامبر گفت شده است؛ چنان که آیه شریفه می فرماید:

«وَلَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضَی .(3)

«و به زودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی !»

ص:81

1- 233. بحارالانوار، ج 97، ص 347.
2- 234. بلدالامین، ص 99 / مصباح المتهجد، ص 434.
3- 235. سوره ضحی، آیه 5.

و خداوند هر چه پیامبرش خواسته به او عطا فرموده و او نیز از خدایش راضی می باشد.

«لَعَلَّکَ تَرْضی .(1)

راغب

به معنای رغبت و میل و اشتیاق به کاری است. پیامبر تمام زندگی اش دائماً به یاد خدا و برای خدا بود، با این حال خداوند متعال به ایشان می فرماید:

«فَاذا فَرغتَ فَانصَبْ وَاِلی رَبّکَ فَارْغَبْ».(2)

«پس هنگامی که از کار مهمّی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز، و به سوی پروردگارت توجّه کن!

راکِب البُراق

به معنای سوارشونده بر براق است. از معجزات و فضایل پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که خداوند متعال آن جناب را مفتخر فرموده، جریان معراج و سفر آسمانی آن حضرت است که در سوره اسراء به آن اشاره شده است: «سُبْحانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصا الَّذِی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ»؛(3)

«پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به

1- 236. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
2- 237. سوره انشراح، آیه 7 و 8.
3- 238. سوره اسراء، آیه 1.

مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست».

گفته شده مرکب آن حضرت در این سفر که به آسمان ها سفر کردند «براق» نام داشته لذا به آن جناب «راکب البراق» گفته شده است.

راکِبُ النّاقه

ناقه به معنای شتر است؛ یعنی پیامبر سوار بر شتر می شد و مثل شاهان بر اسب نمی نشست.(1)

رَبیع البلاد

به معنای بهار شهرها و سرزمین هاست و از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شد چنان که مرحوم علامه مجلسی نیز آن حضرت را با عنوان ربیع البلاد توصیف نموده است.(2)

رجل

رجل از اسامی قرآنی پیامبراکرم صلی الله علیه وآله است چنان که درآیه شریفه آمده است:

«أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَآءَکُمْ ذِکْرٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَلَی رَجُلٍ مِنکُمْ لِیُنذِرَکُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ»؛(3)

1- 239. بحار الانوار، ج 16، ص 130.
2- 240. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
3- 241. سوره اعراف، آیه 63.

«آیا تعجّب کرده اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد، تا (از عواقب اعمال خلاف) بیمتان دهد، و (در پرتو این دستور،) پرهیزگاری پیشه کنید و شاید مشمول رحمت (الهی) گردید؟ !»

رَحمهُ العباد

با توجّه به آیه شریفه «وَما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَهً لِلْعالَمِینَ»؛(1)

«ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم».

مرحوم علامه مجلسی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را با عنوان «رحمه العباد» توصیف نموده است، یعنی کسی که باعث و منشأ رحمت برای بندگان است.(2)

رحمهً للعالمین

یعنی کسی که موجب رحمت و برکت و رأفت برای تمام جهانیان است. این عنوان از اوصاف و القابی است که خداوند متعال برای پیامبرش برگزیده و لذا از اوصاف قرآنی آن حضرت است، آنجا که می فرماید:

«وَما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَهً لِلْعالَمِینَ»؛(3)

«ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم».

رحیم

به معنای بسیار بخشنده و بسیار مهربان است و از اسامی قرآنی

1- 242. سوره انبیاء، آیه 107.
2- 243. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
3- 244. سوره انبیاء، آیه 107.

پیامبر می باشد؛ چنان که طبق آیه شریفه 128 سوره توبه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نسبت به مؤمنان بسیار بارأفت و رحمت برخورد می کنند و نسبت به آنان دل می سوزانند: «لَقَدْ جَآءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُم بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ»؛(1)

«به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است!»

به همین جهت صاحب مناقب یکی از اسامی آن حضرت را رحیم برشمرده اند، اگرچه رحیم علی الاطلاق خداوند متعال است.(2)

رسول

رسول یعنی فرستاده و پیام آور خداوند برای بندگانش می باشد، اگرچه تمام پیامبران الهی رسول هستند لکن الان هرگاه به صورت مطلق «رسول» گفته شود منظور پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد. لذا این عنوان نیز از اسامی قرآنی آن حضرت است:

«یاأَیُّها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیْکَ مِن رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ»؛(3)

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به

1- 245. سوره توبه، آیه 128.
2- 246. مناقب، ج 1، ص 150.
3- 247. سوره مائده، آیه 67.

مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد؛ و خداوند، جمعیّت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند».

رسول اعظم

به معنای بزرگ ترین فرستاده خداوند است، او که دینش جهانی و برای همه مردم دنیاست و نیز ابدی تا روز قیامت خواهد بود.

رسول اکرم

به معنای پیامبر گرامی خداوند و البته گرامی ترین آنان است.

رسول التّوبه

در کتاب شعیای نبی اسم شریف پیامبرخاتم به نام رسول التوبه آمده است.(1) چنان که خود آن حضرت نیز فرمودند:

«أَنَا عَقَبُ النَّبِیِّینَ لَیْسَ بَعْدِی رَسُولٌ وَ جَعَلَنِی رَسُولَ الرَّحْمَهِ وَ رَسُولَ التَّوْبَهِ»؛(2)

«من آخرین پیامبر هستم، بعد از من فرستاده ای از جانب خدا نخواهد بود و خداوند مرا رسول رحمت و توبه قرار داده است».

1- 248. مناقب، ج 1، ص 150.
2- 249. بحارالانوار، ج 16، ص 92 / الخصال، ج 2، ص 425.

رسول الحمّادین

حمّاد به معنای کسی که بسیار حمد می کند و صاحب مناقب عنوان رسول الحمّادین را از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شمرده است.(1)

رسول الرّاحه

یعنی پیامبری که سبب راحتی و آسایش برای بندگان خدا است، چون آن حضرت موجب آسایش و آرامش بندگان مظلوم و ناراحتی و جنگ با ظالمان و معاندان است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده که فرموده اند:

«أنا رسول الرحمه ورسول الراحه ورسول الملاحم»؛(2)

«من پیامبر رحمت و آسایش و نیز پیامبر جنگ هستم».

از امام صادق علیه السلام نیز این عبارت برای اسم آن حضرت نقل شده است.(3)

رسول الرَّحمه

از عناوینی است که در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به کار می رود چنان که از خود آن حضرت نیز نقل شده است.

جابر بن عبد اللَّه گوید:

«قال رَسُول اللَّهِ صلی الله علیه وآله:... وَ جَعَلَنِی رَسُولَ الرَّحْمَهِ»؛(4)

1- 250. بحارالانوار، ج 16، ص 103 / مناقب، ج 1، ص 152.
2- 251. بحارالانوار، ج 16، ص 93.
3- 252. بحارالانوار، ج 16، ص 129.
4- 253. بحارالانوار، ج 16، ص 93 / معانی الاخبار، ص 50.

«پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: خداوند مرا رسول رحمت قرار داده است».

چنان که آیه قرآن نیز بر آن تصریح دارد:

«وَما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ»؛(1)

«ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم».

رسول اللَّه

از معروف ترین اسامی و القاب پیامبر خاتم «رسول اللَّه» است اگرچه همه فرستادگان و پیامبران الهی رسول خدا هستند ولی هرجا این عنوان به طور مطلق استعمال شود منظور پیامبر اکرم اسلام صلی الله علیه وآله می باشد.

آیه شریفه نیز بر این لقب رسول اللَّه تصریح دارد:

«ما کانَ مُحَمَّدٌ أَبا أَحَدٍ مِنْ رِجالِکُمْ وَلکِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخاتَمَ النَّبِیِّینَ وَکانَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیماً»؛(2)

«محمّد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است!»

رسول المُسَدّد

مسدّد از سداد به معنای راستی و درستی و استواری است. در کتاب مناقب و بحارالانوار، از رسول مسدّد به عنوان یکی از اوصاف و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نام برده شده است که در خطابه ها نیز به کار می رود.(3)

1- 254. سوره انبیاء، آیه 107.
2- 255. سوره احزاب، آیه 40.
3- 256. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

رسول المَلاحم

ملاحم جمع ملحمه و به معنای جنگ سخت است؛ یعنی هنگامی که بدن ها قطعه قطعه می شود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده که فرموده اند:

«أَنَا رَسُولُ الرَّحْمَهِ وَ رَسُولُ الرّاحَهِ وَ رَسُولُ الْمَلاحِمِ»؛(1)

«من پیامبر رحمت و آسایش و نیز پیامبر جنگ هستم».

و در جای دیگر فرمودند که خداوند مرا رسول الملاحم قرار داده است:

«أَنَا عَقَبُ النَّبِیِّینَ لَیْسَ بَعْدِی رَسُولٌ وَ جَعَلَنِی رَسُولَ الرَّحْمَهِ وَ رَسُولَ التَّوْبَهِ وَ رَسُولَ الْمَلاحِمِ»؛(2)

«من آخرین پیامبر هستم، پس از من رسول نخواهد بود خداوند مرا رسول رحمت و توبه و نیز رسول جنگ قرار داده است».

منظور این است که با ظالمان و معاندان جهاد خواهم کرد تا زمینه راحتی و آسایش برای مظلومان و مستضعفان را فراهم کنم.

رسول ربّ العالمین

از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله رسول رب العالمین است.(3)

پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله فرستاده پروردگار جهانیان است، پس پیامبر است برای همه جهانیان و برای همه زمان ها و مکان ها تا روز قیامت. و همه در آسمان ها

1- 257. بحارالانوار، ج 16، ص 93.
2- 258. بحارالانوار، ج 16، ص 92 / خصال، ج 2، ص 425 / علل الشرایع، ج 1، ص 127 / معانی الاخبار، ص 51.
3- 259. بحارالانوار، ج 16، ص 129.

و زمین شهادت بر رسالت آن جناب می دهند؛از جمله کوه که می گوید:

«فَتَحَرَّکَ الْجَبَلُ وَ تَزَلْزَلَ وَ فاضَ عَنْهُ الْماءُ وَ نادی یا مُحَمَّدُ اَشْهَدُ اَنَّکَ رَسُولُ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ سَیِّدُ الْخَلائِقِ اَجْمَعِینَ»؛(1)

«کوه به حرکت درآمد و تکانی خورد که چشمه آبی از آن جاری گشت و ندا داد: ای محمّد گواهی می دهم که تو فرستاده پروردگار جهانیان و آقای همه مخلوقات هستی».

لذا برایش درود می فرستیم:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ و اِمامِ الْمُتَّقِینَ وَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد که بنده و رسول توست هم او که آقای پیامبران و امام پرهیزگاران و فرستاده پروردگار جهانیان است».

رسول مُختار

مختار به معنای بزرگ و برگزیده و صاحب اختیار است.

در یکی از زیارات جامعه آمده است:

«مالِک الْجَنَّهِ وَ النّارِ مُحَمَّدٌ الرَّسُولُ الْمُخْتارِ»؛(3) «پیامبر خاتم مالک بهشت و جهنم است، محمدی که پیامبر برگزیده می باشد».

و در دعای عدیله گفته می شود:

1- 260. بحارالانوار، ج 9، ص 314 / احتجاج، ج 1، ص 46 / خرائج، ج 2، ص 519.
2- 261. کافی، ج 3، ص 422.
3- 262. بحارالانوار، ج 99، ص 191.

«وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّهَ الْأَبْرارَ وَالْخُلَفآءَ الْأَخْیارَ بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُخْتارِ عَلِیٌّ قامِعُ الْکُفّارِ»؛(1)

«خدایا گواهی می دهم که امامان نیکوکار و جانشینان برگزیده بعد از رسول مختار علی است او که کافران و مشرکان را قلع و قمع می نمود».

رسولٌ مِن اَنْفُسکم

خداوند متعال در قرآن کریم پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را از جنس خود مردم و از بین خود ایشان می داند و می فرماید: من پیامبر خود را از بین شما انتخاب کردم، اگرچه فرستاده من است ولی از جنس شما و از بین شماست. سال ها با شما نشست و برخاست داشته و با شما زندگی کرده، او هم بشری مثل شماست، لذا در آیه شریفه 128 سوره توبه می فرماید:

«لَقَدْ جَآءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُم بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ»؛(2)

«به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است و اصرار برهدایت شما دارد ونسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است !»

رَفِیع الدَّرجه

پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در بالاترین مقامات الهی و رفیع ترین درجات بهشت قرار دارد، به گونه ای که هیچ کسی به مقام او نمی رسد؛ چنان که در شب

1- 263. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.
2- 264. سوره توبه، آیه 128.

معراج بعد از مراحلی که جبرئیل همراه او بود توقف کرد پیامبر فرمود: بیا، جبرئیل گفت: «لو دنوت انمله لاحترقت»؛ (1)

«اگر یک بند انگشتی جلوتر بیایم هر آینه خواهم سوخت».

لذا در زیارت آن حضرت می گوییم:

«فَبَلَغَ اللَّهُ بِکَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُکَرَّمِینَ، وَأَعْلی مَنازِلِ الْمُقَرَّبِینَ، وَأَرْفَعَ دَرَجاتِ الْمُرْسَلِینَ، حَیْثُ لا یَلْحَقُکَ لاحِقٌ، وَلا یَفُوقُکَ فآیِقٌ...»؛ (2)

«و خداوند تو را به شریف ترین محل بزرگواران و والاترین منزل مقربان و بالاترین درجه پیامبران رسانده است، مقامی که نه گذشتگان به آنجا رسیده اند و نه آیندگان. و کسی مافوق مقام تو نیست».

همچنین در زیارت دیگر عرض می کنیم:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، اَلْعَظِیمِ حُرْمَتُهُ، الْقَرِیبِ مَنْزِلَتُهُ، الرَّفِیعِ دَرَجَتُهُ»؛ (3)

«خدایا درود فرست بر محمّد که بنده و رسول توست، همان که حرمتش عظیم، منزلتش نزدیک و درجه اش رفیع می باشد».

رکن المُتواضعین

در کتاب شعیای نبی علیه السلام اسم شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به نام رکن المتواضعین آمده است. (4)

ص:92

1- 265. مناقب، ج 1، ص 178.
2- 266. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 169 / فقید، ج 2، ص 613 / تهذیب، ج 6، ص 97.
3- 267. بحارالانوار، ج 97، ص 178.
4- 268. بحارالانوار، ج 16، ص 104 / مناقب، ج 1، ص 150.

رؤوف

رؤوف به معنای مهربان و با لطف و رأفت است، این از صفات بارز پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است چنان که فرمود: تو رحمه للعالمین هستی.

رؤوف نیز از اسامی و القاب قرآنی آن حضرت است که با توجّه به آیه شریفه برداشت شده است که خداوند می فرماید:

«لَقَدْ جَآءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُم بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ»؛ [(1)] «به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است!».

حرف ز

زاهد

به معنای کسی است که در دنیا زندگی می کند؛ ولی به آن دلبستگی ندارد و به حداقل امکانات اکتفا می نماید.

می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قبل از بعثت بیست خصلت از خصایل انبیا را داشت که هر کدام از آنها به تنهایی دلالت بر عظمت آن بزرگوار دارد؛ چه رسد به کسی که همه آنها را جمع کرده باشد، یکی از آن خصلت ها زاهد است.(2)

زَکیّ الاصل والفرع

زکی به معنای طاهر و شایسته و پاکدامن است. چنان که در عبارتی از

1- 269. سوره توبه، آیه 128.
2- 270. بحار الانوار، ج 16، ص 175.

زیارت نامه آن حضرت آمده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ...وَ الزّاکِی اَصْلُهُ وَ فَرْعُهُ»؛(1)

«خدای درود فرست بر محمّد، بنده و رسولت... او که نژاد و ریشه اش و نیز اولاد و نسلش پاک و پاکیزه اند».

زهره الملائکه

به معنای تابندگی و موجب روشنایی چهره فرشتگان است و از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد: چنان که در یکی از زیارات آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا زَهْرَهَ الْمَلائِکَهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای نور و روشنایی فرشتگان».

زهری

منسوب به زهره از جهت مادر آن حضرت است.(3)

زَین الرّساله

به معنای سبب زینت رسالت و پیامبری می باشد و از اوصاف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است؛ چنان که مرحوم علامه مجلسی در مقدمه کتاب خود آورده است.(4)

1- 271. بحارالانوار، ج 97، ص 178.
2- 272. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
3- 273. بحار الانوار، ج 16، ص 107.
4- 274. بحارالانوار، ج 15، ص 1.

زَین القیامه

زین القیامه به معنای زینت روز قیامت است و از القابی است که خود پیامبرصلی الله علیه وآله بیان فرموده:

«وَ جَعَلَنِی فِی الدُّنْیا سَیِّدَ وُلْدِ آدَمَ وَ فِی الآخِرَهِ زَیْنَ الْقِیامَهِ وَ حَرَّمَ دُخُولَ الْجَنَّهِ عَلَی الأَنْبِیاءِ حَتّی اَدْخُلَها أَنَا...»؛(1)

«خداوند مرا در دنیا بهترین فرزند آدم قرار داده و در آخرت نیز زینت روز قیامت فرموده، و دخول به بهشت را بر همه پیامبران حرام نموده تا زمانی که من وارد شوم...».

لذا در زیارت آن حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا زَیْنَ الْقِیامَهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای زینت روز قیامت».

مناقب نیز زین القیامه را از القاب شریف آن حضرت برشمرده است.(3)

زَین النّبوّه

از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است و به معنای زینت نبوّت و پیامبری می باشد که صاحب بحارالانوار آن را برای آن جناب برشمرده است.(4)

حرف س

سابق

سابق به معنای پیشی گیرنده و برنده و جلوتر از همه، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در بندگی و اطاعت خدا، در رسیدن به کمالات و مقامات معنوی،

ص:95

1- 275. خصال، ج 2، ص 412 / بحارالانوار، ج 16، ص 326.
2- 276. بحارالانوار، ج 97، ص 159.
3- 277. مناقب، ج 1، ص 152.
4- 278. بحارالانوار، ج 15، ص 1.

گوی سبقت را از همه ربوده است. لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ وَالسّابِقَ إِلی طاعَهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(1)

«سلام بر تو ای حجت خدا بر همه عالم از صدر تا ذیل، همان که در اطاعت از پروردگار جهانیان از هم جلوتر است».

ساجد

به معنای سجده کننده است؛ یعنی خداوند به پیامبرش فرمان داده است که برای من سجده کن و ایشان هم فرمان الهی را امتثال نموده، پس یکی از القاب ایشان ساجد است:

«وَمِنَ الَّیْلِ فاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَیْلاً طَوِیلاً»؛(2) «و در شبان گاه برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی !»

سخی

سخی از سخاوت و به معنای بخشنده است و برخلاف معنای بخیل. می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قبل از بعثت بیست خصلت از خصایل انبیا را داشت که هر کدام از آنها به تنهایی دلالت بر عظمت آن بزرگوار دارد؛ چه رسد به کسی که همه آنها را جمع کرده باشد، یکی از آن خصلت ها سخی است.(3)

1- 279. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183.
2- 280. سوره انسان: آیه 26.
3- 281. بحار الانوار، ج 16، ص 175.

سدید

به معنای راست و استوار و جاودان می باشد؛ لذا در تعریف و تمجید از مقام شامخ آن حضرت گفته شده است:

«اَنَّکَ الْمُوَفَّقُ الرَّشِیدُ ... وَ الْمَیْمُونُ السَّدِیدُ»؛(1)

«همانا تو توفیق یافته و هدایت یافته الهی هستی، تو با میمنت و خجستگی و همیشگی هستی».

سراج

به معنای چراغ و روشنی دهنده و این نام و لقبی است که خداوند متعال آن را برای پیامبر خاتمش برگزیده است، طبق آیه شریفه:

«وَدَاعِیاً إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِیراً»؛(2)

«و تو را دعوت کننده بسوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی بخش!»

صاحب مناقب آن را از اسامی آن حضرت ذکر نموده است.(3)

به این جهت سراج نامیده شده چون به وسیله آن حضرت مردم راهنمایی می شوند. این که چرا به سراج تعبیر کرد، نه به شمع که نورانی تر از آن است، جواب داده اند که چون شمع مربوط به اغنیاست و سراج مال فقرا، و خداوند نمی خواست فقرا را از نور وجود آن حضرت محروم سازد.

1- 282. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
2- 283. سوره احزاب، آیه 46.
3- 284. مناقب، ج 1، ص 150.

از طرفی اگر شمس می گفت، شمس نیز مال ظاهر است نه باطن، آن هم روز است نه شب، امّا سراج تمام این ها را شامل می شود.(1)

سراج الاصفیاء

یعنی بین همه برگزیدگان الهی از تمام ایشان درخشنده تر و نورانی تر است و این لقب نیز در بحار الانوار آمده است.(2)

سراج مُنیر

یکی دیگر از اسامی و القاب قرآنی آن حضرت سراج منیر است.

«وَ مِنْ اَسْمائِه صلی الله علیه وآله... اَلسِّراجُ الْمُنِیرِ فَلاضائَهِ الدُّنْیا بِهِ وَ مَحْوِ الْکُفْرِ بِاَنْوارِ رِسالَتِهِ»؛(3)

«به این جهت سراج نامیده شده چون دنیا به نور وجود او روشن می شود و کفر و ضلالت به نور رسالت او محو و نابود می شود».

چنان که در آیه شریفه آمده است:

«وَدَاعِیاً إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِیراً»؛(4)

«و تو را دعوت کننده بسوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی بخش!»

و در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

1- 285. مناقب، ج 1، ص 231.
2- 286. بحار الانوار، ج 16، ص 106.
3- 287. بحارالانوار، ج 16، ص 115.
4- 288. سوره احزاب، آیه 46.

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا السِّراجُ الْمُنِیرُ»؛(1)

«سلام بر تو ای چراغ پرفروغ».

صاحب مناقب نیز آن را از القاب حضرت برشمرده است.(2)

و وجه تسمیه آن نیز به این جهت است که همان طور که از چراغ به عنوان پیدا کردن راه استفاده می کنند، مردم نیز به وسیله آن حضرت به سوی دین خدا راهنمایی و هدایت می شوند.(3)

سعدیّ

سعدی یعنی منسوب به سعد و منظور سعد بن بکر بن هوازن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که به دنیا آمد چون محیط مکّه گرم و سوزان بود مثل بچه های دیگر او را به دایه ای سپردند تا در محیطی با آب و هوای بهتر رشد کند و زبان فصیح عربی را نیز یاد بگیرند.

«محمّد» به حلیمه سعدیه از قبیله سعد بن بکر سپرده شد،(4) لذا ایشان را سعدی گویند یعنی از جهت رضاع و شیر خوردن منسوب به آنهاست.(5)

سعید

به معنای سعادت مند، خوشبخت و عاقبت به خیر است. و از اوصاف

1- 289. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183.
2- 290. مناقب، ج 1، ص 302.
3- 291. بحارالانوار، ج 16، ص 306.
4- 292. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی،ص 61.
5- 293. بحارالانوار، ج 16، ص 107.

و القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد چنان که در زیارت آن جناب آمده است:

«اَنَّکَ الْمُوَفَّقُ الرَّشِیدُ وَ الْمُبارَکُ السَّعِیدُ»؛(1)

«همانا تو توفیق یافته و هدایت یافته الهی هستی تو مبارک و سعادت مند هستی».

سفیر

سفیر به معنای رسول و فرستاده شده و نماینده کسی می باشد و از القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است چون او نماینده و رسول خدا برای مردم است.

چنان که در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا السَّفِیرُ بَیْنَ اللَّهِ وَبَیْنَ خَلْقِهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای سفیر بین خدا و بندگانش».

سَلیلُ السّاده (سلیل الاعلام)

سلیل از سلاله و به معنای فرزند و نسل می باشد و او از نسل و فرزندان بزرگان است.در یکی از زیارات مربوط به آن جناب آمده است:

«وَ إِنَّکَ سَلِیلُ الاَعْلامِ السّادَهِ»؛(3)

«همانا تو از نسل و فرزندان بزرگان و بزرگواران می باشی».

1- 294. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
2- 295. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 187 / اقبال، ص 607.
3- 296. بحارالانوار، ج 97، ص 176.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله آقای اولین و آقای آخرین است، او آقا و بزرگ همه خلائق است.

حضرت آمنه تعریف می کند که هنگام تولد فرشتگانی به زیارت فرزندم آمدند... گفتند:

«اَبْشِرْ یا مُحَمَّدُ فَإِنَّکَ سَیِّدُ الاَوَّلِینَ وَالآخَرِینَ ...».(1)

لذا در زیارت نامه گواهی می دهیم که:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَیِّدُ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ»؛(2)

«شهادت و گواهی می دهم که محمّد بنده و رسول خداست، و او آقای اولین و آخرین است».

و در جای دیگر:

«اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْآخِرِینَ».(3)

و خود آن حضرت نیز به این مطلب تأکید نموده است:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است:

«قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله: أَنَا سَیِّدُ الاَوَّلِینَ وَ الآخرِینَ وَ اَنْتَ یا عَلِیُّ سَیِّدُ الْخَلائِقِ بَعْدِی، اَوَّلُنا کَآخِرِنا وَ آخِرِنا کَاَوَّلِنا»؛(4)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: من آقای اولین و آخرین هستم و تو ای علی ! آقای

ص:101

1- 297. بحارالانوار، ج 15، ص 326.
2- 298. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 602 / تهذیب، ج 1، ص 86.
3- 299. مفاتیح الجنان، زیارت فاطمه بنت اسد.

4- 300. بحارالانوار، ج 25، ص 360 / بحارالانوار، ج 38، ص 107.

خلایق بعد از من هستی، اوّل ما اهل بیت، مثل آخر ماست و آخر ما مثل اوّل ماست».

سَیّد الابرار

به معنای آقای نیکان و نیکوکاران می باشد و از توصیفاتی است که صاحب کتاب شریف بحارالانوار آن را در مقدمه کتاب خود آورده است.(1)

سَیّد الانبیاء

پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله نه تنها آقا و بزرگ مردمان است بلکه آقای همه پیامبران الهی نیز هست.

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَیِّدُ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، وَأَنَّهُ سَیِّدُ الْأَنْبِیآءِ وَالْمُرْسَلِینَ...»؛(2)

«من گواهی می دهم که محمّد بنده و رسول خداست، او آقای اولین و آخرین است و او آقای همه پیامبران و رسولان الهی است».

عایشه می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله پرسیدم سیّد یعنی چه؟ فرمود:

«مَنِ افْتَرَضَتْ طاعَتُهُ کَمَا افْتَرَضَتْ طاعَتِی»؛(3)

«یعنی آن که اطاعتش واجب است همچنان که اطاعت از من واجب است».

1- 301. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
2- 302. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 603 / تهذیب، ج 6، ص 86.
3- 303. معانی الاخبار، ص 103.

سَیّد الاولین

چنان که گفته شد این عنوان نیز از القاب معروفه و خاصه آن حضرت است، هم به فرموده خود آن حضرت و هم به گواهی دیگران. لذا سلام می دهیم به ایشان: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الاَوَّلِینَ وَ الآخرِینَ».(1)

«اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْاوّلِینَ».(2)

و گواهی می دهیم: «وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَیِّدُ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ،»؛(3) «گواهی می دهم که محمّد بنده و رسول خداست، او که آقای همه اولین و آخرین است».

سَیّد البشر

به معنای آقا و سرور انسان هاست و از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد چنان که خود آن حضرت فرموده است:

«اَنَا سَیِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ اَنَا سَیِّدُ الْبَشَرِ»؛(4)

«من بهترین فرزند آدم و آقای همه انسان ها هستم».

سَیّد المرسلین

این لقب را خداوند متعال در گفت و گو با حضرت موسی بیان فرمود:

1- 304. مستدرک، ج 10، ص 194.
2- 305. مفاتیح الجنان، زیارت فاطمه بنت اسد.
3- 306. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 602 / تهذیب، ج 6، ص 86.
4- 307. کنز الفوائد، ج 1، ص 164.

«اَنَّ مُحَمَّداً خَیْرُ الْبَشَرِ وسَیِّدُ الْمُرْسَلِینَ».(1)

«همانا محمّد بهترین انسان و آقای همه پیامبران است.»

لذا ما هم گواهی می دهیم که:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَیِّدُ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، وَأَنَّهُ سَیِّدُ الْأَنْبِیآءِ وَالْمُرْسَلِینَ»؛(2)

«گواهی می دهم که محمّد بنده و رسول خداست، و او آقای اولین و آخرین است و آقای پیامبران و رسولان است».

و درود می فرستیم:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد، بنده و رسولت که آقای همه رسولان است».

و در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الْمُرْسَلِینَ»؛(4)

«سلام بر تو ای آقای پیامبران و رسولان».

سَیّد خلق اللَّه

یکی دیگر از عناوین و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سیّد خلق اللَّه است چنان که در زیارت مربوط به آن حضرت از ایشان می خواهیم:

1- 308. بحارالانوار، ج 13، ص 232.
2- 309. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور.
3- 310. کافی، ج 3، ص 422.
4- 311. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور.

«یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبِی اَنْتَ وَ اُمِّی یا نَبِیَّ اللَّهِ، یا سَیِّدَ خَلْقِ اللَّهِ اِنِّی اَتَوَجَّهُ بِکَ اِلَی اللَّهِ رَبِّکَ وَ رَبِّی لِیَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی وَ یَتَقَبَّلَ مِنِّی عَمَلِی...»؛(1)

«ای محمّد، ای رسول خدا، پدر و مادرم به فدای شما باد، ای پیامبر خدا، ای بهترین و آقای همه بندگان خدا، من به وسیله تو به سوی خدا متوجه شده ام، خدایی که پروردگار تو و من است، تا بدین وسیله خدا گناهان مرا بیامرزد و عمل خیر مرا قبول فرماید».

سَیّد رُسُل اللَّه

به معنای آقا و بزرگ رسولان خداوند می باشد و از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است. این عنوان در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام که در عید مبعث وارد شده، آمده است و این چه حکمت و تناسبی است که روز مبعث باید به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام رفت؟

در قسمتی از این زیارت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ رُسُلِ اللَّهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای وارث محمّد که سیّد و آقای همه رسولان خداوند است».

سَیّد السّادات

یعنی در بین همه بزرگان و بزرگ زادگان، آن جناب از همه آقاتر

1- 312. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 186.
2- 313. مفاتیح الجنان، زیارت مبعث / بحارالانوار، ج 97، ص 377 / بلدالامین، ص 280.

و والاتر است؛ چنان که در مقدمه کتاب اعلام الوری آمده است: سیّد سادات العرب و العجم ... .(1)

سَیّد وُلْد آدم

به معنای بهترین فرزند آدم، این از تعابیری است که خداوند متعال برای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله به کار برده است آن گاه که با عیسی بن مریم علیه السلام سخن می گفت و فرمود:

«اُوصِیکَ یَابْنَ مَرْیَمَ الْبِکْرِ الْبَتُولِ بِسَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ حَبِیبِی فَهُوَ اَحْمَدُ صاحِبُ الْجَمَلِ الاَحْمَرِ وَ الْوَجْهِ الاَقْمَرِ... فَاِنَّهُ رَحْمَهٌ لِلْعالَمِینَ وَ سَیِّدُ وُلْدِ آدَمَ»؛(2)

«ای فرزند مریم بتول تو را به آقای پیامبران سفارش می کنم، او که دوست من است هم او که احمد است، صاحب شتر قرمز و چهره نورانی، او رحمت برای جهانیان و آقای فرزندان آدم است».

و نیز خود آن حضرت فرمود: علی سیّد العرب است. عایشه گفت: مگر شما سیّد العرب نیستید؟ فرمود: من سیّد ولد آدم هستم و علی سیّد العرب است.(3)

حرف ش

شافع

به معنای خواهش کننده و شفاعت کننده نزد خداوند می باشد و از

1- 314. اعلام الوری، ص 1.
2- 315. کافی، ج 8، ص 138.
3- 316. بحارالانوار، ج 14، ص 198.

اسامی و القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است که خود خدا برای آن حضرت فرموده. او نه تنها شفاعت کننده است بلکه اولین شافع نیز هست، چنان که در گفت و گوی خدا با حضرت آدم فرمود: او اولین شافع است. (1)

خود آن حضرت نیز فرمودند: «اَنَا اَوَّلُ شافِعٍ».(2)

شاکر

به معنای شکرگزار و سپاس گزار نعمت های الهی است که در مناقب آن را از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برشمرده(3) و به این آیه شریفه استناد کرده است:

«شاکِراً لِأَنْعُمِهِ اجْتَبَیاهُ وَهَدَیاهُ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ»؛(4)

«شکرگزار نعمت های پروردگار بود؛ خدا او را برگزید؛ و به راهی راست هدایت نمود!»

شاهد

شاهد به معنای گواه و شهادت دهنده نیز از اسامی قرآنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است، چنان که در این آیه شریفه به آن تصریح شده است:

«یاأَیُّها النَّبِیُّ إِنَّآ أَرْسَلْنَاکَ شاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِیراً»؛(5)

«ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذارکننده!»

1- 317. بحارالانوار، ج 11، ص 151.
2- 318. بحارالانوار، ج 16، ص 326.
3- 319. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
4- 320. سوره نحل، آیه 121.
5- 321. سوره احزاب، آیه 45.

«وَ مِنْ اَسْمائِه صلی الله علیه وآله الشّاهِدُ لأَنَّهُ یَشْهَدُ فِی الْقِیامَهِ لِلأَنْبِیاءِ بِالتَّبْلِیغِ وَ عَلَی الأُمَمِ اَنَّهُمْ بلّغُوا.»

«از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شاهد و گواه است چون روز قیامت گواه بر پیامبران است در امر تبلیغ و بر امّت ها گواه است که پیام الهی را ابلاغ نمودند.»

شاهد شاهدان

در روز قیامت آن گاه که محکمه عدل الهی بر پا گردد، برای اثبات حقانیت یا مجرمیت افراد، ادله و شواهد فراوانی وجود دارد؛ از گواهی اعضا و جوارح انسان گرفته تا زمین و زمان و فرشته ها؛ یکی از شاهدان و گواهان روز قیامت پیامبر هر امتی است و باز بر همه این گواهان نیز پیامبر خاتم گواهی خواهد داد؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

«فَکَیْفَ إِذَا جِئْنا مِن کُلِّ أُمَّهٍ بِشَهیدٍ وَجِئْنا بِکَ عَلَی هَؤُلَاءِ شَهِیداً»(1) «وَکَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَدَآءَ عَلَی النّاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً...»»؛(2)

و خداوند متعال فرمود: «حال آن ها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟» و نیز فرمود: «همان گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امّت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛) تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است...».

1- 322. سوره نساء، آیه 41.
2- 323. سوره بقره، آیه 143.

چنان که در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ،... وَالشّاهِدَ عَلی خَلْقِهِ»؛ (1)

«سلام بر تو ای حجت خدا بر اوّل و آخر انسان ها، تو که شاهد و گواه بر خلق خدا هستی».

شَرف الاشراف

یعنی بین همه شریفان و بزرگان، او از همه شریف تر و بزرگ تر است، بلکه موجب شرف و ارجمندی آنان است؛ چنان که علامه مجلسی آن حضرت را چنین توصیف نموده است. (2)

شریف المِلّه

از دیگر اوصافی است که برای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بیان شده است یعنی امّت و ملت و آیین آن حضرت همه شریف و ارجمند است.

چنان که در عبارت آمده:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، اَلْعَظِیمِ حُرْمَتُهُ، الْقَرِیبِ مَنْزِلَتُهُ، الرَّفِیعِ دَرَجَتُهُ وَ الشَّرِیفُ مِلَّتُهُ»؛ (3)

«خدایا درود فرست بر محمّد بنده و رسولت، او که حرمتش عظیم و منزلتش قریب و درجه اش رفیع و آیین و ملتش شریف می باشد».

1- 324. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 587 / کامل الزیارات، ص 42 / بحارالانوار، ج 97، ص 183.
2- 325. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
3- 326. بحارالانوار، ج 97، ص 178.

شفیع

شفیع به معنای شفاعت کننده و خواهشگر است، کسی که برای دیگران پا در میانی می کند، و پیامبر خدا به جهت عظمت و مقامی که نزد خدا دارد، برای گناهکاران امّت خود شفاعت می کند.

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ... وَالشَّفِیعَ إِلَیْهِ»؛(1) «سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین و آخرین و کسی که شفیع نزد خداست».

در عبارتی دیگر آمده است:

«... وَ نِعْمَ الشَّفِیعُ اَنْتَ یا مُحَمَّدُ»؛(2)

«و چه خوب شفیعی هستی تو ای محمّد».

و از خدا می خواهیم که شفاعت آن حضرت را در حقّ ما و همه مسلمانان قبول بفرماید.

«اَللّهُمّ کَرِّمْ مَقامَهُ وَ عَظِّمْ بُرْهانَهُ وَ شَرِّفْ بُنْیانَهُ وَ بَیِّضْ وَجْهَهُ وَ اَعْلِ کَعْبَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتُهُ وَ تَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ فِی اُمَّتِهِ»؛(3)

«خدایا مقامش را کریم، برهانش را عظیم، بنیانش را شریف و چهره اش را سپید و درجه اش را رفیع و شفاعتش را برای امتش قبول بفرما».

شفیع الامه

یعنی کسی که شفاعت امّت خود را نزد خداوند خواهد نمود؛ لذا به آن

1- 327. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183 / اقبال، ص 604.
2- 328. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 95، ص 282.
3- 329. بحارالانوار، ج 97، ص 179.

حضرت عرض می کنیم: «إِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَی اللَّهِ رَبّی وَ رَبِّکَ لِیَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی، فَاشْفَعْ لِی یا شَفِیعَ الاُمَّهِ»؛(1)

«من به سوی خداوند روی آورده ام او که پروردگار من و توست تا گناهان مرا بیامرزد سپس شفاعت مرا بنما ای شفیع امّت».

و این موضوع اشاره است به آیه شریفه که شفاعت پیامبر را تأیید می کند:

«وَما أَرْسَلْنا مِن رَسُولٍ إِلَّا لِیُطاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَآءُوکَ فاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً»؛(2)

«ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می گذاردند)، به نزد تو می آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می کردند؛ و پیامبر هم برای آن ها استغفار می کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند».

یعنی اگر پیامبر از خدا بخواهد و استغفار نماید، خداوند نیز حتماً خواهد پذیرفت؛ چون خودش فرموده:

«وَلَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضَی (3)

شفیع القیامه

آن گاه که قیامت برپا شود و محکمه عدل الهی تشکیل گردد، پای

ص:111

1- 330. بحارالانوار، ج 97، ص 163.
2- 331. سوره نساء، آیه 64.
3- 332. سوره ضحی: آیه 5.

خیلی ها خواهذ لغزید؛ لذا کسی باید بیاید و دست آنان را بگیرد و نزد خداوند شفاعت نماید و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سایر کسانی که خداوند به آنان اذن داده، برای مردم شفاعت خواهند کرد.

لذا عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا شَفِیعَ الْقِیامَهِ»؛(1)

«سلام بر تو ای شفیع روز قیامت».

شفیع المُذنِبین

به معنای واسطه گناه کاران با خداوند است، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آبروی خود را نزد خداوند واسطه قرار می دهد تا برای گناه کاران از امّت خود درخواست آمرزش کند، لذا در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا شَفِیعَ الْمُذْنِبِینَ»؛(2)

«سلام بر تو ای شفاعت کننده گناه کاران».

شمس

به معنای خورشید، خورشید عالم تاب، خورشیدی که با نور خود تاریکی ها و ظلمت های ظاهری و باطنی را نابود می کند.

از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه «وَالشَّمْسِ وَضُحیها»(3) سؤال

1- 333. بحارالانوار، ج 97، ص 159.
2- 334. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
3- 335. سوره شمس، آیه 1.

کردند، فرمود: «اَلشَّمْسُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله اَوْضَحَ اللَّهُ بِهِ لِلنّاسِ دِینَهُمْ»؛(1)

«منظور از شمس، رسول خداست که خداوند به وسیله آن حضرت، دین مردم را برایشان روشن فرموده است».

چندین حدیث دیگر در این زمینه وارد شده است؛ از جمله خود پیامبر که انس می گوید: «قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله: اَنَا الشَّمْسُ وَ عَلِیٌّ الْقَمَرُ...»؛(2)

«پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: من شمس هستم و علی نیز قمر می باشد...».

شمس الدّنیا

به معنای خورشید دنیا می باشد و از اوصاف پیامبر خاتم است که جبرئیل در سلام به آن حضرت بیان کرده است:

«... اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا شَمْسَ الدُّنْیا»؛(3)

«سلام بر تو ای خورشید دنیا !»

شرح این جریان در عنوان «حامد» گذشت.

شمس العرفان

به معنای خورشید آسمان عرفان و معرفت است و از توصیفاتی می باشد که مرحوم مجلسی در مقدمه کتاب خود برای جناب پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله استفاده نموده آنجا که می گوید:

«شَمْسُ سَماءِ الْعِرْفان»؛(4) «خورشید آسمان عرفان و معرفت».

1- 336. بحارالانوار، ج 16، ص 88.
2- 337. بحارالانوار، ج 16، ص 91 / مناقب، ج 1، ص 281 / معانی الاخبار، ص 114.

3- 338. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
4- 339. بحارالانوار، 15، ص 1.

صابر

صابر به معنای صبرکننده و تحمل کننده؛ یعنی آنچه که به او محوّل شده را بپذیرد، آن هم برای خدا، و این نیز از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که خداوند در حدیث عیسی بن مریم علیه السلام پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را این گونه برایش توصیف فرمود:

«اَلدَّیّانُ بِدِینِی، الصّابِرُ فِی ذاتِی، المُجاهِدُ الْمُشْرِکِینَ بِیَدِهِ عَنْ دِینِی»؛(1)

او کسی است که متدیّن به دین من است، در راه من صبر می کند و با مشرکان در راه دفاع از دین

صاحب مناقب نیز با استفاده از آیه شریفه «وَاصْبِرْ وَما صَبْرُکَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ وَلَا تَکُ فِی ضَیْقٍ مِمّا یَمْکُرُونَ»؛(2) فرموده یکی از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله صابر است.(3)

چنان که در زیارت آن حضرت گفته می شود:

«وَ جاهَدَ فِی سَبِیلِکَ وَ صَبَرَ عَلَی الاَذی فِی جَنْبِکَ وَ اَوْضَحَ دِینَکَ»؛(4)

«در راه تو جهاد فرمود و به خاطر تو بر همه مشکلات و سختی ها صبر نمود تا دین تو را واضح و آشکار کرد».

ص:114

1- 340. کافی، ج 8، ص 138.
2- 341. سوره نحل، آیه 127: «صبر کن، و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد! و بخاطر {کارهای} آن ها، اندوهگین و دلسرد مشو! و از توطئه های آن ها، در تنگنا قرار مگیر!».
3- 342. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
4- 343. بحارالانوار، ج 97، ص 162.

صاحب

صاحب به معنای همدم و همراه و دوست است و یکی از اسامی و القاب پیامبرصلی الله علیه وآله است، با توجّه به آیه شریفه:

«ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ وَما غَوَی ؛(1)

«که هرگز دوست شما [محمّد] منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است»

چنان که صاحب مناقب و بحارالانوار نیز به آن تصریح دارند.(2)

همچنین صاحب مناقب تأکید دارد که نام پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در نزد میزان روز قیامت، معروف به صاحب است.(3)

صاحب الآیات

این عنوان از القابی است که در زیارات جامعه آمده است به عنوان: «صاحب الآیات فی الآفاق المحمول علی البراق».(4)

و در زیارتی دیگر سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْخُلْقِ الْعَظِیمِ وَ الشَّرَفِ الْعَمِیمِ وَ الآیاتِ وَ الذِّکْرِ الْحَکِیمِ»؛(5)

«سلام بر تو ای کسی که اخلاق تو عظیم و شرافت تو همه جانبه است. سلام بر تو ای صاحب آیات و قرآن حکیم».

1- 344. سوره نجم، آیه 2.
2- 345. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 346. مناقب، ج 1، ص 152.
4- 347. بحارالانوار، ج 99، ص 191.
5- 348. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

صاحب الابل

ابل به معنای شتر است و پیامبر نیز مانند سایر مردم عرب، شتران متعددی داشتند که برخی را خریداری کردند و بعضی را هم به ایشان هدیه دادند، نام برخی از آنها چنین است: جدعا، قصواء، بغوم، نوق، مروه، مهره، شقرا، ريّا، حباء،...(1)

صاحب البَيّنه

این عنوان نیز از اوصاف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله گفته شده است با توجّه به آیه شریفه: «أَفَمَن كانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِن رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شاهِدٌ»؛(2)

«آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و بدنبال آن، شاهدی از سوی او می باشد».

مراد از بینه قرآن است و پیامبر نیز دارنده این قرآن است و گفته شده: بینه اعم از قرآن و معجزات و براهین است.(3)

صاحب التّاج

تاج را به معنای عمامه که بر سر می گذارند گفته اند و صاحب عمامه را از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برشمرده اند.(4)

صاحب التنزيل

در فرمایشی خود آن حضرت به امیر المؤمنین فرموده اند:

1- 349. بحار الانوار، ج 16، ص 108.
2- 350. سوره هود، آیه 17.
3- 351. بحارالانوار، ج 16، ص 303.
4- 352. بحارالانوار، ج 16، ص 130.

«اَنَا صاحِبُ التَّنْزِیلِ وَ اَنْتَ صاحِبُ التَّأوِیلِ ... .»(1)

«من صاحب تنزیل هستم یعنی قرآن بر من نازل شده و تو صاحب تأویل می باشی یعنی آن را تفسیر و تأویل می کنی.»

صاحب الجَمل

به معنای صاحب شتر است که در حدیث عیسی بن مریم آمده: خداوند پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را برایش این گونه توصیف می نمود:

«اُوصِیکَ یَابْنَ مَرْیَمَ الْبِکْرِ الْبَتُولِ بِسَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ حَبِیبِی فَهُوَ اَحْمَدُ صاحِبُ الْجَمَلِ الاَحْمَرِ وَ الْوَجْهِ الاَقْمَرِ...»؛(2)

صاحب الحج

اگرچه حضرت ابراهیم علیه السلام پایه های خانه کعبه را بنا نهاد و به دستور الهی بر سر تا سر جهان تا پایان تاریخ ندا داد که «وَأَذِّن فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَعَلَی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ»؛(3)

«و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند».

لکن این پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله بود که آن حج را احیاء فرمود، لذا در آن عبارت آمده است:

1- 353. امالی شیخ طوسی، ص 331.
2- 354. کافی، ج 8، ص 138 / کمال الدین، ج 1، ص 159.
3- 355. سوره حج، آیه 27.

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْحَجِّ وَ الزِّیارَهِ»؛(1)

«سلام بر تو ای صاحب حج و زیارت».

صاحب الحُجه

یعنی کسی که دارای دلیل و برهان و مدرک است، و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای تمام اقوال و احکام و افعال خود، حجت الهی داشت. لذا آن جناب را به صاحب الحجه توصیف نموده اند.(2)

صاحب الحمار

امام باقرعلیه السلام فرمودند: هنگام فتح خیبر و تقسیم غنایم، یک حمار سیاه به ایشان رسید. پیامبر با آن سخن گفت و او هم جواب داد و گفت: خداوند از نسل من 60 حمار بیرون آورده که جز پیامبر و نبی کسی سوار آنها نشده است و از اجداد من هم غیر از من کسی باقی نماده است و بعد از شما هم پیامبری نخواهد آمد. من هم منتظر بودم که شما بیایید ... .(3)

صاحب الحوض

پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله صاحب حوض کوثر است و این از القاب اختصاصی آن حضرت می باشد. چنان که صاحب مناقب و دیگران نیز به آن تصریح کرده اند.(4)

1- 356. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
2- 357. بحارالانوار، ج 16، ص 130.
3- 358. بحار الانوار، ج 16، ص 100.
4- 359. مناقب، ج 1، ص 152.

همچنین در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْحَوْضِ الْمَوْرُودِ»؛(1)

«سلام بر تو ای صاحب حوضی که همه بر آن وارد می شوند».

صاحب الدرع

به معنای زره است؛ یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مرد جنگ و سلاح و مبارزه بوده است و هر مرد مبارزی هم شمشیر و زره و سپر نیاز دارد. نام یکی از زره های ایشان ذات الفضول بوده که سعد بن عباده به ایشان هدیه داده است، یکی دیگر هم فضّه، دو تا زره هم از بنی قینقاع به ایشان رسید. گفته می شود که زره داوود پیامبر نیز نزد ایشان است، همان که آن را پوشید و جالوت را به قتل رساند.(2)

صاحب الدَّعوه المَسمُوعه

یعنی کسی که هر کس دعوت رسالتش را شنید قبول نمود، چونکه رسالت و دعوت او با فطرت انسان ها سرشته است، لذا منطق محکم و حرف حقّ به گوش هر کسی رسید آن را پذیرفت. مگر صاحبان زر و زور و قدرت که آن را با منافع مادی خود در تضاد می دیدند و یا کسانی که از روی عناد و لجاجت نپذیرند.

لذا می گوییم: «اَنْتَ صاحِبُ الْوَسِیلَهِ... وَ الدَّعْوَهِ الْمَسْمُوعَهِ»؛(3)

«تو صاحب وسیله و صاحب دعوت شنیده شده و پذیرفته شده هستی».

1- 360. بحارالانوار، ج 15، ص 350.
2- 361. بحار الانوار، ج 16، ص 110.
3- 362. بحارالانوار، ج 97، ص 171.

صاحب الدین الاظهر

دین اسلام دینی است که مقبول و مرضی خداوند و بر همه ادیان دیگر غلبه خواهد نمود و بر سراسر جهان ظاهر و آشکار خواهد گردید. به این جهت پیامبر اکرم را که آورنده این دین است، با عنوان صاحب الدین الاظهر توصیف نموده اند.(1)

صاحب الذِّکْر الحکیم

از اوصاف و القاب پیامبر اکرم است؛ چنان که در یکی از زیارات مربوط به آن بزرگوار آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْخُلْقِ الْعَظِیمِ وَ الشَّرَفِ الْعَمِیمِ وَ الآیاتِ وَ الذِّکْرِ الْحَکِیمِ»؛(2)

«سلام بر تو ای صاحب اخلاق عظیم و شرافت همه جانبه و صاحب آیات و سخن قرآنی».

صاحب الرایه

رایه به معنای پرچم است که امام باقرعلیه السلام می فرمایند: آن حضرت پرچم مخصوصی داشتند که به آن عقاب می گفتند.(3)

1- 363. بحار الانوار، ج 16، ص 106.
2- 364. بحارالانوار، ج 97، ص 175 / مناقب، ج 1، ص 152.
3- 365. بحار الانوار، ج 16، ص 99.

صاحب الرُّکن و المقام

حج دارای مناسک و ارکان و اعمال مخصوصی است که نظیر آن کمتر در سایر عبادات یافت می شود، اگرچه از هر کدام از عبادات نیز بهره ای دارد، مقام ابراهیم جایی است که طواف کننده پشت سر آن نماز طواف می خواهد.

رکن نیز به گوشه های خانه کعبه گفته می شود. هر گوشه ای از خانه کعبه به نامی است: رکن یمانی، رکن شامی، رکن حجر الاسود و رکن عراقی. روایت شده حضرت معمولاً در رکن یمانی به دعا می پرداخت.

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الرُّکْنِ وَ الْمَقامِ»؛(1)

«سلام بر تو ای صاحب رکن و مقام».

صاحب الرّمح الطّاعن

رمح به معنای نیزه است و طاعن از کلمه طعن که وقتی با رمح به کار می رود؛ به معنای فرو رونده و تیز است. و در زیارت آمده:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الرَّمْحِ الطّاعِنِ»؛(2)

«سلام بر تو ای صاحب نیزه تیز و کارساز».

صاحب السرّ

خداوند متعال سرّ خودش را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سپرده است و آن حضرت صاحب سرّ خداوند می باشد چنان که خود آن جناب فرمودند:

1- 366. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
2- 367. بحارالانوار، ج 15، ص 351.

«اَعْطانِی مَفاتِیحَ خَزائِنِهِ کُلِّها وَ اسْتَوَدَعَنِی سِرَّهُ»؛(1)

«خداوند متعال تمام کلیدهای خزائن خود را به من عطا فرمود و اسرار خویش را به من سپرد».

صاحب السَّکینه

یعنی کسی که دارای سکینه و وقار و آرامش است و پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله که توکل کامل به خدا دارد دارای چنین مقام و صفتی است. و چه حکمتی است که در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ السَّکِینَهِ، اَلسَّلامُ عَلَی الْمَدْفُونِ بِالْمَدِینَهِ»؛(2)

«سلام بر آن صاحب سکینه و وقار، سلام بر آن بزرگواری که در مدینه منوره مدفون است».

و ظاهراً این عنوان از این آیه شریفه اقتباس شده است:

«فَأَنزَلَ اللَّهُ سَکِینَتَهُ عَلَیْهِ»؛(3)

«در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد».

صاحب السّلطان

سلطان به معنای دلیل و حجت و هرچه که به وسیله آن بر خصم غلبه پیدا کنند، از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله صاحب السلطان گفته شده است.(4)

ص:122

1- 368. بحارالانوار، ج 16، ص 374.
2- 369. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام / بحارالانوار، ج 97، ص 147 / بلدالامین، ص 277.
3- 370. سوره توبه، آیه 40.
4- 371. بحارالانوار، ج 16، ص 130.

صاحب السَّهم النّافذ

سهم به معنای تیر که در کمان گذاشته می شود و نافذ یعنی نفوذ کننده، تیری که نفوذ می کند.

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ السَّهْمِ النّافِذِ»؛(1)

«سلام بر تو ای صاحب تیر نفوذ کننده».

صاحب السَّیْف

سیف به معنای شمشیر است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله اگرچه برای همه رحمت و رأفت است لکن آنان که قابلیت نداشته باشند و عناد و لجاجت کنند، چاره ای جز شمشیر نیست. امام باقرعلیه السلام فرمودند: آن حضرت دو تا شمشیر معروف داشتند که یکی به نام ذوالفقار بود و دیگری به نام عون.(2)؛ برخی دیگر از شمشیرهای ایشان به نام مخذوم، رسوب، عضب، بتار، حتفا، قلعی،....بوده است.(3) پس سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ السَّیْفِ الْقاطِعِ»؛(4)

«سلام بر تو ای صاحب شمشیر قاطع».

صاحب الشّرف العَمِیم

شرف به معنای بزرگی و ارجمندی و عمیم به معنای عام و شامل

1- 372. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
2- 373. بحار الانوار، ج 16، ص 98.
3- 374. بحار الانوار، ج 16، ص 110.
4- 375. بحارالانوار، ج 15، ص 351.

و همه جانبه است، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از هر جهت؛ چه شخصی و خانوادگی و چه مقام و ... شرافت و بزرگی دارد. چنان که در زیارت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْخُلْقِ الْعَظِیمِ وَ الشَّرَفِ الْعَمِیمِ»؛(1)

«سلام بر تو ای صاحب اخلاق عظیم و شرافت همه جانبه».

صاحب الشّریعه السّهله

یعنی کسی که دین و آیین او راحت و آسان است؛ چنان که خود آن حضرت فرمودند: بعثت بالحنیفیه السهله السمحه؛ من به دین حنیف که ساده و آسان است مبعوث شده ام و خداوند نیز فرموده است:

«.... وَما جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ....»(2)

البته باید به این نکته توجّه کرد که می فرماید دین من تا آنجا که امکان دارد ساده و سهل شده است، نه این که شما آن را سهل بگیرید یا این که سهل انگار شوید؛ چنان که برخی ها دچار چنین توهمی هستند.

صاحب العمامه

امام باقرعلیه السلام فرمودند: آن حضرت عمامه ای داشتند که سحاب نام داشت.(3)

1- 376. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
2- 377. سوره حج: آیه 78.
3- 378. بحار الانوار، ج 16، ص 99.

صاحب العنزه

عنزه از عصا بلندتر و از نیزه کوتاه تر بود که گفته می شود نجاشی آن را به زبیر داد و او هم به پیامبر هدیه کرد.(1) و به فرموده امام باقرعلیه السلام آن حضرت به دست می گرفتند و تکیه می دادند و هنگام خطبه نماز عیدین نیز به همراه آن خطبه می خواندند.(2)

صاحب القرآن

قرآن بزرگ ترین و جاودانه ترین معجزه پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است، قرآن کلام الهی و نامه خدا برای بشر است تا ختم روزگار، خدا به وسیله پیامبرش این کتاب را به بشر ارزانی داشته است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْقُرْآنِ وَ النّاقَهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای صاحب قرآن و ناقه».

صاحب الفرقان

فرقان به معنای جدا کننده حقّ از باطل که نام دیگر قرآن نیز هست و پیامبر صاحب چنین کتابی است لذا در یکی از زیارات آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْهَجَ دِینِ الاسْلامِ وَ الایمانِ وَ صاحِبَ الْقِبْلَهِ وَ الْفُرْقانِ»؛(4)

1- 379. بحار الانوار، ج 16، ص 110.
2- 380. بحار الانوار، ج 16، ص 99.
3- 381. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
4- 382. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

«سلام بر تو ای راه واضح دین اسلام و ایمان و سلام بر تو ای صاحب قبله و کتاب فرقان (قرآن)».

صاحب القبله

قبله در لغت یعنی آن جهت و سمتی که انسان رو به روی خود قرار می دهد ولی اصطلاح شده برای جهتی که انسان رو به آن طرف اعمال عبادی خود را انجام می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امر الهی قبله و جهت عبادت مسلمانان را کعبه قرار داده است، چنان که در آیه شریفه می فرماید:

«قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمآءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضَیاها فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَیْثُ ما کُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ لَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَبِّهِمْ وَما اللَّهُ بِغافِلٍ عَمّا یَعْمَلُونَ»؛(1)

«نگاه های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آن ها داده شده، بخوبی می دانند این فرمانِ حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده؛ (و در کتاب های خود خوانده اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می خواند). و خداوند از اعمال آن ها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست!»

لذا به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله صاحب القبله گفته می شود و در یکی از زیارات

1- 383. سوره بقره، آیه 144.

مربوط به آن حضرت آمده است: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْهَجَ دِینِ الاسْلامِ وَ الایمانِ وَ صاحِبَ الْقِبْلَهِ وَ الْفُرْقانِ»؛(1)

«سلام بر تو ای راه واضح دین اسلام و ایمان و سلام بر تو ای صاحب قبله و کتاب فرقان (قرآن)».

صاحب القضیب

قضیب به معنای شاخه بریده و شمشیر تیز و برّان است و از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله صاحب القضیب گفته شده است؛ چون آن حضرت چنین وسیله ای داشتند و اسم آن هم ممشوق بوده است.(2)

صاحب الکوثر

کوثر به معنای خیر و برکت کثیر است که خداوند آن را به پیامبر گرامی اش اعطا فرموده اند:

خداوند در سوره کوثر می فرماید:

«إِنّا أَعْطَیْناکَ الْکَوْثَرَ»؛(3)

«ما به تو کوثر [= خیر و برکت فراوان] عطا کردیم!»

لذا پیامبر صاحب کوثر است.

امّا این که کوثر چه مفهوم و تفسیری دارد، چند وجه گفته شده است:

1- 384. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
2- 385. بحارالانوار، ج 16، ص 130.
3- 386. سوره کوثر، آیه 1.

1 - کوثر نام نهری در بهشت است که خداوند آن را به پیامبر عطا فرموده.

2 - حوض پیامبر است در قیامت که همه مردم بر آن وارد می شوند.

3 - منظور نبوّت و قرآن است.

4 - مقصود زیادی پیروان به دین آن حضرت است.

5 - مقصود زیادی نسل و ذریه آن حضرت است که از حضرت زهرا می باشد.

6 - کوثر یعنی صاحب شفاعت.

همه این معانی را به کوثر نسبت داده اند که البته لفظ کوثر توانایی تحمل این معانی را دارد. و به جهت اعطای این همه نعمت بوده که خداوند فرمان به نماز و قربانی داده: «فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ»؛(1) «پس برای پروردگارت نماز بخوان وقربانی کن!»(2)

صاحب اللِّواء

لواء به معنای علامت، نشانه و پرچم که هر گروهی برای شناسایی و معرفی خود از آن استفاده می کند و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز صاحب پرچم است؛ آن هم لوایی که قابل رؤیت برای همه جهانیان است؛ لذا در یکی از زیارات آمده است: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْمَقامِ الْمَحْمُودِ وَ الْحَوْضِ الْمَوْرُودِ وَ اللِّواءِ الْمَشْهُودِ»؛(3)

«سلام بر تو ای صاحب مقام پسندیده و صاحب حوضی که دیگران بر آن وارد می شوند و سلام بر تو ای صاحب پرچم مشهود».

ص:128

1- 387. سوره کوثر، آیه 2.
2- 388. بحارالانوار، ج 16، ص 311.
3- 389. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

از خود آن حضرت نقل شده که فرمودند:

«آدمُ وَ مَن دونه تحت لوائی یوم القیامه».(1)

«آدم و همه انسان ها در روز قیامت زیر پرچم من خواهند بود.»

صاحب المَساعی

به معنای صاحب تلاش و کوشش و کسی که سرآمد جهاد در راه خداست. و در عبارت زیارت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْمَساعِی»؛(2)

صاحب المعراج

معراج و سفر آسمانی از معجزات و فضایل پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که در سوره اسراء به آن اشاره شده است:

«سُبْحانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصا الَّذِی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ»؛(3)

«پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست».

1- 390. بحار الانوار، ج 16، ص 402.
2- 391. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
3- 392. سوره اسراء، آیه 1.

صاحب المفاتیح

مفاتیح از مفتاح به معنای کلید است. یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله صاحب تمام کلیدهای خزائن عالم است. و این مقامی است که خداوند متعال به آن حضرت عنایت فرموده، چنان که آن جناب در فرمایشی فرموده اند:

«اِصْطَفانِی عَلی جَمِیعِ الْعالَمِینَ مِنَ الاَوَّلِینَ وَ الآخِرِینَ اَعْطانِی مَفاتِیحَ خَزائِنِهِ کُلِّها»؛(1)

«خداوند مرا بر تمام جهانیان برگزیده، چه از اولین و چه از آخرین، و کلیدهای تمام خزائن و گنج های خود را به من عطا فرموده است».

و در جای دیگر فرمودند: اعطانی جوامع العلم و مفاتیح الکلام.(2)

صاحب المقام المحمود

یعنی کسی که دارای مقام و درجه پسندیده ای است، و مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از هر مقامی بالاتر و بهتر و پسندیده تر می باشد و این مقامی است که خداوند متعال ایشان را به آن مفتخر نموده است:

«وَمِنَ الَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَّکَ عَسَی أَن یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَّحْمُوداً»(3)

«و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!»

1- 393. بحارالانوار، ج 16، ص 374.
2- 394. امالی شیخ طوسی، ص 56.
3- 395. سوره اسراء: آیه 79.

به همین جهت در زیارت نامه آن حضرت گفته می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْمَقامِ الْمَحْمُودِ وَ الْحَوْضِ الْمَوْرُودِ؛(1)

«سلام بر تو ای صاحب مقام پسندیده و صاحب حوضی که دیگران بر آن وارد می شوند».

صاحب المَلْحَمه

ملحمه به معنای واقعه عظیم که در آن قتل نیز واقع می شود و ملحمه گفته می شود چون بدن ها (لحم - گوشت) قطعه قطعه می شود.

گفته شده یکی دیگر از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در کتاب تورات «صاحب الملحمه» است.(2)

چنان که در یکی از زیارات نیز آمده است.

صاحب المنزله الجلیله

یعنی کسی که دارای مقام و منزلت بسیار بالایی است و از اسامی و اوصاف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است.

چنان که در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَنْتَ صاحِبُ الْوَسِیلَهِ وَ الْمَنْزِلَهِ الْجَلِیلَهِ»؛(3)

«تو صاحب وسیله و دارای منزلت والایی هستی».

1- 396. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
2- 397. کشف الغمه، ج 1، ص 13 / بحارالانوار، ج 16، ص 120.
3- 398. بحارالانوار، ج 97، ص 163.

صاحب الناقه

امام باقرعلیه السلام فرمودند: آن حضرت دو ناقه معروف داشتند یکی به نام عضباء و دیگری به نام جدعاء. یکی هم به نام قصوا که آن را به 400 درهم از ابوبکر خریده بود و با همان هم هجرت کردند.(1)

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْقُرْآنِ وَ النّاقَهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای صاحب قرآن و ناقه».

صاحب الوجه الاقمر

آن گاه که خداوند متعال پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را برای عیسی بن مریم معرفی کرد در توصیفات خود به اینجا رسید که فرمود:

«فَهُوَ اَحْمَدُ صاحِبُ الْجَمَلِ الاَحْمَرِ وَ الْوَجْهِ الاَقْمَرِ...»؛(3)

«او احمد است، صاحب شتر قرمز، او که چهره اش از ماه تابنده تر است».

صاحب الوجه الانور

به معنای کسی که صورت و چهره اش از همه نورانی تر می باشد و از القابی است که در بحار الانوار بیان شده است.(4)

صاحب الوسیله

خداوند کریم در قرآنش می فرماید:

1- 399. بحار الانوار، ج 16، ص 99.
2- 400. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
3- 401. کافی، ج 8، ص 138.
4- 402. بحار الانوار، ج 16، ص 106.

«وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَهَ»؛(1)

«و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید!»

هرگاه می خواهید به سوی خدا توجّه کنید و از درگاه او حاجتی دارید باید وسیله ای همراه بیاورید و آن وسیله اشخاص آبرومند نزد خدا می باشند و بالاترین ایشان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است و از اسامی ایشان است.(2)

چنان که در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَنْتَ صاحِبُ الْوَسِیلَهِ وَ الْمَنْزِلَهِ الْجَلِیلَهِ»؛(3)

«تو صاحب وسیله و دارای منزلت بالایی هستی».

صاحب الهَراوه

هراوه به معنای عصا یا چوب دستی است و می گویند آن حضرت چون چوب دستی به همراه داشته اند، «صاحب الهراوه» نامیده شده اند.(4)

صاحب جوامع الکلم

جوامع الکلم یعنی جامع تمام سخنان و کلمات حقّ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«اَعْطانِیَ اللَّهُ خَمْساً وَ اَعْطی عَلِیّاً خَمْساً، اَعْطانِی جَوامِعَ الْکَلِمِ وَ اَعْطی عَلِیّاً جَوامِعَ الْعِلْمِ...»؛(5) «خداوند به من پنج چیز عطا فرمود، چنان که به

1- 403. سوره مائده، آیه 35.
2- 404. بحارالانوار، ج 16، ص 129.
3- 405. بحارالانوار، ج 97، ص 163.
4- 406. بحارالانوار، ج 16، ص 130.
5- 407. امالی مفید، ص / بحارالانوار، ج 16، ص 317.

علی علیه السلام نیز پنج چیز عطا فرمود، خدا به من جوامع الکلم عنایت کرد و به علی علیه السلام جوامع العلم عطا کرد...».

از امام باقرعلیه السلام سؤال کردند: جوامع الکلم چیست؟ فرمود: قرآن است.(1)

صاحب خُلْق عظیم

و این مدال افتخاری است که خداوند متعال به گردن رسولش پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله انداخته، آنجا که می فرماید: «وَإِنَّکَ لَعَلَی خُلُقٍ عَظِیمٍ»؛(2)

«و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری!»

یعنی دنیای به این عظمت را خدا متاع قلیل می داند؛ ولی اخلاق نیک پیامبرش را عظیم می شمرد! تو بهترین اخلاق و پسندیده ترین اخلاق را داری و در نقطه اوج آن هستی، لذا در زیارت آن حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْخُلْقِ الْعَظِیمِ وَ الشَّرَفِ الْعَمِیمِ»؛(3)

«سلام بر تو ای که دارای خلق عظیم هستی و سلام بر تو ای که شرافتت عام و همه جانبه است».

صاحب خیر الأُمم

امّت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خیر الامم هستند؛ یعنی از بین تمام امّت های گذشته و آینده، امّت اسلام بهترین امّت است؛ چون اسلام بهترین و تنها

1- 408. بحارالانوار، ج 16، ص 324.
2- 409. سوره قلم، آیه 4.
3- 410. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

دین مقبول و مرضی خداوند است و در این باره آیه شریف می فرماید:

«کُنتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْکِتاَبِ لَکانَ خَیْراً لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَکْثَرُهُمُ الْفسِقُونَ»(1)

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند؛ (چون) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به این برنامه و آیین درخشانی،) ایمان آورند، برای آن ها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آن ها با ایمانند، و بیشتر آن ها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار)»

صاحب شفاعت مقبول

یعنی کسی که اگر برای کسی نزد خدا شفاعت کند حتماً خداوند نیز خواهد پذیرفت و این تصریح آیه شریفه است که:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَآءُوکَ فاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً»؛(2)

«و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمان های خدا را زیر پا می گذاردند)، به نزد تو می آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می کردند؛ و پیامبر هم برای آن ها استغفار می کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند».

لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

1- 411. سوره آل عمران: آیه 110.
2- 412. سوره نساء، آیه 64.

«اَنْتَ صاحِبُ الْوَسِیلَهِ والمنزله الجلیله والشفاعه المقبوله»؛(1)

«تو صاحب وسیله نزد خدا و دارای مقام و منزلت والایی هستی، و شفاعت تو به درگاه خدا مقبول است».

صاحب فضیلت

از اوصاف دیگر پیامبر خاتم صاحب فضیلت می باشد، چنان که در یکی از زیارات آن حضرت آمده است:

«اَنْتَ صاحِبُ الْوَسِیلَهِ وَ الْفَضِیلَهِ وَ الْمَنْزِلَهِ الْجَلِیلَهِ»؛(2)

«تو صاحب وسیله و فضیلت و دارای مقام والایی هستی».

صاحب قول العدل

از دیگر اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله عنوان صاحب قول عدل می باشد.

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْقَوْلِ الْعَدْلِ: لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای صاحب سخن حقّ و عدل (و آن سخن حقّ چنین است): لا اله الّا اللّه محمّد رسول اللّه».

صادع

صادع به معنای کسی که داوری می کند و بین حقّ و باطل جدایی

1- 413. بحارالانوار، ج 97، ص 163 / بحارالانوار، ج 97، ص 171.
2- 414. بحارالانوار، ج 97، ص 163 و 171.
3- 415. بحارالانوار، ج 15، ص 349.

می اندازد، از القاب و اسامی پیامبرصلی الله علیه وآله است و صاحب مناقب آن را از این آیه شریفه اقتباس نموده است:

«فاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکِینَ»؛(1)

«آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان (و به آن ها اعتنا نکن)!»(2)

این هم قسمتی از دعا برای آن حضرت:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ...الْهادِی اِلَیْکَ بِاِذْنِکَ وَ الصّادِعِ بِاَمْرِکَ عَنْ وَحْیِکَ...»(3)

و در قسمتی از زیارات جامعه آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَی الصّادِعِ بِالرِّسالَهِ».(4)

صادق

به معنای شخص راستگو و کسی که دارای صفت صداقت است.

این اسم و لقب را صاحب مناقب هم از آیه شریفه «ص وَالْقُرْآنِ ذِی الذِّکْرِ»؛(5) گرفته است.(6) و هم گفته اسم پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله نزد کروبیون، صادق است.(7)

1- 416. سوره حجر، آیه 94.
2- 417. بحارالانوار، ج 16، ص 102 / مناقب، ج 1، ص 150.
3- 418. بحارالانوار، ج 84، ص 59.
4- 419. بحارالانوار، ج 99، ص 198.
5- 420. سوره ص، آیه 1.
6- 421. مناقب، ج 1، ص 150.
7- 422. مناقب، ج 1، ص 152.

صانجی

صاحب مناقب نقل کرده که اسم پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله نزد اهل ترک، صانجی است.(1)

صدق

از اسامی قرآنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله صدق به معنای راستی و دوستی است چنان که در مورد آیه شریفه:

«وَالَّذِی جَآءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»؛(2)

«امّا کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند!».

روایات متعددی از جمله از امام باقرعلیه السلام وارد شده که منظور از جاء بالصدق پیامبر خاتم است. و مقصود از صدّق به، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد.(3)

به همین جهت صاحب مناقب، «صدق» را از اسامی پیامبرصلی الله علیه وآله شمرده است.(4)

صراط مستقیم

1- 423. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 424. سوره زمر، آیه 33.
3- 425. کشف المتین، ج 1، ص 324 / بحارالانوار، ج 35، در چندین روایت.
4- 426. مناقب، ج 1، ص 150.

یعنی مسیری که با پیمودن و حرکت در آن به خدا خواهیم رسید و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چون تمام حرکات و سکنات و اقوال و لحظات آن حضرت در مسیر هدایت الهی است، او را به صراط مستقیم نام نهاده اند.(1)

صَفوَه اللَّه

صفوه به معنای برگزیده و خالص چیزی و بهترین نوع آن چیز است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چنین انسانی است؛ لذا به ایشان سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صِفْوَهَ اللَّهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای گزینش شده خدا».

و بر ایشان دعا می کنیم:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ...صَفِیّکَ وَ صِفْوَتِکَ».(3)

صاحب مناقب نقل کرده که صفوه اللَّه نامی است برای پیامبرصلی الله علیه وآله که بر لوای حمد نوشته شده است.(4)

صَفوَه الانبیاء

یعنی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله برگزیده و خالص شده همه پیامبران الهی است و این از جمله القاب آن حضرت است چنان که در زیارت آن جناب عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صِفْوَهَ الاَنْبِیاءِ وَ عَلَمَ الاَتْقِیاءِ»؛(5) «سلام بر تو ای برگزیده پیامبران الهی، و سلام بر تو ای برجسته پرهیزکاران».

1- 427. بحارالانوار، ج 16، ص 130.
2- 428. کافی، ج 4، ص 552.
3- 429. مفاتیح الجنان، زیارت روز شنبه.
4- 430. مناقب، ج 1، ص 152.
5- 431. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

صَفوَه ربّ العالمین

یعنی کسی که از جانب پروردگار جهانیان گزینش شده است و این از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است لذا چنین عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ رَسُول اللَّهِ، خاتَمِ النَّبِیِّینَ وَسَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ، وَصَفْوَهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»؛(1)

«سلام بر محمّد که رسول خداست، او که خاتم پیامبران و آقای رسولان است همان که گزینش شده پروردگار جهانیان می باشد».

صَفی اللَّه

صفی نیز از صفوه به معنای خالص و برگزیده می باشد و صفی اللَّه نامی است برای پیامبرصلی الله علیه وآله که بر درخت طوبی نوشته شده است.(2)

لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللَّهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای صفی خدا».

و برایش دعا می کنیم:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ... وَصَفِیِّکَ وَصَفْوَتِکَ».(4)

1- 432. مفاتیح الجنان، دعای روز عید غدیر / بحارالانوار، ج 97، ص 359.
2- 433. مناقب، ج 1، ص 152 / مصباح کفعمی، ص 731.
3- 434. بحارالانوار، ج 97، ص 183.
4- 435. مفاتیح الجنان، زیارت روز شنبه.

صَفی الاصفیاء

یعنی برگزیده برگزیدگان، خالص خالصان، و پاک پاکان، و این از اوصاف پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله می باشد، چنان که علامه مجلسی نیز با این عنوان آن حضرت را توصیف نموده است.(1)

حرف ض

ضالّ

خداوند در قرآن کریم در آیه شریفه می فرماید:

«أَلَمْ یَجِدْکَ یَتِیماً فَاوَی * وَوَجَدَکَ ضَآلاًّ فَهَدَی ؛(2)

«آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟ ! و تو را گمشده یافت و هدایت کرد».

خدا پیامبرش را با عنوان ضالّ تعبیر فرموده است؛ ولی این که جهت آن چه بوده؟ چند نظر است:

1 - یعنی تو از نبوّت چیزی نمی دانستی و خدا تو را به سوی آن هدایت کرد.

تو از شریعت اسلام غافل بودی که خداوند هر دوی این نعمت ها را به تو عنایت فرمود پس این جنبه امتنان دارد.(3)

2 - این که در زبان عرب به کسی که راه کسب درآمد را بلد نیست ضالّ گفته می شود و خداوند پیامبرش را رزق و غنا و کفایت عنایت فرمود.

3 - این که تو را در حالی که بین مکّه و مدینه در زمان هجرت سرگردان بودی راهنمایی فرمود و از شر دشمنان نجات داد.

4 - ضالّ به معنای مضلول یعنی به معنای اسم مفعول است، یعنی تو در میان قومت ناشناخته و مجهول بودی و خدا مردم را به سوی تو هدایت کرد.(4)

1- 436. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
2- 437. سوره ضحی، آیه 6 - 7.
3- 438. بحارالانوار، ج 17، ص 91.
4- 439. بحار الانوار، ج 16، ص 137.

ضَحوک

از ابن عباس نقل شده که گفته است: نام شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در تورات احمد الضحوک القتال است.(1)

نقل شده از این جهت به آن جناب ضحوک گفته اند که دل و قلب پاک و خالصی داشتند و شوخ طبع نیز بوده اند، اگرچه غیر از حقّ نیز نمی فرمودند:

«إِنِّی لاَمْزَحُ وَ لا اَقُولُ اِلّا حَقّاً»؛

«من مزاح هم می کنم ولی خلاف حقّ چیزی نمی گویم».

مثلاً گفته شده که در جایی فرمودند: پیرزن داخل بهشت نمی شود. پیرزن گریه کرد و ایشان فرمود: چون دوباره دختر و دوشیزه می شوند.(2)

ضُحی

ضحی به معنای آشکاری و ظهور و پیدایی از القاب پیامبر خداست که صاحب مناقب از آیه شریفه «وَالضُّحَی * وَاللَّیْلِ إِذَا سَجَی ؛(3)

«قسم به روز در آن هنگام که آفتاب برآید (و همه جا را فراگیرد)، و سوگند به شب در آن هنگام که آرام گیرد». اقتباس نموده که خداوند به آن قسم یاد فرموده است.(4)

1- 440. بحارالانوار، ج 16، ص 114.
2- 441. بحارالانوار، ج 16، ص 116.
3- 442. سوره ضحی، آیه 1 - 2.
4- 443. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

طاب طاب

به معنای احمد است و برخی می گویند؛ یعنی طیّب طیّب به معنای پاک و طاهر و حلال است. اسم شریف پیامبر خاتم در انجیل به عنوان طاب طاب آمده است.(1)

و جبرئیل نیز این گونه به ایشان سلام داده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا طابَ طابَ ...»(2)

جریان معجزه ای از عدّه ای از اصحاب و یاران امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که لشکر آن حضرت در جریان جنگ صفین در منطقه ای به نام صندودیا که خشک و بی آب و علف بود رسیدند، مالک اشتر عرض کرد: ای امیرالمؤمنین ! اینجا آب نیست. امام فرمود: خدا به ما آب خواهد داد، بروید چاهی حفر کنید، آنان مشغول کار شدند تا به سنگ سختی برخورد کردند که نتوانستند آن را جا به جا کنند.

امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و چنین دعا کرد:

«طاب طاب یا عالم یا طیبو ثابوثه شمیاکو یا جانوثا تودیثا برجوثا آمین آمین یا رب العالمین یا ربّ موسی و هارون...»؛(3)

سپس آن تخته سنگ را از جا کند و تا 40 ذراع به آن طرف پرتاب فرمود که از زیر آن آبی صاف و سرد و خنک بیرون آمد....

1- 444. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 445. بحارالانوار، ج 15، ص 350.
3- 446. بحارالانوار، ج 41، ص 278 / امالی صدوق، ص 184 / روضه الواعظین، ج 1، ص 114.

طس

از حروف مقطعه و رمزی قرآن است که به آن حضرت تأویل شده است:
«طس تِلْکَ آیاتُ الْقُرْآنِ وَکِتابٍ مُّبِینٍ».(1)

بحارالانوار از واقدی نقل کرده که آن گاه که پیامبر نزد حلیمه سعدیه دوران کودکی را می گذراند به همراه فرزندان حلیمه به صحرا رفته بودند. «محمّد» کوه بلندی دید، خواست بالا رود، ولی چون خیلی مرتفع و عمودی بود نتوانست. استحیائیل آمد و صیحه ای زد و گفت: وای بر تو ای کوه، مطیع محمّد باش که او خیر المرسلین است. کوه شاد گشت و کوچک شد تا پیامبر بالای آن رفت. در دل کوه انواع مار و مور و عقرب و حیوانات رنگارنگ بودند وقتی پیامبر خواست پایین بیاید، باز استحیائیل آمد و بانگی زد که همه حیوانات به لانه های خود رفتند تا پیامبر آن منظره را ببیند. وقتی پایین آمد چشمه آبی دید که خنک و شیرین بود، پیامبر نزد چشمه نشسته بود که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و دردائیل آمدند. پس جبرئیل گفت: «... اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا طس».(2)

طسم

این نیز از حروف مقطعه و رمزی قرآن است که به آن حضرت تأویل شده است:

1- 447. سوره نمل: آیه 1.
2- 448. بحارالانوار، ج 15، ص 351.

«طسم تِلْکَ آیاتُ الْکِتابِ الْمُبِینِ»(1)

و از القابی است که جبرئیل در سلام به پیامبر خاتم بیان کرده است (که در عنوان قبلی شرح آن گذشت) و گفت:

«... اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا طسم».(2)

طالیسا

مرحوم علامه مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار بیان کرده که نام مبارک پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در صحف شیث به عنوان طالیسا آمده است.(3)

طاهر

به معنای پاک و پاکیزه و بدون آلودگی است و از صفات پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد که خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام بازگو نموده است.(4)

«اَلسَّلامُ عَلَی الطُّهْرِ الطّاهِرِ».(5)

و در زیارت آن حضرت در نزد اسطوانه عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا طاهِرُ».(6)

صاحب مناقب این لقب را از آیه شریفه «طه * ما أَنزَلْنا عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَی ؛(7) اقتباس کرده است.(8) چنان که در برخی تفاسیر آمده است که طه یعنی «یا طاهر».(9)

1- 449. سوره شعراء: آیه 1 و 2.
2- 450. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
3- 451. بحارالانوار، ج 16، ص 104.
4- 452. کافی، ج 8، ص 138.
5- 453. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز مولود.
6- 454. بحارالانوار، ج 97، ص 173.

7- 455. سوره طه، آیه 1 و 2.
8- 456. مناقب، ج 1، ص 150.
9- 457. بحارالانوار، ج 16، ص 129.

طه

از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله طه است که به لغت قبیله طیّ یعنی محمّد می باشد.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل فرموده اند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هنگام نماز آن قدر روی دو پا و انگشتان پا می ایستاد که ورم می کردند، لذا خداوند این آیه را نازل فرمود: «طه * ما أَنزَلْنا عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَی ؛(1)

«طه * ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی !».(2)

و نیز در حدیث دیگر امام صادق علیه السلام فرمود:

«اَمّا «طه ؛ فَاسْمٌ مِنْ اَسْماءِ النَّبِی صلی الله علیه وآله وَ مَعْناهُ یا طالِبَ الْحَقِّ الْهادِی اِلَیْهِ»؛(3)

«طه یکی از نام های پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است و معنایش چنین است: ای کسی که طالب حقّ می باشی و به آن نیز هدایت می کنی !»

طُهر

یعنی پاک و خالص محض از القاب پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله است. جالب است که در روز 17 ربیع الاول که روز میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده و در آن زیارت به پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله سلام می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَی الطُّهْرِ الطّاهِرِ».(4)

ص:146

1- 458. سوره طه، آیه 1 - 2.
2- 459. بحارالانوار، ج 16، ص 85.
3- 460. بحارالانوار، ج 16، ص 86.
4- 461. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین در روز مولود، بحار الانوار، ج 97، ص 373.

و در زیارت از نزدیک برای پیامبر نزد اسطوانه عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا طُهْرُ».(1)

حرف ظ

ظلّ

صاحب مناقب عنوان ظل را از این آیه شریفه اخذ کرده:

«أَلَمْ تَرَ إِلَی رَبِّکَ کَیْفَ مَدَّ الظِّلَّ»؛[2]

«آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟ !»

و آن را به عنوان اسم و لقب پیامبرصلی الله علیه وآله برشمرده است.

حرف ع

عائل

عائل به معنای تنگدست و دارای فقر یا کسی که اهل و عیال زیاد دارد می باشد، و صاحب مناقب با توجّه به آیه شریفه:

«وَوَجَدَکَ عَآئِلاً فَأَغْنَی ؛(3) «و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود».

آن را از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دانسته است.(4)

عابد

عابد به معنای عبادت کننده و پرستش گر است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که عبد مخلص خداست عابد واقعی خدا نیز هست به همین جهت و با توجّه به آیه شریفه:

1- 462. بحارالانوار، ج 97، ص 173.
2- 463. سوره فرقان، آیه 45.
3- 464. سوره ضحی، آیه 8.
4- 465. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 102.

«وَاعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّی یَأْتِیَکَ الْیَقِینُ»؛(1)

«و پروردگارت را عبادت کن تا یقین [= مرگ] تو فرا رسد!»

یکی از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله «عابد» می باشد.

و ما نیز بر این عبادت و بندگی خالصانه گواهی می دهیم که:

«وَأَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّکَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِکَ وَجاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ... وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّی أَتاکَ الْیَقِینُ»؛(2)

«من گواهی می دهم که تو رسالت های پروردگارت را ابلاغ نمودی امّت خود را نصیحت فرمودی، در راه خداوند جهاد و تلاش کردی و خداوند را خالصانه و مخلصانه عبادت نمودی تا به یقین رسیدی».

عاقب

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمودند:

«اَنَا الْعاقِبُ وَ هُوَ الَّذِی لا نَبِیَّ بَعْدَهُ وَ کُلُّ شَیْ ءٍ خَلَّفَ شَیْئاً فَهُوَ عاقِبٌ»؛(3)

«من عاقب هستم و او کسی است که پیامبری بعد از وی نیست و هر چیزی که چیزی را پشت سر بگذارد عاقب گویند».

و در جای دیگر جابر بن عبد اللَّه گوید:

«قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله:... وَ سَمّانِی الْعاقِبُ، أَنَا عَقَبُ النَّبِیِّینَ لَیْسَ بَعْدِی رَسُولٌ»؛(4)

1- 466. سوره حجر، آیه 99.
2- 467. مفاتیح الجنان، زیارت روز شنبه / کافی، ج 4، ص 550.
3- 468. بحارالانوار، ج 16، ص 114.
4- 469. بحارالانوار، ج 16، ص 93.

«خداوند مرا عاقب نامیده است چون من در آخر پیامبران آمده ام، و پس از من رسولی نخواهد بود».

لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عاقِبُ».(1)

عاقل

به معنای کسی که دارای عقل و شعور است، آن هم عقل در درجه بالا. می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قبل از بعثت بیست خصلت از خصایل انبیا را داشت که هر کدام از آنها به تنهایی دلالت بر عظمت آن بزرگوار دارد؛ چه رسد به کسی که همه آنها را جمع کرده باشد، یکی از آن خصلت ها عاقل بوده است.(2)

عالم

او عالم و دانشمند و معلم اوّل است و معلم او نیز خداست لذا او دانای به هر چیز است، چنان که خداوند فرموده است:

«وَعَلَّمَکَ ما لَمْ تَکُن تَعْلَمُ»؛(3) «و آنچه را نمی دانستی، به تو آموخت».

در ترجمه دقیق تر این آیه حضرت آیت اللّٰه جوادی آملی می فرماید: یعنی چیزهایی به تو آموخت که نه تو می توانستی بیاموزی و نه کسی

1- 470. بحارالانوار، ج 97، ص 173.
2- 471. بحار الانوار، ج 16، ص 175.
3- 472. سوره نساء، آیه 113.

دیگر می توانست به تو بیاموزد، اصلاً غیر از خدا کسی نمی دانست.

به همین جهت عالم را یکی از اسامی آن حضرت دانسته اند.(1)

عبد اللَّه

به معنای بنده خدا، مطیع محض خدا، از اسامی رسول خداست که در آیه شریفه «لَمّا قامَ عَبْدُ اللَّهِ» آمده است.

چنان که در تشهد نماز هر روز چند بار این بندگی حضرت را شهادت می دهیم و حتی قبل از مسأله رسالت، مسأله بندگی مطرح شده است:

«وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ...»

و من گواهی می دهم که محمّد، بنده و رسول خداست؛ یعنی این بالاترین مقامی است که یک انسان می تواند نزد خدا به دست آورد.

در زیارت روز شنبه نیز چنین آمده است:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ... عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد... بنده ات که فرستاده و پیامبرت می باشد».

چنان که در آیه مربوط به معراج نیز می فرماید: ما بنده خود را به معراج بردیم و نامی از رسول و نبی و غیره نمی آورد:

«سُبْحانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصا الَّذِی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ»؛(3)

«پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به

1- 473. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
2- 474. مفاتیح الجنان، زیارت روز شنبه.
3- 475. سوره اسراء، آیه 1.

مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست».

و آیه: «تَبارَکَ الَّذِی نَزَّلَ الْفُرْقانَ عَلَی عَبْدِهِ لِیَکُونَ لِلْعالَمِینَ نَذِیراً»؛(1)

«زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد».

عبد الاعلی

در مناقب نقل شده است که نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در نزد باد، عبد الاعلی است.(2) و اعلی نیز نامی از اسمای حسنای الهی است.

عبد التوّاب

نقل کرده اند که نام شریف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در نزد عزرائیل، عبد التواب است.(3) چنان که خداوند متعال توّاب یعنی بسیار توبه پذیر است. پیامبر نیز بنده آن توّاب می باشد.

عبد الجبّار

جبّار اسمی از اسمای حسنای خداوند است و پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله نیز بنده آن خداوند جبار است گفته اند نام معروف پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در نزد جبرئیل، عبد الجبار است.(4)

1- 476. سوره فرقان، آیه 1.
2- 477. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 478. مصباح کفعمی، ص 731 / مناقب، ج 1، ص 152.
4- 479. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

عبد الجليل

جلیل نیز از اسامی جلاله خداوند است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در نزد سنگ ها معروف به عبد الجلیل است.(1)

عبد الحقّ

حقّ مطلق خداست و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز بنده آن حقّ است. کفعمی صاحب کتاب مصباح در خطبه عیدین نقل کرده است که نام رسول خداصلی الله علیه وآله نزد قلم، عبد الحق است.(2)

عبد الحمید

حمید نیز از اسمای جلاله می باشد و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بنده اوست لذا نقل شده است که نام پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله نزد جنّ ها به عبد الحمید معروف است.(3)

عبد الدیّان

یکی دیگر از اسمای حسنای خداوند، دیّان است به معنای حاکم و قاضی و قاهر است و به همین جهت نام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بنابر آنچه صاحب مناقب و مصباح کفعمی نقل کرده اند در نزد اهل بهشت، عبد الدیّان است.(4)

1- 480. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 481. مناقب، ج 1، ص 150 / مصباح کفعمی، ص 721.
3- 482. مناقب، ج 1، ص 152.
4- 483. مصباح کفعمی، ص 731 / مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

عبد الرحیم

گفته شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نزد زبانیه به نام عبد الرحیم معروف است.(1)

عبد الرفیع

رفیع به معنای والا و بالا و بلند است و از اسمای حسنای الهی می باشد و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را کوه ها به عبد الرفیع نام نهاده اند.(2)

عبد السلام

عنوان عبد السلام را سحاب و ابرها برای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله برگزیده اند.(3)

عبد العزیز

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نزد تراب یعنی خاک، به عبد العزیز نامیده شده است.(4)

عبد العطاء

عبد العطاء نام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نزد حوری های بهشتی است.(5)

1- 484. مصباح کفعمی، ص 731 / مناقب، ج 1، ص 152.
2- 485. مصباح کفعمی، ص 732 / مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 486. مصباح کفعمی، ص 732 / مناقب، ج 1، ص 152.
4- 487. مصباح کفعمی، ص 731 / مناقب، ج 1، ص 152.
5- 488. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

عبد الفتّاح

فتاح به معنای بسیار گشاینده، از اسامی خداوند متعال است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز بنده اوست لذا نام آن حضرت نزد اسرافیل «عبد الفتاح» است.(1)

عبد القادر

عبد القادر نامی است برای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله که طیور یعنی پرندگان برای آن حضرت برگزیده اند.(2)

عبد القاهر

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نزد حیوانات درنده به نام عبد القاهر معروف است.(3)

عبد المختار

عبد المختار نیز نامی است که مالک برای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برگزیده است.(4)

عبد الملک

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نزد بهشت به عبد الملک معروف است.(5)

1- 489. مصباح کفعمی، ص 731 / مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 490. مصباح کفعمی، ص 732 / مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 491. مصباح کفعمی، ص 732 / مناقب، ج 1، ص 152.
4- 492. مصباح کفعمی، ص 731 / مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
5- 493. مصباح کفعمی، ص 731 / مناقب، ج 1، ص 152.

عبد المنّان

پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله نزد جحیم به عبد المنان معروف است.(1)

عبد المُنْعم

نام پیامبر خداصلی الله علیه وآله نزد برق عبد المنعم است.(2)

عبد المؤمن

عبد المؤمن نام پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله است نزد بحر و دریا.(3)

عبد المُهَیْمن

نام مبارک پیامبر خداصلی الله علیه وآله نزد ماهیان دریا عبد المهیمن است.(4)

عبد النّجات

عبد النجات نام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است نزد اهل جحیم.(5)

عبد الواحد

مرحوم علامه مجلسی از مناقب نقل کرده است که مقربان الهی،

1- 494. مصباح کفعمی، ص 731 / مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 495. مصباح کفعمی، ص 732 / مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 496. مصباح کفعمی، ص 732 / مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
4- 497. مصباح کفعمی، ص 732 / مناقب، ج 1، ص 152.
5- 498. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را عبد الواحد نام نهاده اند.(1)

عبد الوکیل

وکیل یعنی کسی که دیگران کارشان را به او محول می کنند و توسط او انجام می دهند.

نام پیامبر خداصلی الله علیه وآله نزد رعد، عبد الوکیل است.(2)

عبد الوهّاب

وهّاب به معنای بسیار بخشنده و از اسمای حسنای خداوند متعال است که هر نوع نعمتی را به بندگان می دهد و نام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز نزد میکائیل عبد الوهّاب می باشد.(3)

عبد الهَیْبه

به معنای با شکوه و جلالت به همراه خوف و ترس است.

شیاطین اسم مبارک پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را عبد الهیبه نام نهاده اند.(4)

عُرْوَه الوُثْقی

به معنای دستگیره و طناب محکم و استوار است که هرکه به آن

1- 499. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 104.
2- 500. مصباح کفعمی، ص 732 / مناقب، ج 1، ص 152.
3- 501. مصباح کفعمی، ص 732 / مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
4- 502. مصباح کفعمی، ص 731 / مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

چنگ زند نجات می یابد که از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است.(1)

عزیز علَی اللَّه

یعنی کسی که برای خدا ارجمند و شریف و محترم است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چنین مقامی نزد خداوند دارد.

چنان که در زیارت آن حضرت گواهی می دهیم:

«اَشْهَدُ اَنَّکَ رَسُولُ اللَّهِ الْعَزِیزُ عَلَی اللَّهِ»؛(2)

«گواهی می دهم که تو پیامبر خدا هستی، همان که نزد خدا عزیز است».

عظیم الحُرْمه

یعنی کسی که حرمت و احترامش بزرگ و عظیم است که با توجّه به قسمتی از زیارت نامه آن حضرت که از نزدیک خوانده می شود اقتباس شده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، اَلْعَظِیمِ حُرْمَتُهُ، الْقَرِیبِ مَنْزِلَتُهُ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد، بنده و پیامبرت او که هم حرمتش عظیم است و هم منزلتش قریب».

عقل اول

در احادیث آمده است که اول ما خلق اللَّه عقل است و تجسم خارجی

1- 503. بحارالانوار، ج 16، ص 130.
2- 504. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
3- 505. بحارالانوار، ج 97، ص 178.

عقل نیز در وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد؛ یعنی عقل حقیقت محمدیه است.

عقل کل

عقل کل همان وجود مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله است که خداوند آفرید و بقیه عقول مراتب بعدی آن هستند.

عَلَم الاتقیاء

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در بین همه تقواپیشگان و پرهیزگاران، برجسته و شاخص است و به عنوان پرچم و جلودار همه آنان می باشد.

لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صِفْوَهَ الاَنْبِیاءِ وَ عَلَمَ الاَتْقِیاءِ وَ مَشْهُورَ الذِّکْرِ فِی الاَرْضِ وَ السَّماءِ»؛(1)

«سلام بر تو ای برگزیده پیامبران، و شاخص پرهیزگاران، و سلام بر تو ای که ذکر و نامت در آسمان و زمین مشهور است».

عَلَم الاحسان

احسان به معنای نیکی و نیکوکاری است و پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله که دارای خلق عظیم است خود پرچم و پرچم دار احسان می باشد.

1- 506. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

لذا در یکی از زیارات به آن حضرت عرض می شود:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْهَجَ دِینِ الاسْلامِ ... وَ عَلَمَ الصِّدْقِ وَ الْحَقِّ وَ الاحْسانِ»؛ (1)

«سلام بر تو ای راه واضح دین اسلام و پرچم دار صداقت و حقیقت و احسان».

عَلَم الحق

یعنی پیامبر خداصلی الله علیه وآله خود پرچم و پرچم دار حقّ و حقیقت است؛ چنان که در یکی از زیارات می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْهَجَ دِینِ الاسْلامِ ... وَ عَلَمَ الصِّدْقِ وَ الْحَقِّ وَ الاحْسانِ»؛ (2)

«سلام بر تو ای راه واضح دین اسلام، و ای پرچم صداقت و حقیقت !»

عَلَم الزّاهر

زاهر به معنای هر چیز زیبا و روشن و درخشان است.

شیخ مفید نقل کرده که امام صادق علیه السلام در روز مولود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام این گونه سلام داد:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْعَلَمِ الزّاهِرِ».(3)

1- 507. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
2- 508. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
3- 509. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام روز مولود / بحارالانوار، ج 97، ص 373.

و در ذکر سلام و صلوات بر پیامبر و ائمه علیهم السلام نیز چنین آمده است:

«اللّهمّ اجْعَلْ شَرائِفَ صَلَواتِکِ وَ تَحِیّاتِکَ وَ رَأْفَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ تَحِیَّتِکَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ... الْبَشِیرِ النَّذِیرِ السِّراجِ الْمُنِیرِ الطّهْرِ الطّاهِرِ الْعَلَمِ الزّاهِرِ»؛(1)

«خدایا بهترین درودها و تحیات و رأفت و رحمت خود را بر محمّد قرار بده او که بنده و رسول توست، آن بشیر و نذیر، آن چراغ فروزنده، آن پاک و طاهر، او که نشانه روشن و درخشان الهی است».

عَلَم الصدق

یعنی پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله پرچم و پرچم دار صدق و راستی است.

لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْهَجَ دِینِ الاسْلامِ ... وَ عَلَمَ الصِّدْقِ وَ الْحَقِّ»؛(2)

«سلام بر تو ای راه واضح دین اسلام... ای پرچم صدق و راستی و حقّ و حقیقت».

علم کلّ

پیامبر هم عقل کل است و هم علم کل؛ چون هر آنچه بود و نبود است را خدا به آن حضرت آموخته است:

«... وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَیْکَ الْکِتابَ وَالْحِکْمَهَ وَعَلَّمَکَ ما لَمْ تَکُن تَعْلَمُ وَکانَ

ص:160

1- 510. بحارالانوار، ج 99، ص 216.
2- 511. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکَ عَظِیماً»؛ (1)

«... و خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل کرد؛ و آنچه را نمی دانستی، به تو آموخت؛ و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است».

حرف غ

غایه الایجاد

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که سرآمد و گل سرسبد خلقت و مخلوقات است، هدف خلقت است، چنان که در حدیث قدسی فرموده است:

«لَوْلاکَ لَما خَلَقْتُ الاَفْلاکَ»؛ «اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی کردم».

لذا مرحوم علامه مجلسی نیز پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله را چنین توصیف نموده که:

«وَ غایَهُ اِیجادِ کُلِّ مَوْجُودٍ»؛(2)

«غایت و نهایت هدف ایجاد همه موجودات، پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است».

غُرّه عبد مَناف

از توصیفاتی است که برای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شده و مرحوم علامه مجلسی بیان کرده است.(3) غرّه به معنای پیشانی و نور و درخشندگی آن که زودتر به چشم می آید و ایشان در بین فرزندان عبد مناف می درخشد.

غلیظ بر کافران

مطابق آیه شریفه «فَبِما رَحْمَهٍ مِنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ کُنتَ فَظّاً غَلِیظَ

1- 512. سوره نساء: آیه 113»
2- 513. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
3- 514. بحارالانوار، ج 15، ص 1.

الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ...»؛(1)

«به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی ! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند».

و آیه «رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ»، پیامبر نسبت به مؤمنان و مسلمانان بسیار رؤوف و با رحمت و رأفت بود؛ امّا نسبت به مشرکان، غلیظ و خشن بود، چنان که آیه شریفه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِینَ مَعَهُ أَشِدَّآءُ عَلَی الْکُفّارِ رُحَمآءُ بَیْنَهُمْ»؛(2) «محمّدصلی الله علیه وآله فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفّار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند» نیز به آن تصریح دارد، لذا در ذکر هنگام دخول به شهر مدینه گفته می شود:

«وَ اَنَّکَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤمِنِینَ وَ غَلُظْتَ عَلَی الْکافِرِینَ»؛(3)

«تو بر مؤمنان با رأفت بودی و نسبت به کافران با غلظت و درشتی».

غَیْث البلاد

غیث به معنای باران است که همه شهرها و سرزمین ها را زنده و آباد و باطراوت می کند، و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با آمرزش، همه مردگان کفر و شرک و الحاد را زنده کرد.

«اَشْهَدُ اَنَّ اللَّهَ بَعَثَکَ رَحْمَةً لِلْخَلْقِ وَ رَأْفَةً بِالْعِبادِ وَ غَیْثاً لِلْبِلادِ»؛(4)

«گواهی می دهم که خداوند تو را به عنوان رحمت برای خلق مبعوث فرمود، و نیز موجب رأفت بندگان و بارانی برای شهرها».

1- 515. سوره آل عمران، آیه 159.
2- 516. سوره فتح، آیه 29.
3- 517. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / کافی، ج 4، ص 550 / من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 565.
4- 518. بحارالانوار، ج 97، ص 176.

غیور

به معنای غیرتمند و جوانمرد می باشد؛ یعنی کسی که نه «غیر» را در خود راه می دهد و نه به «غیر» چشم طمع دارد، نه به دیگران تعدی می کند و نه تعدی دیگران را می پذیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قبل از بعثت بیست خصلت از خصایل انبیا را داشت که هر کدام از آنها به تنهایی دلالت بر عظمت آن بزرگوار دارد؛ چه رسد به کسی که همه آنها را جمع کرده باشد، یکی از آن خصلت ها غیور است.(1)

حرف ف

فائز

فائز از کلمه فوز و به معنای رستگاری و پیروزی و نهایت کامیابی است. و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با آن مقام و عظمتی که نزد خداوند دارد به نهایت رستگاری و کامیابی رسیده است، چنان که در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ... الْفآئِزَ بِالسِّباقِ»؛(2)

«سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین و آخرین... ای کسی که با پیشی گرفتن از همه به رستگاری رسیدی».

فائت

یکی از اوصاف آن حضرت است که در زیارت مربوطه آمده است:

ص:163

1- 519. بحار الانوار، ج 16، ص 175.
2- 520. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183 / اقبال، ص 604.

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ... الْفآئِزَ بِالسِّباقِ وَالفائِتِ عَنِ اللّحاقِ»؛(1)

«سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین و آخرین... ای کسی که با پیشی گرفتن از همه، به رستگاری رسیدی و کسی که یارای الحاق به تو نیست».

فاتح

فاتح به معنای گشاینده، از القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است؛ یعنی درهای ایمان که بسته شده بود را گشود و فتح کرد.(2)

هنگامی که به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام می رویم به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سلام می دهیم:

«اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، أَمِینِ اللَّهِ عَلی وَحْیِهِ وَعَزآئِمِ أَمْرِهِ، الْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ»؛(3)

«سلام بر رسول خدا، او که امین بر وحی الهی و بر امور مهم و اسرار حقّ است، هم او که ختم کننده گذشتگان و گشاینده آیندگان است».

فاتح البرّ

یعنی گشاینده نیکی که یکی از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد

ص:164

1- 521. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183 / اقبال، ص 604.
2- 522. بحار الانوار، ج 16، ص 118.
3- 523. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام / من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 587 / تهذیب شیخ طوسی، ج 6، ص 25.

چنان که در زیارتی که نزد اسطوانه در قسمت بالا سر پیامبر خوانده می شود چنین آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا فاتِحَ الْبِرِّ»؛(1) «سلام بر تو ای گشاینده خیر و نیکی».

فارقلیط

گفته شده یکی از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در کتاب انجیل، «فارقلیط» است، البته بارقلیط نیز نقل شده است.(2) در چند موضع از کتاب انجیل به فارقلیط بشارت داده شده است؛ از جمله موردی که عیسی علیه السلام می فرماید: من از خدا می خواهم که برای شما فارقلیط دیگری را مبعوث نماید که تا ابد همراه شما باشد و هر چیزی را به شما تعلیم دهد.(3) و در جای دیگر فرموده: من خواهم رفت ولی به زودی فارقلیط برای شما خواهد آمد، کسی که از جانب خود حرف نخواهد زد، او نذیر خواهد بود.(4)

در یکی از زیارات چنین آمده است: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا فارقلیط»؛(5)

فاروق

به معنای کسی که بین حقّ و باطل را فرق می گذارد و جدا می کند و گفته شده است که اسم شریف پیامبر خاتم در زبور به عنوان «فاروق» آمده است.(6)

ص:165

1- 524. بحارالانوار، ج 97، ص 173.
2- 525. بحارالانوار، ج 16، ص 120.
3- 526. بحارالانوار، ج 15، ص 210.
4- 527. بحارالانوار، ج 15، ص 176.
5- 528. بحارالانوار، ج 15، ص 350.
6- 529. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

فاضل

یعنی کسی که دارای فضل و بزرگواری است؛ می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قبل از بعثت بیست خصلت از خصایل انبیا را داشت که هر کدام از آنها به تنهایی دلالت بر عظمت آن بزرگوار دارد؛ چه رسد به کسی که همه آنها را جمع کرده باشد، یکی از آن خصلت ها فاضل است.(1)

فتّاح

یکی از حواریون عیسی بن مریم علیه السلام می گوید که آن حضرت املاء فرمود که:

خداوند مردی را در مکّه مبعوث می کند که اسم او، محمّد و عبد اللَّه و یس و فتّاح و ... می باشد.(2)

فجر

از دیگر اسامی قرآنی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله فجر است، چنان که در آیه شریفه آمده: «وَالْفَجْرِ * وَلَيالٍ عَشْرٍ»؛(3)

«به سپیده دم سوگند * و به شب های دهگانه».(4)

جابر نقل کرد که امام فرمود:

1- 530. بحار الانوار، ج 16، ص 175.
2- 531. بحارالانوار، ج 16، ص 85 / بحارالانوار، ج 36، ص 210.
3- 532. سوره فجر، آیه 1 - 2.
4- 533. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.

«وَ الْفَجْرُ جَدِّی وَ لَیالٍ عَشْرٍ عَشَرَهُ اَئِمَّه وَ الشَّفْعُ اَمِیرُالْمُؤمِنِینَ وَ الْوَتْرُ اِسْمُ الْقائِمِ»؛(1)

«فجر نام جدّمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است و لیال عشر ده نفر از امامان علیهم السلام و شفع امیرالمؤمنین علیه السلام است و وتر نیز نام حضرت قائم علیه السلام».

فخر العالمین

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله موجب فخر و مباهات همه جهانیان و همه مخلوقات عالم است، همه جن و انس و ملک به وجود او مباهات می کنند، و مرحوم علامه مجلسی با این عنوان است که آن حضرت را توصیف و تمجید نموده است.(2)

فَصیح اللّسان

یعنی کسی که خوش زبان و خوش کلام بوده و هر کلامی را به موقع و به جای خود استفاده می کند به گونه ای که شنونده نیز مقصود او را خوب درک کند.این عنوان از اوصافی است که امام حسن مجتبی علیه السلام برای رسول خداصلی الله علیه وآله بیان فرموده است.(3)

می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قبل از بعثت بیست خصلت از خصایل انبیا را داشت که هر کدام از آنها به تنهایی دلالت بر عظمت آن بزرگوار دارد؛

1- 534. مناقب، ج 1، ص 281.
2- 535. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
3- 536. بحار الانوار، ج 16، ص 147.

چه رسد به کسی که همه آنها را جمع کرده باشد، یکی از آن خصلت ها فصیح است.[(1)]

حرف ق

قائد

به معنای پیشوا و رهبر و جلو رونده است و از القاب پیامبر خاتم می باشد و خود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده است:

«اَنَا الْقائِدُ وَ اِبْراهِیمُ السّائِقُ حَتّی اُدْخِلَ اُمَّتِی الْجَنَّهَ»؛(2)

«من جلورونده و قائد هستم و ابراهیم نیز از پشت سر تا این که امّت خود را داخل بهشت می کنم».

یکی از حواریون عیسی بن مریم علیه السلام نقل می کند که آن حضرت به ما املاء فرمود که خداوند مردی را در مکّه مبعوث می کند که اسم او... محمّد، عبد اللّه و یس... و قائد می باشد.(3)

قائد البرکه

به معنای جلودار خیر و برکت است یعنی هرچه برکت از خدا نازل می شود از وجود با برکت اوست لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ الرَّحْمَهِ وَ قائِدَ الْخَیْرِ وَ الْبَرَکَهِ»؛(4)

«سلام بر تو ای پیامبر رحمت، ای پیشوای خیر و برکت».

ص:168

1- 537. بحار الانوار، ج 16، ص 175.
2- 538. بحارالانوار، ج 8، ص 7.
3- 539. بحارالانوار، ج 16، ص 85.
4- 540. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

و در جای دیگر از زبان امام صادق علیه السلام می گوییم:

«... نَبِیُّ الرَّحْمَهِ وَ خازِنُ الْمَغْفِرَهِ وَ قائِدُ الْخَیْرِ وَ الْبَرَکَهِ وَ مُنْقِذُ الْعِباد مِنَ الْهَلَکَهِ بِاِذْنِکَ»؛(1)

«او پیامبر رحمت و خزانه دار مغفرت است، او پیشوای خیر و برکت است او که بندگانت را به اذن تو از هلاکت نجات می دهد».

قائد الخیر

یکی دیگر از اوصاف پیامبر خداست چنان که در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قائِدَ الْخَیْرِ»؛(2) «سلام بر تو ای پیشوای هر خیری».

و در دعا گفته می شود:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ... خاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ قائِدِ الْخَیْرِ وَ مِفْتاحِ الرَّحْمَهِ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد، او که خاتم پیامبران است و پیشوای خیر و کلید رحمت».

قائد الغرّ المُحَجّلین

یعنی پیشوای دست و روسفیدان، از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است.(4)

1- 541. اقبال، ص 606.
2- 542. بحارالانوار، ج 97، ص 173.
3- 543. بحارالانوار، ج 83، ص 104.
4- 544. بحارالانوار، ج 16، ص 103 / مناقب، ج 1، ص 152.

که در سلام به آن حضرت گفته شده:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ»؛(1)

«سلام بر تو ای پیشوا و جلودار دست و روسپیدان».

در قسمت معجزات مربوط به حیوانات، یکی از آنان به پیامبرصلی الله علیه وآله گفت:

«اَنْتَ رَسُولُ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ زَیْنُ الْخَلْقِ یَوْمَ الْقِیامَهِ اَجْمَعِینَ وَ قائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ»؛(2)

و آن حیوان دیگر گفت:

«اَشْهَدُ اَنّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَفِیُّهُ وَ سَیِّدُ الْمُرْسَلِینَ وَ اَفْضَلُ الْخَلْقِ اَجْمَعِینَ وَ خاتَمُ النَّبِیِّینَ وَ قائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ».(3)

قائد المسلمین

یعنی جلودار و امام همه مسلمانان، و او که آورنده دین اسلام است خود جلودار و اولین مسلمان نیز می باشد.

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قائِدَ الْمُسْلِمِینَ»؛(4) «سلام بر تو ای پیشوای مسلمانان».

قائم به قسط

یعنی کسی که برای قسط و عدل قیام می کند که با توجّه به آیه شریفه: «قَآئِماً بِالْقِسْطِ»(5) اقتباس شده و از اوصاف آن حضرت شده است.

1- 545. بحارالانوار، ج 97، ص 173.
2- 546. بحارالانوار، ج 17، ص 415.
3- 547. بحارالانوار، ج 17، ص 420.
4- 548. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
5- 549. سوره آل عمران، آیه 18.

و در زیارت آن حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قائِماً بِالْقِسْطِ»؛(1)

«سلام بر تو ای قیام کننده به قسط و عدل».

قاتل المشرکین

یعنی جهاد کننده و کشنده مشرکان و کافران به اذن خدا، از دیگر القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است.

چنان که در زیارت آن حضرت از نزدیک عرض می کنیم:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَما وَفی بِعَهْدِکَ وَ بَلَّغَ رِسالَتَکَ وَ قاتلَ الْمُشْرِکِینَ عَلی تَوْحِیدِکَ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد و آل آن حضرت، چنان که او به عهد تو وفا نمود و رسالت تو را به انجام رسانید و با مشرکان برای توحید تو قتال کرد».

قاری

به معنای قرائت کننده و خواننده است.

صاحب مناقب با توجّه به آیه شریفه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ»؛(3) «بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید»؛ یکی از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله را قاری برشمرده است.(4)

ص:171

1- 550. بحارالانوار، ج 97، ص 183 / اقبال، ص 604.
2- 551. بحارالانوار، ج 97، ص 178.
3- 552. سوره علق، آیه 1.
4- 553. بحارالانوار، ج 16، ص 102 / مناقب، ج 1، ص 150.

قاضی

به معنای حاکم و قضاوت کننده است که این عنوان را نیز از آیه شریفه «وَما كانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَهٍ إِذَا قَضَی اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْراً أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَهُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَلاً مُّبِيناً»؛(1) هيچ مرد و زن با ايمانى حق ندارد هنگامى كه خدا و پيامبرش امرى را لازم بدانند، اختيارى (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر كس نافرمانى خدا و رسولش را كند، به گمراهى آشكارى گرفتار شده است!» برداشت نموده و به عنوان يكى از اسامى و القاب پيامبر اكرم صلی الله علیه وآله ذکر نموده اند.(2)

آيه ديگر در اين زمينه چنين است:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِى أَنفُسِهِمْ حَرَجاً مِّمّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً»(3)

به پروردگارت سوگند كه آن ها مؤمن نخواهند بود، مگر اين كه در اختلافات خود، تو را به داورى طلبند؛ و سپس از داورى تو، در دل خود احساس ناراحتى نكنند؛ و كاملا تسليم باشند.

قانع

از قناعت مى باشد و به معناى كسى است كه به حداقل امكانات در زندگى اكتفا مى كند. مى گويند: پيامبر اكرم صلی الله علیه وآله قبل از بعثت بيست

1- 554. سوره احزاب، آیه 36.
2- 555. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 556. نساء:65»

خصلت از خصایل انبیا را داشت که هر کدام از آنها به تنهایی دلالت بر عظمت آن بزرگوار دارد؛ چه رسد به کسی که همه آنها را جمع کرده باشد، یکی از آن خصلت ها قانع است.(1)

قَتّال

یکی دیگر از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قتّال است به گونه ای که شمشیرش همیشه بر دوش بود. به این جهت آن حضرت را قتال گفته اند چون حرص شدیدی بر جهاد در راه خدا داشت و شجاعت بی نظیری نیز داشت، لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«کُنّا اِذَا احْمَرَّ الْبَأْسُ اِتَّقَیْنا بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله لَمْ یَکُنْ اَحَدٌ اَقْرَبَ اِلیَ الْعَدُوِّ مِنْهُ»؛(2) «هرگاه آتش جنگ ها بر ما شدید می شد به رسول خدا پناه می بردیم، و او نیز از همه به دشمن نزدیک تر بود».

قدم صدق

گفته شده که از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قدم صدق است.(3)

قُدْوَه الاصفیاء

به معنای پیشوا و نمونه و بزرگ برگزیدگان خداست و از اوصاف پیامبر

1- 557. بحار الانوار، ج 16، ص 175.
2- 558. بحارالانوار، ج 16، ص 116 / نهج البلاغه، ص 520.
3- 559. بحارالانوار، ج 16، ص 130.

خاتم صلی الله علیه وآله می باشد چنان که در زیارت مربوط به آن حضرت آمده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی عَبْدِکَ الْمُنْتَجَبِ وَ نَبِیِّکَ الْمُقَرَّبِ... سَیِّدِ الاَنْبِیاءِ وَ قُدْوَهِ الاَصْفِیاءِ»؛(1) «خدایا درود فرست بر بنده برگزیده ات آن پیامبر مقرب، آن آقای پیامبران که نمونه و برگزیده برگزیدگان است».

قُرَشی

منسوب به قبیله قریش، چراکه بنی هاشم از آن قبیله هستند.

لذا می گوییم:

«النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الْقُرَشِیَّ الْهاشِمِیَّ الْعَرَبِیَّ التِّهامِیَّ الْمَکِّیَّ الْمَدَنِیَّ».(2)

و نیز مناقب و مصباح کفعمی نیز آن را از القاب آن حضرت ذکر کرده اند.(3)

قلیطا

اسم شریف پیامبر آخرالزمان صلی الله علیه وآله در زبور به این نام آمده است چنان که صاحب مناقب نقل کرده است.(4)

قَمر الآخره

یعنی ماه تابان آخرت که از نور آن همه استفاده می کنند.

1- 560. بحارالانوار، ج 97، ص 177.
2- 561. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی / بحارالانوار، ج 95، ص 87.
3- 562. مناقب، ج 1، ص 154 / مصباح، ص 595.
4- 563. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

این عنوان نیز در یکی از سلام های جبرئیل به پیامبر خاتم آمده که داستان آن در عنوان «حامد» بیان شد:

«... اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قَمَرَ الآخِرَهِ».(1)

قَمر الاقمار

به معنای ماه ماهان و ماه تابان، از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است. نقل شده که نام پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله به عنوان «قمر الاقمار» بر روی قمر نوشته شده است.(2)

قوی

به معنای نیرومند است که ظاهراً از آیه شریفه «ذِی قُوَّهٍ عِندَ ذِی الْعَرْشِ مَکِینٍ»؛(3) «یعنی صاحب قدرت است و نزد (خداوند) صاحب عرش، مقام والائی دارد!» به عنوان لقبی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله اقتباس شده است.(4)

قَیِّم

از القابی است که خود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده اند.

جابر بن عبد اللّٰه گوید:

1- 564. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
2- 565. مناقب، ج 1، ص 152 / مصباح کفعمی، ص 731 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 566. سوره تکویر، آیه 20.
4- 567. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.

«قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله:... اَنَا الْقَیِّمُ الْکامِلُ الْجامِعُ...»؛[(1)]

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: من قیم کامل جامع هستم».

قیّم یعنی کسی که برای امور خلق بسیار قیام می کند و جهت ارشاد ایشان زحمت می کشد.

حرف ک

کاشف الغُمّه

به معنای برطرف کننده مشکلات و غم و اندوه است و از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد.

صاحب کتاب الانوار نیز در خطبه کتاب خود می آورد:

«وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ کاشِفُ الْغُمَّهِ وَ شَفِیعُ الاُمَّهِ»؛(2)

«گواهی می دهم که محمّد بنده و رسول خداست او که برطرف کننده مشکلات و شفاعت کننده امّت است».

کافی

کلمه کافی از ریشه کفی و به معنای کفایت و حمایت و حفاظت است؛ یعنی کسی که دیگری را در تحت حمایت و کفایت خود قرار می دهد. این عنوان نیز از القاب و اوصاف پیامبر است؛ چنان که در دعای فرج امام زمان علیه السلام، خطاب به رسول خدا و امیر المؤمنین علیهما السلام عرض می کنیم:

ص:176

1- 568. بحارالانوار، ج 16، ص 93 / خصال، ج 2، ص 425 / معانی الاخبار، ص 50.
2- 569. الانوار، ص 2.

«اِکْفِیانِی فَاِنَّکُما کافِیانِ وَ انْصُرانِی فَاِنَّکُما ناصِرایَ ....»[(1)]

ای محمّد و ای علی! مرا کفایت کنید که شما کفایت کننده من هستید و مرا یاری کنید که شما یاری کننده من هستید.

کتاب اللَّه

به معنای کتاب خداست ولی کنایه از وجود رسول خداصلی الله علیه وآله می باشد؛ یکی کتاب تدوین است و دیگری کتاب مجسّم.

مرحوم طبرسی از ابن عباس روایت کرده که یهودیان، قبیله های اوس و خزرج را در مدینه تهدید می کردند که روزی پیامبر آخرالزمان می آید و ما بر شما پیروز می شویم، امّا وقتی دیدند این پیامبر از عرب است نه از بنی اسرائیل، او را انکار کردند و ایمان نیاوردند.

معاذ بن جبل و بشر بن ابرار به آنان گفتند: ای یهودیان از خدا بترسید و مسلمان شوید شما قبل از این ما را به محمّد بشارت می دادید و ما اهل شرک بودیم، او را برای ما توصیف می کردید که خواهد آمد و مبعوث می شود... . یکی از آن ها جواب داد: منظور ما این نبود.

آن گاه این آیه شریفه نازل شد:

«وَلَمّا جَآءَهُمْ کِتابٌ مِنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ وَکانُوا مِن قَبْلُ یَسْتَفْتِحُونَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا فَلَمّا جَآءَهُم ما عَرَفُوا کَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَی الْکافِرِینَ»؛[(2)]

ص:177

1- 570. مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمّی.
2- 571. سوره بقره، آیه 89.

«و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آن ها آمد که موافق نشانه هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند.) با این همه، هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آن ها آمد، به او کافر شدند؛ لعنت خدا بر کافران باد!»

کریم

پیامبرصلی الله علیه وآله کریم است بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است چون بنده خدای کریم است. و مناقب آن را از آیه شریفه «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ کَرِیمٍ»(1) اقتباس کرده.(2)

لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ... الْکَرِیمَ عِنْدَ الرَّبِّ»؛(3) «سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین و آخرین، ای کسی که نزد پروردگارت کریم و گرامی هستی».

همچنین در دعا و زیارت روز شنبه که مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است گواهی می دهیم:

«هذا یَوْمُ السَّبْتِ وَهُوَ یَوْمُکَ، وَأَنَا فِیهِ ضَیْفُکَ وَجارُکَ، فَأَضِفْنِی وَأَجِرْنِی فَإِنَّکَ کَرِیمٌ تُحِبُّ الضِّیافَةَ»؛(4)

ص:178

1- 572. سوره حاقه، آیه 40.
2- 573. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 574. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 182 / اقبال، ص 604.
4- 575. مفاتیح الجنان، زیارت روز شنبه / بحارالانوار، ج 99، ص 211 / جمال الاسبوع، ص 29.

«امروز روز شنبه است و آن روز شماست، من هم میهمان شما هستم و به شما پناه آوردم پس مرا ضیافت دهید که همانا تو کریم هستی و ضیافت را دوست داری».

حرف ل

لقیطا

در کتاب مناقب و بحار الانوار ذکر شده که لقیطا نام شریف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است در صحف.(1)

لیّن

«فَبِما رَحْمَهٍ مِنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ کُنتَ فَظّاً غَلِیظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ...»؛(2)

«به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند».

با توجّه به این آیه شریفه، یکی از اسامی قرآنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله «لیّن» است.

ماحی

به معنای محو و نابود کننده است و از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد؛ یعنی نابود کننده صورت بت ها و هر معبودی غیر از خداوند، و به معنای

1- 576. بحارالانوار، ج 16، ص 104 / مناقب، ج 1، ص 150.
2- 577. سوره آل عمران، آیه 159.

محو کننده گناهان امّت نیز آمده است.

جابر بن عبد اللَّه می گوید: «قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله: ... وَ جَعَلَ اسْمِی فِی الزَّبُورِ ماحٍ مَحَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِی مِنَ الاَرْضِ عِبادَةَ الاَوْثانِ»؛(1)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: خداوند اسم مرا در زبور «ماحی» قرار داده است چون خداوند به وسیله من عبادت و پرستش بتان را از زمین برخواهد چید».

و در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ماحِیُ.»(2)

ماحِی الطَخْیاء

به معنای محوکننده و از بین برنده تاریکی و ظلمت ها.

یکی دیگر از اوصاف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد چنان که در قسمتی از زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده است:

«اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَیْهِ بِصَلَواتِکَ ... مُجَلِّی الظّلْماءِ وَ ماحِی الطَّخْیاءِ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد، از درودهای خودت... او که روشن کننده تاریکی ها و محو کننده ظلمت هاست».

ماد ماد

بحارالانوار نقل کرده که گفته شده است یکی از نام های پیامبر

1- 578. علل الشرائع، ج 1، ص 127 / بحارالانوار، ج 16، ص 92.
2- 579. بحارالانوار، ج 97، ص 173.
3- 580. بحارالانوار، ج 97، ص 347.

اعظم صلی الله علیه وآله در تورات به عنوان ماد ماد و یا ماذ ماذ؛ به معنی طیّب طیّب آمده است.(1)

مأمور بالاجاره

به معنای کسی که مأمور به کمک و پناه دادن به دیگران است و در هر روز شنبه آن جناب را مورد خطاب قرار می دهیم:

«فَإِنَّکَ کَرِیمٌ تُحِبُّ الضِّیافَهَ وَمَأْمُورٌ بِالْإِجارَهِ»؛(2)

«همانا تو شخص با کرامت و بخشنده هستی، تو ضیافت دیگران را دوست داری و مأمور به پناه دادن به مردم نیز هستی».

مأمون

به معنای امین و مورد اطمینان می باشد و مناقب نقل کرده است که از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مأمون است.(3)

مئید مئید

مرحوم مجلسی نقل کرده که در کتب پیشینیان، نام پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله «مئید مئید» است و به معنای محمّد می باشد.(4)

1- 581. بحارالانوار، ج 16، ص 120.
2- 582. مفاتیح الجنان، زیارت روز شنبه / بحارالانوار، ج 99، ص 211 / جمال الاسبوع، ص 29.
3- 583. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
4- 584. بحار الانوار، ج 16،ص 103.

مئید مئیذ

گفته شده مئیذ مئیذ از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است در کتاب تورات، چنان که در مناقب آمده است و به معنای غفور رحیم؛ یعنی بخشنده و مهربان است.(1)

مبارک

یعنی هر چیز و شخص پرخیر و برکت، از اوصاف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد.

چنان که در یکی از زیارات آن حضرت آمده است:

«... اِنَّکَ الْمُوَفَّقُ الرَّشِیدُ وَ الْمُبارَکُ السَّعِیدُ»؛(2)

«همانا تو توفیق یافته و هدایت یافته الهی هستی، تو شخص پر خیر و برکت و سعادتمند می باشی».

مُبشّر

مبشر به معنای مژده دهنده و بشارت دهنده به خبر خیر و خوشی است و از اسامی قرآنی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد که چند آیه در این مورد آمده است؛ از جمله:

1 - «یأَیُّها النَّبِیُّ إِنَّآ أَرْسَلْنَکَ شاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِیراً»؛(3)

1- 585. مناقب، ج 1، ص 150.
2- 586. بحارالانوار، ج 97، ص 176.
3- 587. سوره احزاب، آیه 45.

«ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذارکننده!»

2 - «وَبِالْحَقِ ّ أَنزَلْناهُ وَبِالْحَقِ ّ نَزَلَ وَما أَرْسَلْناکَ إِلَّا مُبَشِّراً وَنَذِیراً»؛(1)

«و ما قرآن را بحق نازل کردیم؛ و بحق نازل شد؛ و تو را، جز بعنوان بشارت دهنده و بیم دهنده، نفرستادیم!»

3 - «وَما أَرْسَلْناکَ إِلَّا مُبَشِّراً وَنَذِیراً»؛(2)

«(ای پیامبر!) ما تو را جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده نفرستادیم!»

4 - «إِنّا أَرْسَلْناکَ شاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِیراً»؛(3)

«به یقین ما تو را گواه (بر اعمال آن ها) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم».

لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُبَشِّرُ»؛(4) «سلام بر تو ای بشارت دهنده».

مُبَصِّر

به معنای بصیرت دهنده و بیناکننده دیگران می باشد و از اوصاف پیامبر خداست.

لذا در یکی از زیارات عرض می کنیم:

«صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ کَمَا اسْتَنْقَذَنا بِکَ مِنَ الضّلالَهِ وَ بَصَّرَنا بِکَ مِنَ الْعَمی ؛(5)

ص:183

1- 588. سوره اسراء، آیه 105.
2- 589. سوره فرقان، آیه 56.
3- 590. سوره فتح، آیه 8.
4- 591. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183 / اقبال، ص 604.
5- 592. بحارالانوار، ج 97، ص 173.

«درود خدا بر تو باد چنان که به وسیله تو خداوند ما را از گمراهی نجات داد و به سبب تو ما را از کوری بینا فرمود».

مُبطل عِبادهَ الاَوْثان

اوثان جمع وثن به معنای بت است و پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله آمد تا ریشه هرچه بت و بت پرستی و عبادت بت را برکند.

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُبْطِلَ عِبادَهِ الاَوْثانِ»؛(1)

«سلام بر تو ای باطل کننده عبادت بت ها».

مبعوث

مبعوث از کلمه بعث به معنای برانگیختن؛ یعنی او کسی است که از جانب خداوند برانگیخته شده است؛ لذا از اسامی و القاب پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله می باشد.

چنان که در آیه شریفه آمده:

« هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِّنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَالْحِکْمَهَ وَإِن کانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلَلٍ مُّبِینٍ»؛(2)

«او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن ها می خواند و آن ها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند !».

ص:184

1- 593. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
2- 594. سوره جمعه، آیه 2.

و خداوند به جهت عظمت این بعثت بود که بر مسلمانان و مؤمنان منت گذاشت آنجا که فرمود:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ إِذْ بَعَثَ فِیهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنفُسِهِمْ»؛(1)

«خداوند بر مؤمنان منت نهاد [= نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آن ها، پیامبری از خودشان برانگیخت».

مبلّغ

به معنای ابلاغ کننده و رساننده، که بیشتر رساننده پیام و پیغام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بزرگ ترین مبلّغ خداست، او که احکام الهی و وحی قرآنی را به مردم ابلاغ کرد:

«یا أَیُّها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ...»؛(2)

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان».

لذا برای حضرتش دعا می کنیم:

«اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ، وَأَمِینِکَ... وَمُبَلِّغِ رِسالاتِکِ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد بنده و رسول امین تو، او که رسالت های تو را ابلاغ فرمود».

و به خوبی نیز این ابلاغ و تبلیغ را به انجام رسانیده است و همگی

1- 595. سوره آل عمران، آیه 164.
2- 596. سوره مائده، آیه 67.
3- 597. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح / تهذیب، ج 3، ص 110.

شهادت و گواهی می دهیم که: «أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسالَهَ وَ اَدَّیْتَ الاَمانَهَ ...»؛ (1) «گواهی می دهم که تو یقیناً ابلاغ رسالت فرمودی و امانت الهی را ادا نمودی...».

مبین

به معنای آشکار کننده است؛ یعنی کسی که راه هدایت را از راه ضلالت مشخص کرده و هرچه را که امّت نیاز دارند روشن می کند. (2)

این عنوان نیز طبق فرموده قرآن از اسامی پیامبر خاتم است که آیه شریفه می فرماید:«وَقُلْ إِنِّی أَنا النَّذِیرُ الْمُبِینُ»؛ (3)«و بگو: من انذارکننده آشکارم !» (4)

و نیز آیه شریفه: «قُلْ یا أَیُّها النّاسُ إِنَّما أَنا لَکُمْ نَذِیرٌ مُبِینٌ»؛ (5)

«بگو: ای مردم ! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم !».

همچنین در آیات 115 سوره شعراء و 50 سوره عنکبوت و 50 سوره ذاریات و 26 سوره ملک نیز تأکید و تکرار شده است.

متخمنا

گفته شده نام پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله به زبان سریانی به عنوان «متخمنا» آمده است. (6)

1- 598. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله / بحارالانوار، ج 97، ص 173.
2- 599. مجمع البحرین، ج 13، ص 68.
3- 600. سوره حجر، آیه 89.
4- 601. مناقب، ج 1، ص 150.
5- 602. سوره حج، آیه 49.
6- 603. بحار الانوار، ج 16، ص 131.

متَّقی

به معنای پرهیزکار و خداترس و تقواپیشه است و از اوصاف و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است.(1)

و متقی به معنای کامل و اتمّ آن نیز شخص پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله می باشد؛ چرا که آن حضرت بیشترین شناخت را از عظمت و قدرت و احاطه خداوند متعال دارد.

متوکّل

یکی دیگر از اسامی پیامبر خداصلی الله علیه وآله را متوکّل گفته اند و متوکّل کسی است که همه امور خود را به خداوند واگذار می نماید و تمام کارهایش را به کمک خداوند انجام می دهد هرچند آن کار برای خودش عظیم باشد.(2)

و ظاهراً این اسم از آیات شریفه قرآن نیز قابل اقتباس باشد، از جمله آیه شریفه: «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً»؛(3)

«و بر خدا توکّل کن، و همین بس که خداوند حافظ و مدافع (انسان) باشد!».(4)

و همچنین آیات دیگری که پیامبر خودش را به توکل فرمان می دهد؛ مانند سوره احزاب، آیه 48؛ سوره شعراء، آیه 217؛ سوره هود، آیه 123؛ سوره انفال، آیه 61؛ سوره نساء، آیه 81.

1- 604. بحارالانوار، ج 16، ص 130.
2- 605. کشف الغمه، ج 1، ص 10.
3- 606. سوره احزاب، آیه 3.
4- 607. مناقب، ج 1، ص 150.

مُتهَجِّد

به معنای کسی که سحرخیز است یعنی شب را با نماز و دعا به صبح می رساند و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله متهجد بوده یعنی بنابر دستور خداوند متعال نماز شب بر ایشان واجب بوده است.

لذا بنابر آیه شریفه:

«وَمِنَ الَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَکَ عَسَی أَن یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُوداً»؛ (1) «و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!»؛ یکی از اسامی آن حضرت متهجد می باشد. (2)

مجاهد

مجاهد یعنی کسی که در راه خدا تلاش و کوشش می کند لکن این عنوان بیشتر برای جنگ و قتال به کار می رود و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بزرگ ترین مجاهد در راه خداست. با جهاد شبانه روزی آن حضرت و اصحاب بود که اسلام پیروز شد.

آیات متعددی است که پیامبر و مسلمانان را به جهاد دعوت می کند؛ از جمله آیه:

«یا أَیُّها النَّبِیُّ جاهِدِ الْکُفّارَ وَالْمُنافِقِینَ...»؛ (3)

1- 608. سوره اسراء، آیه 79.
2- 609. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 610. سوره توبه، آیه 73.

«ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن...».

و نیز آیه 9 سوره تحریم به آن تصریح دارد.

به همین جهت یکی از اسامی پیامبر خداصلی الله علیه وآله مجاهد است. (1)

و در حدیث شریف قدسی که خداوند با عیسی بن مریم گفت و گو می کرد اوصاف پیامبر آخرالزمان صلی الله علیه وآله را چنین بیان فرموده است:

«اَلْمُجاهِدُ الْمُشْرِكِینَ بِیَدِهِ عَنْ دِینِی...»؛ (2)

«آن که با مشرکان در جهت تبلیغ دین من جهاد می کند».

مجتبی

به معنای کسی که گزینش و انتخاب شده است، از دیگر اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است یعنی او گزینش شده همه خلایق و همه مردم بلکه همه انبیاست.

صاحب مناقب نیز مجتبی را از این آیه شریفه اقتباس نموده است: «... وَلٰكِنَّ اللَّهَ یَجْتَبِی مِن رُسُلِهِ مَن یَشَآءُ فَامِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِیمٌ»؛ (3)

«... ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد برمی گزیند؛ (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می گذارد.) پس (اکنون که این جهان، بوته آزمایش پاک و ناپاک است،) به

1- 611. مناقب، ج 1، ص 150.
2- 612. کافی، ج 8، ص 138.
3- 613. سوره آل عمران، آیه 179.

خدا و رسولان او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای شماست». (1)

لذا در زیارت ابراهیم فرزند آن حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ النَّبِیِّ الْمُجْتَبی ؛ (2)

«سلام بر تو ای پسر پیامبر برگزیده».

و نیز در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ الْمُصْطَفی وَ حَبِیبِکَ الْمُجْتَبی ؛ (3)

«خدایا درود فرست بر محمّد بنده ات مصطفی، او که دوست گزینش شده توست».

مُجَلِّی الاسرار

یعنی کسی که رازها و اسرار آفرینش و حکمت های الهی را برای مردم بیان فرمود.

مجلی الاسرار از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است چنان که مرحوم مجلسی در کتاب خود این گونه آن حضرت را توصیف فرموده:

«وَ بِظُهُورِهِ تَجَلَّتِ الاَسْرارُ عَنْ جَلابِیبِ الاَسْتارِ»؛ (4)

«با ظهور و بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله اسرار آفرینش از پشت پرده ها برای مردم آشکار شد».

1- 614. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 615. مفاتیح الجنان، زیارت ابراهیم / بحارالانوار، ج 97، ص 217.
3- 616. بحارالانوار، ج 97، ص 178.
4- 617. بحارالانوار، ج 15، ص 1.

مُجَلِّی الظّلْماء

ظلما به معنای شبی که بسیار تاریک است و گاه به روز هم ظلماء گفته می شود و مجلی الظلماء یعنی کسی که تاریکی های شدید و ظلمت ها را به روشنایی تبدیل می کند.(1)

در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به پیامبرصلی الله علیه وآله عرض می کنیم:

«اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ... الْعالِمُ مُقِیمُ الدَّعائِمِ وَ مُجَلَّی الظَّلْماءَ»؛(2)

«به تحقیق که محمّد بنده و رسول توست، او که عالم است و برپاکننده ستون و پایه های خیمه دین اسلام است و ظلمات و تاریکی ها را می زداید».

محَدِّث

محدِّث به معنای کسی که حدیث زیاد می گوید، و این بنابر آیه شریفه زیر که فرمان می دهد: «وَأَمّا بِنِعْمَهِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ»؛(3) «و نعمت های پروردگارت را بازگو کن!»؛ از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است.(4)

محرّم الخَبائث

از دیگر اسامی و القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله محرم الخبائث است.(5)

یعنی کسی که امور خبیثه را حرام نموده است و خبیث یعنی هر آنچه را که طبع انسان از آن بی زار و منزجر است.

1- 618. مجمع البحرین، ج 12، ص 378.
2- 619. بحارالانوار، ج 97، ص 347.
3- 620. سوره ضحی، آیه 11.
4- 621. بحارالانوار، ج 16، ص 101 / مناقب، ج 1، ص 150.

5- 622. مصباح المجتهد، ص 444 / مناقب، ج 1، ص 152 / بلد الامين، ص 106.

و این نیز از اسامی قرآنی پیامبر است چنان که در آیه شریفه به آن اشاره شده است.

«الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِندَهُمْ فِی التَّوْرَیاهِ وَالْإِنجِیلِ یَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَیاهُمْ عَنِ الْمُنکَرِ وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَاتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَائِثَ وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلَالَ الَّتِی کانَتْ عَلَیْهِمْ فالَّذِینَ آمَنُوابِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛(1)

«همان ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آن ها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آن ها حلال می شمرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آن ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاری اش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند».

محرّم المیته

یعنی کسی که مردار و حیوان مرده را حرام نموده است.

صاحب مناقب و دیگران این عنوان را از اسامی و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شمرده اند.(2)

1- 623. سوره اعراف، آیه 157.
2- 624. مناقب، ج 1، ص 154 / بحارالانوار، ج 16، ص 106.

محلّل الطَّیِّبات

طیّب به معنای پاک و طاهر، و هر آنچه را که موافق طبع انسان است و گوارای او می باشد یعنی برخلاف معنای خبیث می باشد.(1)

و محلل الطیبات یعنی کسی که طیبات را بر انسان حلال نموده لذا آن را از اسامی و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دانسته اند.(2)

و ظاهراً از این آیه شریفه اقتباس شده است:

«الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِندَهُمْ فِی التَّوْرَیاهِ وَالْإِنجِیلِ یَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَیاهُمْ عَنِ الْمُنکَرِ وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَاتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَائِثَ...»؛(3)

«همان ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آن ها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آن ها حلال می شمرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند؛...».

محمّد امین

یعنی محمّد امانت دار، کسی که در امانت خیانت نمی کند، این لقبی است که قریش و عرب قبل از بعثت آن را برای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله برگزیده بودند و بین آن ها مشهور بود،(4) چون در مدت 40 سال زندگی و مراوده با

1- 625. مجمع البحرین، ج 1، ص 563.
2- 626. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 627. سوره اعراف، آیه 157.
4- 628. بحار الانوار، ج 16، ص 114.

آن حضرت، ایشان را به صداقت و امانت می شناختند، حتی آن گاه که از مکّه به مدینه هجرت کرد بسیاری از اموال و امانت های مردم مکّه و غیر مسلمانان نزد آن حضرت بود که به امام علی علیه السلام سپرد تا آن ها را به صاحبانش برگرداند.

با این حال وقتی که پیامبر اکرم و محمّد امین صلی الله علیه وآله مبعوث به رسالت شد و مأمور شد که مردم را به راه راست هدایت فرماید؛ چون با مطامع مادی و دنیوی برخی سازگار نبود نپذیرفتند.

محمول الافلاک

به معنای آن که بر افلاک و آسمان ها سوار شد و او را پذیرفتند.

از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است چنان که مرحوم علامه مجلسی در مقدمه کتاب خود به این عنوان آن جناب را توصیف نموده است.(1)

محیاثا

گفته شده است که اسم پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در کتاب زبور داوود به عنوان محیاثا آمده است.(2)

مختار

به معنای کسی که اختیار و انتخاب شده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

1- 629. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
2- 630. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

گزینش شده همه خلایق و انبیا می باشد و این نام نزد اهل مصر برای آن حضرت معروف است.(1)

چنان که در زیارات متعدد به این عنوان اشاره شده است؛ از جمله:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ اَمِینِکَ وَ صَفِیِّکَ وَ حَبِیبِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد که بنده و رسول و امین توست هم او که برگزیده و دوست تو می باشد و کسی که او را از بین خلق انتخاب نموده ای».

و در عبارت دیگری عنوان: رسولک المختار آمده است.

مخْتَلَف الرُّوح الامین

یعنی محل رفت و آمد روح الامین، کسی که روح الامین یعنی فرشته مقرب خدا زیاد نزد او رفت و آمد کند.

چنان که در قسمتی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به پیامبرصلی الله علیه وآله گفته می شود:

«اَلسَّلامُ مِنَ اللَّهِ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ... وَ مُخْتَلَفِ الرُّوحِ الاَمِینِ»؛(3)

«از جانب خداوند بر محمّد پیامبر سلام باد، بر او که محل رفت و آمد روح الامین است».

1- 631. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 632. تهذیب، ج 3، ص 110.
3- 633. بحارالانوار، ج 97، ص 298.

مخدوم الاملاک

به معنای کسی است که همه در خدمت اویند، از زمین و زمان گرفته تا آسمان، از اوصاف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله گفته شده.

چنان که صاحب بحارالانوار با این عنوان پیامبر اکرم را توصیف و تجلیل نموده است.(1)

مدّثر

مدّثر اسمی است که خداوند در قرآن کریم آن را برای پیامبرش به کار برده است که می فرماید:

«یا أَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ»؛(2)

«ای جامه خواب به خود پیچیده (و در بستر آرمیده) !»(3)

مدّثر از دثر و دثار گرفته شده که اصل آن متدثّر است و به معنای پوششی است که روی لباس پوشیده می شود.(4)

مدفون بالمدینه

یعنی آن بزرگواری که در شهر مدینه منوره دفن شده است و در زیارات مختلف با این عنوان به آن حضرت سلام می دهیم.

خیلی عجیب است که هنگام ورود به حرم امیرالمؤمنین علیه السلام می گوییم:

ص:196

1- 634. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
2- 635. سوره مدثر، آیه 1.
3- 636. مناقب، ج 1، ص 150.
4- 637. مجمع البحرین، ج 3، ص 299.

«اَلسَّلامُ عَلی صاحِبِ السَّکِینَهِ، اَلسَّلامُ عَلَی الْمَدْفُونِ بِالْمَدِینَهِ»؛(1)

«سلام بر آن آقایی که دارای سکینه و وقار است و سلام بر آن مولایی که در مدینه منوره دفن است».

و عجیب چرا؟ که خداوند متعال «علی» را در آیه مباهله به عنوان نفس پیامبر قرار داده است.

مدنیّ

منسوب به شهر مدینه، چون آن حضرت اگرچه در شهر مکّه به دنیا آمدند امّا پس از 53 سال زندگی در آن شهر، به مدینه هجرت فرمودند و مرقد شریف ایشان نیز در این شهر قرار گرفت.

لذا در تعریف و تمجید و معرفی آن حضرت گفته می شود:

«... النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الْقُرَشِیَّ الْهاشِمِیَّ الْعَرَبِیَّ التِّهامِیَّ الْمَکِّیَّ الْمَدَنِیَّ»(2)

مذَکِّر

به معنای تذکّر دهنده، یادآوری کننده و نیز پند و اندرز دهنده است و طبق آیه شریفه: «فَذَکِّرْ إِنَّما أَنتَ مُذَکِّرٌ»؛(3)«پس تذکّر ده که تو فقط تذکّر دهنده ای !»

از اسامی پیامبراکرم می باشد چنان که صاحب مناقب نیز ذکر کرده است.(4)

1- 638. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام / بحارالانوار، ج 97، ص 283.
2- 639. بحارالانوار، ج 95، ص 87 / مناقب، ج 1، ص 154 / مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی / مصباح المتهجد، ص 590.
3- 640. سوره غاشیه، آیه 21.
4- 641. مناقب، ج 1، ص 150.

همچنین در آیه شریفه دیگر می فرماید:

«وَذَکِّرْ فَإِنَّ الذِّکْرَی تَنفَعُ الْمُؤْمِنِینَ»؛(1)

«و پیوسته تذکّر ده؛ زیرا تذکّر مؤمنان را سود می بخشد.»

و نیز آیات 45 سوره ق و 29 سوره طور و 9 سوره اعلی به این عنوان اشاره دارند.

مُذِلّ

به معنای خوارکننده و ذلیل کننده است. خوارکننده کسانی که بدون علت و با زور و قدرت خود را بر دیگران تحمیل کرده اند. و خداوند توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چنین اشخاصی را از سر جایشان نشاند چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «اَذِلَّ بِهِ الْعِزَّةَ».(2)

مرتضی

به معنای پسندیده و مورد رضایت خداوند متعال است و از اوصاف و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است.(3)

در آیه شریفه دارد:

«إِلَّا مَنِ ارْتَضَی مِن رَسُولٍ...»؛(4) «مگر رسولانی که آنان را برگزیده...».

و مناقب نیز نقل کرده است که اسم شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در آسمان دوم به مرتضی معروف است.(5)

1- 642. سوره ذاریات، آیه 55.
2- 643. نهج البلاغه.
3- 644. بحارالانوار، ج 16، ص 103.
4- 645. سوره جن، آیه 27.
5- 646. مناقب، ج 1، ص 150.

مُرسَل

مرسَل از کلمه رسول گرفته شده و به معنای «فرستاده شده» می باشد چنان که آیه شریفه به آن تصریح دارد:

«... وَإِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ»؛(1) «... و تو از رسولان (ما) هستی.»

و صاحب مناقب نیز از آن اقتباس نموده است.(2)

لذا در زیارت آن حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّها النَّبِیُّ الْمُرْسَلُ»؛(3)

«سلام بر تو ای پیامبری که از جانب خدا فرستاده شدی».

خود آن حضرت نیز فرموده است:

«اَنَا النَّبِیُّ الْمُرْسَلُ اِلَی الْعِبادِ کافَّةً اَدْعُوهُمْ اِلَی الاسْلامِ»؛(4)

«من پیامبر فرستاده شده از جانب خدا برای تمام بندگان هستم تا آنان را به اسلام دعوت نمایم».

مرشد

مرشد به معنای ارشاد کننده و راهنمایی کننده به خیر است و از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد چنان که در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«... وَ اَقامَ حُجَجَکَ وَ هَدی اِلی طاعَتِکَ وَ اَرْشَدَ اِلی مَرْضاتِکَ»؛(5)

1- 647. سوره بقره، آیه 252.
2- 648. مناقب، ج 1، ص 150.
3- 649. مفاتیح الجنان، زیارت حجج طاهره روز جمعه/وسائل الشیعه، ج 14، ص 579/مصباح، ص 288.
4- 650. کنز الفوائد، ج 1، ص 209.

5- 651. بحارالانوار، ج 97، ص 162.

«... براهین و حجّت های تو را اقامه کرد، مردم را به طاعت تو هدایت نمود و نیز به سوی کارهای مورد رضایت تو راهنمایی فرمود».

مرفوع الذِّکْر

یعنی کسی که ذکر و نامش در آسمان و زمین بالا و رفیع است و اسم او بر سر زبان هاست؛ در هر صبح و ظهر و شام نام مقدّس او بر مأذنه ها در اذان گفته می شود و نماز بی نام او مقبول نمی شود.

مرفوع الذکر را از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته اند؛(1) چنان که از آیه شریفه به دست می آید:

«وَرَفَعْنا لَکَ ذِکْرَکَ»؛(2) «و آوازه تو را بلند ساختیم!»

مرقوفا

گفته شده یکی از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در کتاب تورات، مرقوفا می باشد و به معنای محمود است؛ چنان که مناقب نقل نموده است.(3)

مُزَکِّی

به معنای پاک و تطهیر کننده، که خود نیز از هر نوع آلودگی اخلاقی و رذایل است و از اوصاف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد و صاحب مناقب می گوید:

ص:200

1- 652. بحارالانوار، ج 16، ص 102.
2- 653. سوره شرح، آیه 4.
3- 654. مناقب، ج 1، ص 150.

در آسمان سوم اسم شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به نام «المزکّی» آمده است.(1)

این اسم شریف نیز از آیه مبارکه زیر قابل اقتباس است؛ چنان که خداوند می فرماید: «وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَالْحِکْمَةَ وَإِن کانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلالٍ مُبِینٍ»؛(2)

«و آن ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند».

مزَمِّل

از اسامی دیگری که قرآن کریم به پیامبرش خطاب فرموده المزمّل است:

«یا أَیُّهَا الْمُزَّمِّلُ»؛(3) «ای جامه به خود پیچیده !»

بیضاوی گوید: اصل مزمّل، متزمّل بوده، یعنی کسی که لباسش را به خود پیچیده و در این مورد چند وجه ذکر کرده:

1 - به جهت عظمت وحی که تازه قرآن نازل شده بود پیامبر خود را چنین کرد.

2 - گفته شده با بقیه همان رختخوابی که داشتند نماز می خواندند.

3 - شاید به خاطر تشبیه باشد.

4 - به جهت سنگینی و تحمل نبوّت است که به ایشان مزمل گفته شد.(4)

1- 655. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 656. سوره آل عمران، آیه 164.
3- 657. سوره مزمل، آیه 1.
4- 658. بحارالانوار، ج 16، ص 84.

مسَبِّح

مسبّح از سبّح و تسبیح مشتق شده یعنی کسی که زیاد تسبیح خدا می کند صاحب مناقب آن را از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دانسته با توجّه به آیه شریفه:

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَکُن مِنَ السَّاجِدِینَ»؛(1)

«(برای دفع ناراحتی آنان) پروردگارت را تسبیح و حمد گو! و از سجده کنندگان باش !»(2)

و نیز آیات دیگر قرآن کریم از جمله: آیه 1 سوره اعلی و 48 سوره طور و 39 سوره ق و 55 سوره غافر و 58 سوره فرقان و 130 سوره طه و 41 سوره آل عمران.

مُستَغفِر

یعنی کسی که از خداوند طلب مغفرت می کند و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هم برای خودش و هم برای امّت خودش از خداوند درخواست مغفرت می نماید.

«... وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِکَ وَلِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَاللَّهُ یَعْلَمُ مُتَقَلَّبَکُمْ وَمَثْوَیاکُمْ»؛(3)

«... و برای گناه خود و مردان و زنان باایمان استغفار کن! و خداوند محل حرکت و قرارگاه شما را می داند!»

1- 659. سوره حجر، آیه 98.
2- 660. بحارالانوار، ج 16، ص 102 / مناقب، ج 1، ص 150.
3- 661. سوره محمّد، آیه 19.

که اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای کسی از خداوند طلب آمرزش و مغفرت کند حتماً اجابت خواهد شد چون آیه تصریح دارد:

«وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً»؛(1)

«و پیامبر هم برای آن ها استغفار می کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند».

صاحب مناقب و بحارالانوار ذکر کرده اند که از اسامی پیامبر خداصلی الله علیه وآله مستغفر است.(2)

مستقیم

به معنای کسی که در راه خود با استقامت و صبور است و به راه خود ادامه می دهد.

خداوند در آیه شریفه به پیامبرش فرمان می دهد:

«فاسْتَقِمْ کَما أُمِرْتَ...»؛(3)

«پس همان گونه که فرمان یافته ای، استقامت کن...».

و او حتماً فرمان الهی را امتثال نموده است. به همین جهت صاحب مناقب فرموده یکی از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مستقیم می باشد.(4)

ص:203

1- 662. سوره نساء، آیه 64.
2- 663. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
3- 664. سوره هود، آیه 112 و سوره شوری آیه 15.
4- 665. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.

مَسْجود الارض

یعنی کسی که زمین بر او سجده نموده است.

مرحوم علامه مجلسی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را این گونه توصیف فرموده:

«وَ سَجَدَتِ الاَرَضُونَ لِمَوْطِی ءِ قَدَمِهِ»؛(1)

«سرزمین ها محل قدم پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله را سجده می کنند».

مسلمان

یعنی کسی که به دین اسلام که تنها دین مرضی خداوند است گرویده باشد و آن حضرت که خود واسطه و آورنده این دین است اولین مؤمن به آن هم می باشد.

«إِنَّما أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هذِهِ الْبَلْدَهِ الَّذِی حَرَّمَها وَلَهُ کُلُّ شَیْ ءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ مِنَ الْمُسْلِمِینَ وَأَنْ أَتْلُوَا الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَی فَإِنَّمَا یَهْتَدِی لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّما أَنَا مِنَ الْمُنذِرِینَ»؛(2)

«(بگو:) من مأمورم پروردگار این شهر (مقدّس مکّه) را عبادت کنم، همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده؛ در حالی که همه چیز از آن اوست! و من مأمورم که از مسلمین باشم؛ و این که قرآن را تلاوت کنم! هر کس هدایت شود بسود خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد (زیانش متوجّه خود اوست؛) بگو: «من فقط از انذارکنندگانم!»

1- 666. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
2- 667. سوره نمل: آیه 91 و 92.

مُشَفّح

اسم پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به سریانی مشفّح است که به عربی می شود محمّد. بنابر این شفح به معنای حمد است و مشفح نیز به معنای محمّد می باشد.(1)

مشهور الذِّکْر

یعنی کسی که عطر نام و یادش در همه جا پراکنده شده و شناخته شده عالم و آدم است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که اوّل شخصیت عالم وجود است برای تمام موجودات شناخته شده است لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صِفْوَهَ الاَنْبِیاءِ وَ عَلَمَ الاَتْقِیاءِ وَ مَشْهُورَ الذِّکْرِ فِی الاَرْضِ وَ السَّماءِ»(2)

«سلام بر تو ای گزینش شده پیامبران، و ای پرچم دار پرهیزکاران، و ای کسی که نامش در آسمان و زمین مشهور است».

مصباح

به معنای چراغ و شعله روشنی دهنده و پرنور است.

صاحب مناقب با توجّه به آیه شریفه:

ص:205

1- 668. بحارالانوار، ج 15، ص 211.
2- 669. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

«... الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍ ...»؛(1) «... آن چراغ در حبابی قرار گیرد ...».

فرموده یکی از اسامی پیامبرصلی الله علیه وآله مصباح می باشد.(2) لذا در یکی از جریانات مربوط به آن جناب در هنگامی که نزد حلیمه سعدیه نگهداری می شد چنین آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مِصْباحَ الدِّینِ»؛(3) «سلام بر تو ای چراغ راه دین».

مصدَّق

به معنای تصدیق شده و تأیید شده می باشد و پیامبرصلی الله علیه وآله صادق مصدَّق است یعنی هم راستگو است و هم صدق و راستی او را تأیید کرده اند.

پس از نزول آیه شریفه «وَأَنذِرْ عَشِیرَتَکَ الْأَقْرَبِینَ»(4) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله ضیافتی ترتیب داد تا اقوام و اقربای خود را به دین اسلام دعوت کند، شب اوّل اراذل و اوباش جلسه را به هم زدند. شب دوم نیز ابولهب خواست چنین کند که حضرت ابوطالب آنان را ساکت کرد و گفت بنشینید، بعد رو کرد به پیامبرصلی الله علیه وآله و گفت: «قُمْ یا سَیِّدِی فَتَکَلَّمْ بِما تُحِبُّ وَ بَلِّغْ رِسالَهَ رَبِّکَ فَاِنَّکَ الصّادِقُ الْمُصَدَّقُ ...»؛(5)

«ای آقای من برخیز و هرچه می خواهی بفرما و رسالت پروردگارت را

1- 670. سوره نور، آیه 35.
2- 671. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 672. الفضائل، ص 33 / بحارالانوار، 15، ص 350.
4- 673. سوره شعرا، آیه 214.
5- 674. بحارالانوار، ج 35، ص 145.

ابلاغ نما که همانا تو صادق و مصدّق هستی».

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در چند مورد فرموده اند:

«لَقَدْ نَبَّأَنِیَ الصّادِقُ الْمُصَدَّقُ ...»؛(1)

«که پیامبر صادق مصدق چنین و چنان به من خبر داد...».

مصدِّق

به معنای تصدیق کننده و تأیید کننده است که با توجّه به آیه شریفه قرآن یکی از اسامی پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله است.

آنجا که خداوند متعال به اهل کتاب می فرماید:

«.. مُصَدِّقاً لِما مَعَکُم...»؛(2)

«... و هماهنگ با نشانه هایی است که با شماست...».

و صاحب مناقب آن را از اسامی و القاب پیامبر دانسته است.(3)

و در قسمتی از زیارت آمده است:

«وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما صَدَّقَ بِوَعْدِکَ».(4)

مصدِّق المرسلین

یعنی تصدیق کننده پیامبران الهی قبل از خود، از اوصاف پیامبر

1- 675. بحارالانوار، ج 54، ص 341 / بحارالانوار، ج 58، ص 170.
2- 676. سوره نساء، آیه 47.
3- 677. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
4- 678. مفاتیح الجنان، صلوات بر پیامبر.

اکرم صلی الله علیه وآله است چنان که در زیارت نامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می گوییم:

«اَشْهَدُ اَنَّهُ رَسُولُکَ خاتَمُ النَّبِیِّینَ جاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلِینَ»؛(1)

«گواهی می دهم که او (محمّد) رسول تو و آخرین پیامبران است سخن حقّ و از جانب حقّ آمده و رسولان گذشته را نیز تصدیق نموده است».

مصطفی

از اسامی و القاب معروفه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است و به معنای برگزیده می باشد.

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ الْمُصْطَفی وَ حَبِیبِکَ الْمُجْتَبی؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد، بنده و دوست برگزیده ات».

مصلح

به معنای اصلاح گر می باشد و از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است؛ زیرا آن حضرت آمد تا همه زندگانی انسان و تمام قوانین و آداب و رسوم اجتماعی را اصلاح نماید.(3)

1- 679. بحارالانوار، ج 97، ص 347.
2- 680. بحارالانوار، ج 97، ص 178.
3- 681. بحارالانوار، ج 16، ص 130.

مصلِّی

مصلّی اسم فاعل از کلمه صلوه به معنای نمازگزار است، و او اوّل نمازگزار می باشد، لذا با توجّه به آیه شریفه:

«فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ»؛ (1)

«پس برای پروردگارت نماز بخوان وقربانی کن !»

که خداوند آن حضرت را امر به صلوه و نماز فرموده و آن جناب نیز امر الهی را امتثال فرموده است نام مبارکش مصلّی است. چنان که صاحب مناقب و دیگران اشاره کرده اند. (2)

مُطاع

به معنای کسی که اطاعت می شود یعنی هر امر و فرمانی که صادر نماید دیگران گوش به فرمان هستند و امتثال می کنند.

در تفسیر آیه شریفه «مُطاعٍ ثَمَّ أَمِینٍ»؛ (3) «در آسمان ها مورد اطاعت (فرشتگان) و امین است !» امام صادق علیه السلام فرمودند:

«یَعْنِی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وآله هُوَ الْمُطاعُ عِنْدَ رَبِّهِ، الاَمِینُ یَوْمَ الْقِیامَهِ...»؛ (4)

«منظور از مطاع، رسول خداست که نزد خداوند امین است روز قیامت».

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ... وَالْمُطاعَ فِی

1- 682. سوره کوثر، آیه 2.
2- 683. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 102.
3- 684. سوره تکویر، آیه 21.
4- 685. تفسیر قمی، ج 2، ص 409.

مَلَکُوتِهِ»؛(1) «سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین و آخرین... ای که در ملکوت آسمان ها همه فرمانبر تو هستند».

مطّلبی

منسوب به مطلب و عبد المطلب که جدّ بزرگوار آن حضرت می باشد و چندین سال سر پرستی پیامبر را بر عهده داشت.(2)

مطهَّر

به معنای طاهر و پاک شده است؛ یعنی کسی که خدا او را از هر گونه آلودگی پاک نموده است. این عنوان از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد که از این آیه شریفه استفاده می شود:«إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً»؛(3)

«خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

مطهِّر

«وَثِیابَکَ فَطَهِّرْ»؛(4) «و لباست را پاک کن.»

طهارت از نجاسات یکی از واجبات نماز است که در غیر آن نیز مطلوب

1- 686. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183.
2- 687. بحار الانوار، ج 16، ص 107.
3- 688. سوره احزاب، آیه 33.
4- 689. سوره مدثر: آیه 4.

می باشد و طهارت آن نیز به شستن و حفاظت از نجاست است. این از طهارت ظاهری؛ امّا طهارت باطنی، مراد طهارت از اخلاق و افعال مذموم است.(1)

مُظْهِرِ الاسلام

به معنای اظهار کننده و اعلان کننده اسلام است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به دستور خداوند برای دعوت همه جهانیان به دین خالص الهی که همان اسلام است مبعوث شده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُظْهِرَ الاِسْلامِ»؛(2) «سلام بر تو ای اظهار کننده اسلام».

معدن التَّنزیل

به معنای جایگاه نزول وحی و قرآن از جانب خداوند متعال است. چنان که در یکی از زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ مِنَ اللَّهِ عَلی مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، أَمِینِ اللَّهِ عَلی وَحْیِهِ وَرِسالاتِهِ وَعَزآئِمِ أَمْرِهِ، وَمَعْدِنِ الْوَحْیِ وَالتَّنْزِیلِ»؛(3)

«از جانب خدا بر محمّد رسول خدا سلام باد، او که امین خدا بر وحی الهی است و هم او که معدن وحی و قرآن است».

و در زیارت دیگر آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَعْدِنَ الْوَحْیِ وَالتَّنْزِیلِ»؛(4)

«سلام بر تو ای معدن وحی و تنزیل».

1- 690. بحار الانوار، ج 16، ص 213.
2- 691. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
3- 692. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام / بحارالانوار، ج 97، ص 283.
4- 693. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183.

معدن الحیاء

عنوان معدن الحیاء نیز از توصیفاتی است که علامه مجلسی در حقّ پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به کار برده است.(1)

معدن الرّساله

به معنای محل و جایگاه رسالت الهی است و از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده چنان که در قسمتی از زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ مِنَ اللَّهِ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ ... وَ مَعْدِنِ الْوَحْیِ وَ الرِّسالَهِ وَ التَّنْزِیلِ»؛(2) «از جانب خدا بر محمّد پیامبر خدا سلام باد، او که معدن وحی و رسالت و قرآن است».

معدن الوحی

به معنای جایگاه وحی الهی است و در توصیف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به کار رفته است چنان که در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

«اَلسَّلامُ مِنَ اللَّهِ عَلی مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، أَمِینِ اللَّهِ عَلی وَحْیِهِ... وَمَعْدِنِ الْوَحْیِ وَالتَّنْزِیلِ»؛(3)

«از جانب خداوند بر محمّد که امین خداست سلام باد او که معدن وحی و قرآن است».

1- 694. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
2- 695. بحارالانوار، ج 97، ص 298.
3- 696. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام / من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 587.

مُعِزّ

به معنای عزیز کننده و عزت دهنده است و خداوند توسط آن حضرت مردمان خوار و ذلیل شده و مستضعف را عزت بخشید چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«اَعِزَّ بِهِ الذِّلَّه».(1)

معصوم

در لغت به معنای محفوظ و مصون و در امان است، البته در مورد اهل بیت عصمت و طهارت و انبیاءعلیهم السلام اصطلاح شده در این که آنان از هر گونه عیب و نقص و آلودگی و گناه و خطا مصون و محفوظ هستند، که این عصمت و طهارت، مقداری اکتسابی و مقداری هم از جانب خداوند متعال است آنجا که فرمود:

«إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؛(2)

«خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

صاحب مناقب با توجّه به آیه شریفه «وَاللَّهُ يَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ»؛(3) «خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد» فرموده یکی از اسامی پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله «معصوم» می باشد.(4)

ص:213

1- 697. نهج البلاغه.
2- 698. سوره احزاب، آیه 33.
3- 699. سوره مائده، آیه 67.
4- 700. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 104.

مُعَظّم

به معنای شخص باعظمت و کسی که او را عظمت داده و تعظیم نمایند. از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده، چنان که در زیارت ایشان آمده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی عَبْدِکَ الْمُنْتَجَبِ... وَ شاهِدِکَ الْمُعَظَّمِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد بنده برگزیده ات او که گواه و شاهد با عظمت توست».

مَعفُوّ

به معنای عفو شده و آمرزیده و مورد بخشش قرار گرفته است.

صاحب مناقب فرموده یکی از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله معفو است و به این آیه شریفه استناد کرده است:

«عَفا اللَّهُ عَنکَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْکاذِبِینَ»؛(2)

«خداوند تو را بخشید؛ چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغگویان را بشناسی، به آن ها اجازه دادی؟! (خوب بود صبر می کردی، تا هر دو گروه خود را نشان دهند!)»(3)

معلّم

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بزرگ ترین معلم خدا برای بشر است تا کتاب و احکام

1- 701. بحارالانوار، ج 97، ص 177.
2- 702. سوره توبه، آیه 43.
3- 703. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.

الهی را به آنان تعلیم دهد چنان که در آیه شریفه آمده است:

«هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَالْحِکْمَةَ وَإِن کانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلالٍ مُبِینٍ»؛(1)

«او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن ها می خواند و آن ها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!»

لذا از مقدّس ترین القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله «معلّم» است.

مُعْلِن

به معنای اعلان کننده و آشکار کننده است و از القاب پیامبر گفته شده چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام آن جناب را در نهج البلاغه چنین توصیف می فرماید:

«اَللّهُمَّ اجْعَلْ شَرائِفَ صَلَواتِکَ وَ نَوامِی بَرَکاتِکَ عَلی مُحَمَّدٍ ... وَ الْمُعْلِنِ الْحَقِّ بِالْحَقِّ»؛(2)

«خدایا شریف ترین درودها و فراوان ترین برکاتت را بر محمّد قرار بده او که خدا و دین حقّ را با سخن حقّ اعلان و ابلاغ فرمود».

مغفور

اسم مفعول از غفران به معنای بخشیده شده و آمرزیده است.

1- 704. سوره جمعه، آیه 2.
2- 705. نهج البلاغه / بحارالانوار، ج 16، ص 378.

صاحب مناقب یکی دیگر از اسامی پیامبر خاتم صلی اللهِ علیه وآله را مغفور می داند و به این آیه استناد می کند: «لِیَغْفِرَ لَکَ اللَّهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِکَ وَما تَأَخَّرَ وَیُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ وَیَهْدِیَکَ صِرَاطاً مُسْتَقِیماً»؛(1) «تا خداوند گناهان گذشته و آینده ای را که به تو نسبت می دادند ببخشد (و حقّانیت تو را ثابت نموده) و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایتت فرماید».(2)

مفتاح البَرکه

به معنای کلید برکت است یعنی اگر کسی می خواهد به خیر و برکت برسد باید به آن حضرت متمسک شود. لذا یکی از القاب آن جناب مفتاح البرکه شده است چنان که در این قسمت دعا آمده است:

«اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ اَمِینِکَ عَلی وَحْیِکَ وَنَجِیبِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ صَفِیِّکَ مِنْ عِبادِکَ اِمامِ الرَّحْمَهِ وَ قائِدِ الْخَیْرِ وَ مِفْتاحِ الْبَرَکَهِ»؛(3)

«خدایا درود فرست بر محمّد که امین بر وحی تو است او که نجیب و شریف ترین خلق تو و برگزیده بندگانت می باشد. پیشوای رحمت، جلودار خیر و گشاینده برکت».

مفتاح الجنّه

به معنای کلید بهشت و گشاینده آن است. و از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

1- 706. سوره فتح، آیه 2.
2- 707. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
3- 708. شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 186.

می باشد چنان که صاحب مناقب و دیگران ذکر کرده اند.(1)

و جبرائیل علیه السلام در یکی از سلام های خود به پیامبر خداصلی الله علیه وآله عرض می کند:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبَاالْقاسِمِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مِفْتاحَ الْجَنَّهِ»؛(2)

«سلام بر تو ای ابوالقاسم، و سلام بر تو ای کلید بهشت».

مُقْتدِی

به معنای اقتدا کننده می باشد که صاحب مناقب با استناد به آیه شریفه:

«... فَبِهُدَیاهُمُ اقْتَدِهْ...»؛(3) «... پس به هدایت آنان اقتدا کن!...» آن را یکی از اسامی و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بر شمرده است.(4)

البته توهّم نشود که قبلاً گفته شد پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله بزرگ ترین و مقرّب ترین پیامبران است و دین و کتاب او کامل ترین ادیان و کتب الهی است پس چطور اینجا دستور به اقتدا داده شده؟

جواب این است که آیه شریفه نمی فرماید به خود آنان اقتدا کن، بلکه می فرماید به هدایت آنان که همان هدایت الهی است اقتدا نما.

مقَدَّس

به معنای کسی که تطهیر و تقدیس و تنزیه شده است؛ پاک و قدسی

1- 709. مناقب، ج 1، ص 152.
2- 710. بحارالانوار، ج 15، ص 350 / الفضائل، ص 33.
3- 711. سوره انعام، آیه 90.
4- 712. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

و مبارک، این عنوان نیز از القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد. (1)

کمال الدین نقل کرده که بحیرای راهب هنگام ملاقات با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قبل از بعثت به آن حضرت عرض کرد که:

«أَنْتَ دَعْوَهُ اِبْراهِیم وَ بُشْری عِیسَی اَنْتَ الْمُقَدَّسُ الْمُطَهَّرُ»؛ (2)

«ابراهیم خلیل برای آمدن تو دعا کرد، عیسی بن مریم به آمدنت بشارت داد، تو مقدّس و مطهر هستی».

مقرَّب

مقرّب به معنای نزدیک شده است، یعنی خداوند پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله را به خودش نزدیک فرمود و این از اوصاف پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است چنان که در زیارات مربوطه آمده است:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی عَبْدِکَ الْمُنْتَجَبِ وَ نَبِیِّکَ الْمُقَرَّبِ»؛ (3)

«خدایا درود فرست بربنده برگزیده ات و پیامبرت که مقرّب درگاه توست».

مقیم الدَّعائم

به معنای اقامه کننده و برپاکننده ی ستون و پایه های خیمه و خانه است؛ آن حضرت با تبلیغ و زحمات طاقت فرسای خود دین اسلام را بر پا نمود؛ چنان که در قسمتی از زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد پیامبر

1- 713. بحارالانوار، ج 16، ص 130.
2- 714. کمال الدین، ج 1، ص 185.
3- 715. بحارالانوار، ج 97، ص 177.

اکرم صلی الله علیه وآله آمده است:

«اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَیْهِ بِصَلَواتِکَ... مُقِیمِ الدَّعائِمِ وَ مُجَلَّی الظَّلْماءِ»؛ (1)

«خدایا بر محمّد درود فرست از درودهای خودت...او که برپاکننده ستون و پایه های خیمه اسلام است و روشن کننده تاریکی های جهل و ظلمت است»

مقیم السُّنّه

به معنای برپا کننده یک راه و روش پسندیده که دیگران نیز آن را به جا آورند و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بهترین راه و روش و مسلک زندگی را برای تمام بشر تا پایان تاریخ به یادگار گذاشته است. (2)

مکبّر

مکبر از تکبیر گرفته شده و به معنای کسی است که چیزی یا کسی را بزرگ می شمرد و پیامبر دستور داشت که خداوند متعال را بزرگ بشمرد:

«وَرَبَّکَ فَکَبِّرْ»؛ (3) «و پروردگارت را بزرگ بشمار».

و تکبیر اصطلاح شده است برای «اللَّه اکبر» گفتن.

مکرَّم

به معنای گرامی داشته شده و شخص با کرامت است که از اوصاف

1- 716. بحارالانوار، ج 97، ص 347.
2- 717. بحارالانوار، ج 16، ص 130.
3- 718. سوره مدثر: آیه 3.

پیامبرصلی الله علیه وآله می باشد؛ چنان که در زیارت گفته می شود:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی عَبْدِکَ الْمُنْتَجَبِ وَ نَبِیِّکَ الْمُقَرَّبِ وَ رَسُولِکَ الْمُکَرَّمِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر محمّد بنده برگزیده ات... و پیامبرت که مقرب درگاه توست و رسولت که او را گرامی داشته ای».

مَکفِی

به معنای کافی و کفایت شده است، از آنجا که آیه شریفه می فرماید:

«إِنّا کَفَیْناکَ الْمُسْتَهْزِءِینَ»؛(2)

«ما شرّ استهزاکنندگان را از تو دفع خواهیم کرد».

لذا صاحب مناقب نیز فرموده مکفی از اسامی و القاب پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد و بحارالانوار نیز نقل کرده است.(3)

مُکَلَّم

مکلَّم از ریشه کلام و به معنای کسی است که دیگری با او سخن گفته است. و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مکلَّم خداست. این خداست که با او سخن فرموده. پس او مکلم می باشد. لذا در زیارت آن حضرت از راه دور عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ... وَالشّاهِدَ عَلی خَلْقِهِ، وَالْمُکَلَّمَ مِنْ وَرآءِ الْحُجُبِ»؛(4)

ص:220

1- 719. بحارالانوار، ج 97، ص 177.
2- 720. سوره حجر، آیه 95.
3- 721. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
4- 722. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183.

«سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین و آخرین... و ای کسی که از ورای حجاب ها با او سخن گفته اند».

و در مورد وراء حجاب گفته شده یعنی کلامی که از همه خلق محجوب و پوشیده و مخفی است مگر از کسی که اراده شده با او سخن بگوید.(1)

مکّیّ

منسوب به شهر مکّه، چراکه آن حضرت در این شهر متولد شدند، اگرچه پس از 53 سال زندگی در آنجا به جهت آزار و اذیت کفار و مشرکان، و پس از 13 سال دعوت مردم، به شهر مدینه هجرت فرمودند. لذا ایشان را این گونه توصیف نموده و نسبت می دهند:

«... النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الْقُرَشِیَّ الْهاشِمِیَّ الْعَرَبِیَّ التِّهامِیَّ الْمَکِّیَّ الْمَدَنِیَّ».(2)

مکین

مکین به معنای دارای مقام و منزلت و مکانت خاص است و پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله در بالاترین درجه قرب الهی قرار دارد. و چنین می گوییم در زیارت به آن حضرت:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ... وَالْمَکِینَ لَدَیْهِ»؛(3)

«سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین و آخرین... و ای کسی که در نزد خداوند دارای منزلت و مکان بلندی هستی».

ص:221

1- 723. متشابه القرآن، ج 1، ص 74.
2- 724. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی / بحارالانوار، ج 95، ص 87.
3- 725. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183 / اقبال، ص 604.

ملیح

ملیح از ملح به معنای نمک، یعنی شخص نمکین و دلنشین.

خلاصه ای از جریان کودکی پیامبر اکرم در عنوان حامد و... ذکر شد که در آن جبرئیل به رسول خاتم با این عنوان سلام داده بود:

«... اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَیُّهَا الْمَلِیحُ».(1)

منادی

به معنای ندادهنده و صدا کننده می باشد و پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله نیز منادی الهی به جانب بندگان خداست که آنان را به سوی ایمان به خدا فرا می خواند و ما نیز ندای او را شنیدیم و لبیک گفتیم چنان که در آیه شریفه می فرماید:

«رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادِی لِلْإِیمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَامَنّا رَبَّنا فاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّرْ عَنّا سَیِّاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرَارِ»؛(2)

«پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد که: به پروردگار خود، ایمان بیاورید! و ما ایمان آوردیم؛ پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی های ما را بپوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آن ها) بمیران!»

لذا صاحب مناقب آن را از اسامی پیامبرصلی الله علیه وآله برشمرده است.(3)

مُنتَجَب

به معنای شخص شریف و نجیب که از بین سایر مردم برگزیده

1- 726. بحارالانوار، ج 15، ص 351.
2- 727. سوره آل عمران، آیه 193.
3- 728. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.

می شود. این عنوان نیز از القاب پیامبرصلی الله علیه وآله می باشد و چنین است عبارت زیارت نامه آن حضرت: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی عَبْدِکَ الْمُنْتَجَبِ»؛(1)

«خدایا درود فرست بر بنده برگزیده ات».

مُنْذِر

به معنای بیم دهند، هشدار دهنده، ترساننده و انذار کننده است؛ یعنی کسی که دیگران را در امور ناپسند هشدار به عقاب و عذاب می دهد. و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از جانب خدا منذر است برای بشر، لذا این اسمی است که خداوند برای پیامبرش برگزیده و رسالت او را نیز معین فرموده:

«إِنَّما أَنتَ مُنذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ»؛(2)

«تو فقط بیم دهنده ای! و برای هر گروهی هدایت کننده ای است (؛و این ها همه بهانه است، نه برای جستجوی حقیقت)!».

و از زبان خودش نیز فرموده بگو: «قُلْ إِنَّما أَنا مُنذِرٌ وَما مِنْ إِلهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهّارُ»؛(3)

«بگو: من تنها یک بیم دهنده ام؛ و هیچ معبودی جز خداوند یگانه قهّار نیست!»

لذا به ایشان سلام عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُنْذِرُ»؛(4) «سلام بر تو ای انذار دهنده!»

1- 729. بحارالانوار، ج 97، ص 177.
2- 730. سوره رعد، آیه 7.
3- 731. سوره ص، آیه 65.
4- 732. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183.

منصور

به معنای شخص نصرت داده شده و یاری شده است و پیامبرصلی الله علیه وآله منصور به نصرت و یاری خداوند است چنان که در آیه شریفه فرموده:

«وَيَنصُرَکَ اللَّهُ نَصْراً عَزِيزاً»؛(1)

«و پیروزی شکست ناپذیری نصیب تو کند».

به همین جهت صاحب مناقب نیز یکی از اسامی آن حضرت را منصور برشمرده است.(2) لذا در زیارت آن حضرت و زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَی الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ اَلسَّلامُ عَلی أَبِی الْقاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عبد اللَّهِ»؛(3)

«سلام بر آن یاری شده تأیید شده، سلام بر ابوالقاسم محمّد بن عبد اللَّه صلی الله علیه وآله».

مُنْقِذ العباد

یعنی نجات دهنده بندگان خدا از ضلالت و گمراهی به سوی هدایت الهی، و نیز از آلودگی های شهوات و لذات و رذایل اخلاقی به کمالات انسانی، و این کار پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است. چنان که در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَيْکَ یا نَبِیَّ الْهُدی وَ سَيِّدَ الْوَری وَ مُنْقِذَ الْعِبادِ مِنَ الضَّلالَهِ

ص:224

1- 733. سوره فتح، آیه 3.
2- 734. مناقب، ج 1، ص 150.
3- 735. مفاتیح الجنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام / بحارالانوار، ج 97، ص 148/مصباح کفعمی، ص 474 / بلدالامین، ص 277.

وَ الرّدی»؛ (1) «سلام بر تو ای پیامبر هدایت، ای آقای خلایق، و ای نجات دهنده بندگان از گمراهی ها و پستی ها».

و در زیارت دیگر:

«... مُنْقِذُ الْعِبادِ مِنَ الْهَلَکَهِ بِاِذْنِکَ وَ داعِیهِمْ اِلی دِینِکَ»؛ (2)

«او به اذن تو نجات دهنده بندگان خداست از هلاکت و دعوت کننده ایشان است به دین تو».

و ما بر این نعمت شکر می کنیم:

«اَلْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی اسْتَنْقَذَنا بِکَ مِنَ الشِّرْکِ وَ الضَّلالَهِ»؛ (3)

«حمد و سپاس خدایی که ما را به وسیله تو از شرک وگمراهی نجات داد».

مَنْهَج الدّین

منهج به معنای راه و طریق واضح است و منهج الدین یعنی راه رسیدن به دین الهی که همانا توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله معلوم می گردد چنان که در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْهَجَ دِینِ الاسلامِ وَ الایمانِ»؛ (4)

«سلام بر تو ای راه واضح دین اسلام و ایمان».

یعنی هر که بخواهد به دین اسلام و ایمان برسد، تنها راهش ایمان به پیامبرصلی الله علیه وآله و تابع دین او بودن است و این تبعیت را در تمام اقوال و افعال و شؤون زندگی خود بیان نماید.

1- 736. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
2- 737. بحارالانوار، ج 97، ص 185 / اقبال، ص 604.
3- 738. کافی، ج 4، ص 550.
4- 739. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

مُنیر

منیر نیز از القابی است که خداوند متعال برای آن حضرت به کار برده است، آن گاه که جریان خلقت نور محمّد و گفتن نام ایشان را به قلم؛ ذکر می کند که بنویس لا اله الّا اللّه محمّد رسول اللّه؛ وقتی قلم اسم محمّد را می شنود، به سجده می افتد و می گوید: خدایا این کیست که نامش را کنار نام خود آوردی؟ خدا می فرماید:

«یا قَلَمُ فَلَوْلاهُ ما خَلَقْتُکَ وَ لا خَلَقْتُ خَلْقِی اِلّا لاَجْلِهِ، فَهُوَ بَشِیرٌ وَ نَذِیرٌ وَ سِراجٌ مُنِیرٌ وَ شَفِیعٌ وَ حَبِیبٌ، فَعِنْدَ ذلِکَ اِنْشَقَّ الْقَلَمُ عَنْ حَلاوَهِ ذِکْرِ مُحَمَّدٍ ...»؛(1)

«اگر او نبود تو را خلق نمی کردم و هیچ یک از خلایق را خلق نکردم مگر به خاطر او، او بشیر است و نذیر، او سراج منیر است، او شفیع است و حبیب. در این هنگام بود که به جهت شیرینی نام محمّد، قلم شکافته شد».

موَجّه

شخص موجّه به معنای کسی است که دارای وجاهت و مقام و آبرومندی و منزلت بالایی است. موجّه از وجه گرفته شده یعنی یک شخصیت برجسته که نسبت به سایر مردم متمایز است.

عنوان موجّه را صاحب مناقب از اسامی و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

1- 740. بحارالانوار، ج 54، ص 200.

شمرده که بحارالانوار نیز آن را نقل کرده است.(1)

به همین جهت در دعای توسل می گوییم:

«یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ»؛(2)

«ای آبرومند نزد خدا، ما را شفیع باش نزد خدا».

مود مود

بحارالانوار نقل کرده که نام پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در صحف ابراهیم مود مود است.(3)

موضع التَّقوی

این عنوان نیز یکی دیگر از القاب و توصیفات برای پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می باشد؛ چنان که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه های خود در توصیف آن حضرت فرموده است:

«اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ نَبِیُّ الْهُدی وَ مَوْضِعُ التَّقْوی ؛(4)

«گواهی می دهم که خدایی جز او نیست، او یکتا و بی شریک است و شهادت می دهم که محمّد رسول خداست، او که پیامبر هدایت و جایگاه تقواست».

موفَّق

موفق اسم مفعول از توفیق می باشد؛ یعنی کسی که خداوند به او توفیق می دهد و توفیق الهی یعنی خداوند اسباب و علل را به گونه ای برنامه ریزی کند که شخص به خیر و صلاح برسد. و پیامبرصلی الله علیه وآله در امر زندگی موفق به توفیق الهی بود. لذا در زیارتی آن حضرت آمده است:

«... اَنَّکَ الْمُوَفَّقُ الرَّشِیدُ وَ الْمُبارَکُ السَّعِیدُ»؛(5) «همان تو با توفیق الهی به کمال رسیده ای و تو پرخیر و برکت و سعادتمند هستی».

1- 741. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 742. مفاتيح الجنان، دعاى توسل.
3- 743. بحارالانوار، ج 16، ص 104.
4- 744. كافى، ج 8، ص 360 / بحارالانوار، ج 34، ص 203.
5- 745. بحارالانوار، ج 97، ص 175.

موقف

موقف اسم فاعل از وقف و توقف است؛ به معنای کسی که چیزی یا کسی را نگه می دارد. طبق نقلی جابر بن عبد اللّٰه گوید:

«قالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله: ... وَ سَمّانِی الْمَوْقِفَ، اَوْقَفُ النّاسَ بَیْنَ یَدَی اللّٰهِ جَلَّ جَلالُهُ»؛(1)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: خداوند مرا موقف نامیده است چون مردم را مقابل خداوند متعال نگه خواهم داشت».

مؤَدِّی

به معنای ادا کننده حقّی و انجام دهنده کاری است و پیامبرصلی الله علیه وآله آن

ص:228

1- 746. بحارالانوار، ج 16، ص 93 / الخصال، ج 2، ص 425.

حقّ و امری که خداوند به وی سپرده بود به خوبی به انجام رسانید، چنان که در زیارت آن حضرت آمده است:

«وَأَدَّیْتَ الْحَقَّ الَّذِی کانَ عَلَیْکَ»؛[1] «و تو آن حقی را که خدا به عهده اش گذاشته بود به جا آوردی و ادا نمودی».

مؤمن

مؤمن یعنی ایمان آورنده و طبق آیه شریفه از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله محسوب می شود چون پیامبر خداصلی الله علیه وآله اولین ایمان آورنده به خدا و قرآن می باشد چنان که می فرماید:

«آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنزِلَ إِلَیْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ کُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِکَتِهِ وَکُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِن رُسُلِهِ وَقالُوا سَمِعْنا وَأَطَعْنا غُفْرَانَکَ رَبَّنَا وَإِلَیْکَ الْمَصِیرُ»؛[2]

«پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می باشد.) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده اند؛ (و می گویند:) ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظارِ) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست».

1- 747. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183 / اقبال، ص 604.
2- 748. سوره بقره، آیه 285.

مؤیَّد

به معنای تأیید شده و مورد اطمینان است که از اسامی و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است.(1) و پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله مورد تأیید خدا و قرآن و وحی و نصرت الهی است، چنان که در آیه شریفه می فرماید:

«هُوَ الَّذِی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِینَ»؛(2)

«او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد».

به همین جهت در زیارت فرزند آن حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الْمُؤَیَّدِ بِالْقُرْآنِ»؛(3)

«سلام بر تو ای «ابراهیم» ای فرزند کسی که به وسیله قرآن تأیید شده است».

از این عنوان در موارد متعددی با عبارت «الرسول المؤید» برای توصیف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به کار برده شده است؛ از جمله در: بحارالانوار، ج 12، ص 327 و 333 - قصص جزایری، ص 187 و 192.

همچنین با عبارت «العبد المؤید» نیز آمده است.(4)

مَهْبَط الملائکه

به معنای محل و جایگاه فرود فرشتگان است؛ یعنی فرشتگان مقرب الهی به محضر آن جناب مشرّف می شدند و احکام و اوامر خداوند را ابلاغ می کردند.

1- 749. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 101.
2- 750. سوره انفال، آیه 62.
3- 751. مفاتیح الجنان، زیارت ابراهیم پسر پیامبر.
4- 752. مناقب، ج 1، ص 152.

در قسمتی از زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

«اَلسَّلامُ مِنَ اللَّهِ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ ... وَ مَهْبَطِ الْمَلائِکَهِ»؛(1)

«از جانب خداوند بر محمّد پیامبر سلام باد، او که محل هبوط و نزول فرشتگان خداوند است».

مُهْتَدِی

مهتدی یعنی هدایت یافته است و آن را از این آیه شریفه اقتباس نموده اند؛(2) آنجا که خداوند در قرآن کریم فرموده است:

«شاکِراً لِأَنْعُمِهِ اجْتَبَیاهُ وَهَدَیاهُ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ»؛(3)

«شکرگزار نعمت های پروردگار بود؛ خدا او را برگزید؛ و به راهی راست هدایت نمود!»

مُهَذَّب

مهذّب اسم مفعول از «هذب» به معنای کسی که دارای اخلاق پاک و نیکو است.(4)

و نام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که خداوند، آن حضرت را به مدال شامخ «وَإِنَّکَ لَعَلَی خُلُقٍ عَظِیمٍ»؛(5) «و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری!»؛ مفتخر فرموده است نیز المهذّب می باشد.(6)

1- 753. بحارالانوار، ج 97، ص 298.
2- 754. بحار الانوار، ج 16، ص 102.
3- 755. سوره نحل، آیه 121.
4- 756. مجمع البحرین، ج 2، ص 184.
5- 757. سوره قلم، آیه 4.
6- 758. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

مُهَیْمن

برای مهیمن چند معنا گفته شده؛ از جمله: شاهد و گواه، رقیب، مؤید، مسلّط و حاکم. خداوند متعال قرآن را به عنوان مهیمن بر سایر کتب الهی معرفی نموده است:

«وَأَنزَلْنا إِلَیْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِ ّ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ الْکِتابِ وَمُهَیْمِناً عَلَیْهِ...»؛ (1)

«و این کتاب [= قرآن را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند، و حافظ و نگاهبان آن هاست...».

و پیامبر نیز که هم سنگ و عِدل قرآن کریم است، به عنوان مهیمن بر سایر پیامبران الهی است لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ... وَالْمُهَیْمِنَ عَلی رُسُلِهِ»؛ (2)

«سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین و آخرین و ای کسی که بر همه پیامبران خدا مهیمن هستی».

و در چند زیارت دیگر گفته می شود:

«اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، اَمِینِ اللَّهِ عَلی وَحْیِهِ ... وَ الْمُهَیْمِنِ عَلی ذلِکَ کُلِّهِ»؛ (3) «سلام بر رسول خدا، او که امین بر وحی خداست، و مهیمن بر همه این هاست».

1- 759. سوره مائده، آیه 48.
2- 760. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183.
3- 761. بحارالانوار، ج 97، ص 283 / بحارالانوار، ج 98، ص 254.

حرف ن

ناحر

کلمه ناحر از صیغه نحر به معنای ذبح می باشد و اسم فاعل آن است؛ یعنی کسی که حیوانی را ذبح و قربانی می کند. خداوند بعد از اعطای کوثر به پیامبرش، آن حضرت را فرمان داد که شکرانه این نعمت بزرگ، نماز بگزارد و برای خدا قربانی کند:

«فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ»(1) پس برای پروردگارت نماز بخوان وقربانی کن !

ناسخ کلّ شریعه

یعنی دین اسلام آخرین دین الهی و پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله آخرین پیامبر خدا برای بندگان است که تا پایان جهان و برای همه جهانیان فرستاده شده است. با بعثت ایشان تمام ادیان دیگر نسخ شده است و تمام پیروان آن ادیان و شریعت ها باید به دین اسلام و پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله ایمان بیاورند.

«وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»؛(2) «هر چند مشرکان کراهت داشته باشند !».

«وَلَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ»؛(3) «هر چند کافران ناخشنود باشند !».

ناشر

به معنای نشر دهنده و گستراننده است، به نقل صاحب مناقب، این یکی از اسامی و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که در اخبار و روایات آمده

1- 762. سوره کوثر: آیه 2.
2- 763. سوره صف، آیه 9 و سوره توبه، آیه 33.
3- 764. سوره توبه، آیه 32.

است.(1) چون آن حضرت احکام، اخلاق و معارف ناب اسلامی را به سراسر جهان و تا ابد نشر داده است.

ناصب

به معنای تلاش و کوشش فراوان و خود را به زحمت انداختن است و خداوند به پیامبرش می فرماید:وقتی از تبلیغ دین الهی فارغ گشتی به سوی پروردگارت بیا، و برای شکر این همه نعمت های بی پایان خداوند، خودت رابه زحمت انداز:(2)

«فَاذا فَرغتَ فَانصَبْ وَاِلی رَبّکَ فَارْغَبْ».(3)

«پس هنگامی که از کار مهمّی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز، و به سوی پروردگارت توجّه کن!»

ناصح

به معنای نصیحت کننده، پند و اندرز دهنده و مشفق مهربان برای کسی است و از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده؛ چرا که آن حضرت ناصح مشفق امّت خود بود.(4) چنان که در زیارت آن حضرت آمده است:

«وَأَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّکَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِکَ»؛(5)

1- 765. مناقب، ج 1، ص 151 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 766. بحار الانوار، ج 16، ص 139.
3- 767. سوره انشراح، آیه 7.
4- 768. مناقب، ج 1، ص 150.
5- 769. مفاتیح الجنان، زیارت رسول / کافی، ج 4، ص 550 / من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 565.

«من گواهی می دهم که تو رسالت های پروردگارت را ابلاغ نمودی و امت خود را نصیحت فرمودی».

ناصر

کلمه ناصر از ریشه نصرت و به معنای یار و یاور است؛ یعنی کسی که دیگری را یاری و کمک و نصرت می کند. این عنوان نیز از القاب و اوصاف پیامبر است؛ چنان که در دعای فرج امام زمان علیه السلام، خطاب به رسول خدا و امیر المؤمنین علیهما السلام عرض می کنیم:

«اِکْفِیانِی فَاِنَّکُما کافِیانِ وَ انْصُرانِی فَاِنَّکُما ناصِرایَ ....»(1)

ای محمّد و ای علی مرا کفایت کنید که کفایت شما مرا بس است و مرا یاری کنید که یاری شما مرا بس است.

ناهی

به معنای نهی کننده، منع کننده و بازدارنده کسی از کاری است. در دین مقدّس اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، از بزرگ ترین واجبات الهی است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز بزرگ ترین آمر به معروف و ناهی از منکر بود. ناهی نیز همچون آمر، از اسامی و القاب قرآنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است.(2) چنان که خداوند در آیه شریفه می فرماید: «الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِندَهُمْ فِی التَّوْرَیاهِ وَالْإِنجِیلِ یَأْمُرُهُم

1- 770. مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمّی.
2- 771. مناقب، ج 1، ص 150.

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَياهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ...»؛(1)

«همان ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آن ها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد؛ ...».

و امر و نهی پیامبرصلی الله علیه وآله نیز عین دستورات خداوند واجب الاطاعه است. چنان که در قرآن آمده است:

«وَما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَما نَهاکُمْ عَنْهُ فانتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقابِ»؛(2)

«آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!».

و آن جناب نیز فرمان الهی را امتثال فرموده؛ چنان که در زیارات متعدّد آن حضرت آمده است:

«اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسالَهَ وَ اَقَمْتَ الصَّلوهَ وَ آتَیْتَ الزَّکاهَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ»؛(3)

«من گواهی می دهم که تو رسالت و پیام الهی را ابلاغ کردی، نماز را به پا نمودی و زکوه را پرداخت نموده و امر به معروف و نهی از منکر فرمودی».

1- 772. سوره اعراف، ج 157.
2- 773. سوره حشر، آیه 7.
3- 774. بحارالانوار، ج 97، ص 160.

نبیّ آخر الزمان

یعنی پیامبر آخرالزمان و آخرین رسول و فرستاده خداوند برای بشر است. و این نیز عنوانی بود که بحیرای راهب قبل از بعثت پیامبر برای ایشان به کار برده است؛ آن گاه که آن جناب را در راه سفر به شام ملاقات نمود. (1)

نبیّ الانبیاء

یعنی پیامبر همه پیامبران، چون او سرآمد همه پیامبران و افضل و اعلم و اکرم و اعظم آنان است.

لذا مرحوم مجلسی با این عنوان آن حضرت را توصیف نموده است.(2)

نبیّ الرحمه

صاحب کشف الغمه می فرماید: از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نبی الرحمه است؛ چنان که خداوند متعال فرموده:

«وَما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ»؛(3)

«ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم».

و خود آن حضرت نیز فرموده است:

«اِنَّما اَنَا رَحْمَةٌ مُهْداةٌ».(4)

و رحمت در کلام عرب به معنای عطوفت و رأفت و اشفاق است. و لذا

1- 775. بحارالانوار، ج 15، ص 203.
2- 776. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
3- 777. سوره انبیاء، آیه 107.
4- 778. کشف الغمه، ج 1، ص 8.

در دعای توسل به آن حضرت به خداوند می گوییم:

«اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْئَلُکَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ، مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ»؛(1)

«خدایا من از تو درخواست می کنم و به وسیله پیامبرت به تو متوجه شده ام همان که پیامبر رحمت است، محمّد که درود خدا بر او و آلش باد».

همچنین در زیارات به آن حضرت سلام می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیِّ الرَّحْمَهِ»؛(2) «سلام بر تو ای پیامبر رحمت و رأفت».

نبیّ السَّیف

یعنی پیامبر شمشیر، یعنی پیامبری که در کنار رأفت و رحمت برای مظلومان و مستضعفان با معاندان و ظالمان به زبان شمشیر با آنان سخن خواهد گفت.

و این تعبیری است که بحیرای راهب آن گاه که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را در هنگام جوانی و در راه سفر شام ملاقات کرد، به کار برده است.(3)

نبیّ اللّه

نبی از نبأ به معنای خبر می باشد و نبی اللّه یعنی کسی که از جانب خداوند خبر می آورد. و خبر پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله، قرآن کریم و احکام الهی و دین اسلام است.

1- 779. مفاتیح الجنان، دعای توسل.
2- 780. بحارالانوار، ج 97، ص 173.
3- 781. بحارالانوار، ج 15، ص 201.

نبی اللّٰه از شایع ترین اسامی و القاب پیامبر خاتم است که به طور مطلق به کار می رود، به گونه ای که عبارت «نبی اللّٰه» بعد از «رسول اللّٰه» بیشترین کاربرد را در جوامع روایی ما دارد. و جبرئیل نیز در موارد متعدد با عنوان یا نبی اللّٰه ! پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله را مورد خطاب قرار داده است(1)؛ از جمله آنجا که فرموده است:

«یا نَبِیَّ اللَّهِ ! اِعْلَمْ اَنِّی لَمْ اُحِبُّ نَبِیّاً مِنَ الاَنْبِیاءِ کَحُبِّی اِیّاکَ»؛(2)

«ای نبی اللّٰه ! بدان که من هیچ پیامبری را دوست ندارم به اندازه ای که تو را دوست دارم».

لذا ما نیز زمزمه می کنیم:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ نَبِیِّکَ».(3)

نبیّ المَلْحَمه

در احادیث وارد شده که یکی از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نبی الملحمه است و ملحمه یعنی جنگ و قتال یا واقعه عظیمی که در آن کشتن نیز هست.(4)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله همان طور که نبی الرحمه است بر مسلمانان و مستضعفان و محرومان، نبی الملحمه است برای کافران معاند

1- 782. بحارالانوار، ج 44، ص 241 / بحارالانوار، ج 91، ص 268 / مهج الدعوات، ص 172.
2- 783. مهج الدعوات، ص 172 / بحارالانوار، ج 91، ص 268.
3- 784. کافی، ج 4، ص 530 / من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 432.
4- 785. کشف الغمه، ج 1، ص 8 / بحارالانوار، ج 16، ص 116.

و مشرکان لجوج، آنان که پیامبر را می شناسند، حرف او را حقّ می دانند ولی به سبب عناد و لجاجت، حقّ را نمی پذیرند.

نبیّ الهُدی

حضرت خاتم الانبیاءصلی الله علیه وآله پیامبر هدایت است؛ هدایت همه مردم از گمراهی ها به سوی نور الهی، لذا از القاب آن پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله نبی الهدی است؛ چنان که در زیارت جنابش آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ الْهُدی وَ سَیِّدَ الْوَری ؛(1)

«سلام بر تو ای پیامبر هدایت و آقای همه خلق !»

و در یکی از خطبه های امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آمده است:

«اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ نَبِیُّ الْهُدی ...»؛(2)

«گواهی می دهم که خدایی جز اللَّه نیست، او یکتاست و شریکی ندارد و گواهی می دهم که محمّد رسول خداست، همان که پیامبر هدایت است».

نبیل

به معنای شخص شریف و ارجمند و کسی که دارای اندیشه بلند و نیکو است. می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله قبل از بعثت بیست خصلت از خصایل انبیا را داشت که هر کدام از آنها به تنهایی دلالت بر عظمت آن

1- 786. بحارالانوار، ج 97، ص 175.
2- 787. کافی، ج 8، ص 360 / بحارالانوار، ج 74، ص 365.

بزرگوار دارد؛ چه رسد به کسی که همه آنها را جمع کرده باشد، یکی از آن خصلت ها نبیل است.(1)

نَجْم

نجم به معنای ستاره درخشان در آسمان است که با توجّه به آیه قرآن آن را یکی از القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دانسته اند.(2)

و در احادیثی که از معصومین رسیده آیه شریفه «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَی (3)؛ «سوگند به ستاره هنگامی که افول می کند»؛ به آن حضرت اشاره دارد.

همچنین آیه «وَعَلاماتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ»؛(4) «و (نیز) علاماتی قرار داد؛ و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می شوند». که امامان علیهم السلام فرمودند: علامات، اوصیاء و ائمه هستند و «النجم» رسول اللّه صلی الله علیه وآله می باشد.(5)

نجم ثاقب

به معنای ستاره درخشان که از نام های پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله گفته شده است.(6)

نجیّ اللَّه

به معنای رازدار خداوند است و از اسامی و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد.

1- 788. بحار الانوار، ج 16، ص 175.
2- 789. مناقب، ج 1، ص 150.
3- 790. سوره نجم، آیه 1.
4- 791. سوره نحل، آیه 16.
5- 792. اصول کافی، ج 1، ص 206 / بحارالانوار، ج 16، ص 88.
6- 793. بحارالانوار، ج 16، ص 130.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی صَفِیِّکَ وَ خَلِیلِکَ وَ نَجِیِّکَ الْمُدَبِّرِ لاَمْرِکَ».(1)

و در زیارت دیگر آمده است:

«اَللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَواتِکَ... عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ، وَأَمِینِکَ وَنَجِیِّکَ...»؛(2)

«خدایا قرار بده درودهای خود را بر محمّد که بنده و رسول توست، هم او که پیامبر و امین و رازدار تو است».

در زیارت فرزند گرامش ابراهیم نیز عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلی نَجِیّ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ».(3)

چنان که مرحوم علامه مجلسی نیز در توصیف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به این عنوان اشاره کرده است.(4)

نجیب اللَّه

نجیب به معنای فاضل و خوب هر چیزی است، با کرامت و با نجابت؛ و پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله چنین کسی است؛ یعنی او نجیب اللَّه است، چنان که از امیرالمؤمنین علیه السلام و از نهج البلاغه نقل شده که فرمودند:

«اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً نَجِیبُ اللَّهِ وَ سَفِیرُ وَحْیِهِ وَ رَسُولُ رَحْمَتِهِ»؛(5) «گواهی می دهم که محمّد نجیب اللَّه است و سفیر وحی او و رسول رحمت خداست».

ص:242

1- 794. کافی، ج 1، ص 451.
2- 795. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله.
3- 796. بحارالانوار، ج 97، ص 217.
4- 797. بحارالانوار، ج 15، ص 1.

5- 798. نهج البلاغه، ص 312.

لذا در زیارت آن حضرت آمده است:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبِیبَ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَجِیبَ اللَّهِ»؛(1)

«سلام بر تو ای دوست خدا و سلام بر تو ای نجیب خدا».

و در دعای وداع شهر مکّه گفته می شود:

«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ اَمِینِکَ وَ حَبِیبِکَ وَ نَجِیبِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ»؛(2)

«خدایا درود فرست بر محمّد، که بنده و رسول توست، همان که امین و دوست و نجیب توست، و انتخاب شده تو از خلق است».

نُخْبه الاخیار

نخبه الاخیار که به معنای برگزیده نیکان و خوبان است، از اوصافی است که مرحوم علامه مجلسی در مقدمه کتاب شریف بحارالانوار توسط آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را توصیف نموده است.(3)

نُخْبه الاصفیاء

به معنای نخبه و برگزیده برگزیدگان است که این عنوان را نیز مرحوم مجلسی در توصیف پیامبر اکرم به کار برده است.(4)

1- 799. بحارالانوار، ج 97، ص 183 / اقبال، ص 604.
2- 800. تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 280.
3- 801. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
4- 802. بحار الانوار، ج 1، ص 1، مقدمه کتاب.

نذیر به شخصی گفته می شود که دیگری را از یک خطری مطّلع نماید و او را برحذر دارد و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از جانب خداوند برای بشر نذیر است؛ چنان که در چند آیه قرآن آمده است:

«إِنَّما أَنتَ نَذِيرٌ»؛ (1) «تو فقط بیم دهنده ای».

و فرمود به مردم اعلان کند که:

«قُلْ ياأَيُّها النّاسُ إِنَّما أَنا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ»؛ (2)

«بگو: ای مردم ! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم !».

و پیامبر نیز به همه ابلاغ فرمود:

«أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِی لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ»؛ (3)

«(دعوت من این است) که: جز «اللَّه» را نپرستید ! من از سوی او برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده ام !».

لذا یکی از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نذیر می باشد، چنان که شخصی یهودی از پیامبر پرسید: چرا شما را نذیر نامیده اند؟ فرمود:

«... وَ اَمَّا النَّذِيرُ فَاِنِّی اُنْذِرُ بِالنّارِ مَنْ عَصانِی»؛ (4)

«به این جهت نذیر نامیده شدم چون هرکه مرا نافرمانی کند را به آتش می ترسانم».

و در عبارت دیگر آمده: «فَأُنْذِرُ مَنْ عَصَى اللَّهَ بِالنّارِ»؛ (5)

1- 803. سوره هود، آیه 12.
2- 804. سوره حج، آیه 49.
3- 805. سوره هود، آیه 2.
4- 806. بحارالانوار، ج 16، ص 94.

5- 807. بحارالانوار، ج 16، ص 96.

«هر کسی که نافرمانی خدا کند او را به آتش جهنم می ترسانم».

لذا در زیارت آن حضرت می گوییم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَذِیرُ».(1)

نعمت

از اسامی قرآنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نعمت است؛ چنان که در آیه شریفه آمده است:

«یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ یُنکِرُونَها وَأَکْثَرُهُمُ الْکافِرُونَ»؛(2)

«آن ها نعمت خدا را می شناسند؛ سپس آن را انکار می کنند؛ و اکثرشان کافرند!».(3)

البته نعمت در این آیه از چندین روایت نقل شده که مقصود ائمه علیهم السلام و روز غدیر است و نیز کلیه نعمت های الهی که مردم کافر و مشرک این نعمت ها را می بینند امّا منعم را انکار می کنند.(4)

نور

پیامبر نور است، سراسر نور است و از نور الهی است، چنان که خداوند نام او را در قرآنش نور گذاشته است، طبق آیه شریفه:

1- 808. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 173 / اقبال، ص 604.
2- 809. سوره نحل، آیه 83.
3- 810. مناقب، ج 1، ص 151/بحارالانوار، ج 16، ص 101/اعلام الوری، ص 7/کشف الغمه، ج 1، ص 12.
4- 811. کافی، ج 1، ص 427 / بحارالانوار، ج 35، ص 190 / تفسیر قمی، ج 1، ص 387.

«قَدْ جَآءَکُم مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَکِتابٌ مُبِینٌ»؛(1) «از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد».

مقصود از کتاب که قرآن کریم است و مراد از نور، شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است.

همچنین جابر بن عبد اللَّه از امام باقرعلیه السلام نقل کرده که مقصود از نور در «مَثَل نُورِه کَمِشکاه» که در آیه نور آمده منظور پیامبر اسلام است.(2)

و نیز طبق حدیثی خود آن حضرت فرمودند: «کُنْتُ نُوراً وَ آدَمُ بَیْنَ الْماءِ وَ الطِّینِ»؛ «من نور بودم آن گاه که آدم بین آب و گل بود».

لذا در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«أَشْهَدُ یا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی الْأَصْلابِ الشّامِخَهِ وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَهِ»؛(3) «گواهی می دهم ای رسول خدا که تو نور بودی از نسل بزرگان و رحم پاکان».

و از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«اِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی خَلَقَ نُورَ مُحَمَّدٍ قَبْلَ اَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الاَرْضَ وَ الْعَرْشَ وَ الْکُرْسِیَّ وَ اللَّوْحَ وَ الْقَلَمَ...»؛(4)

«خداوند متعال نور محمدصلی الله علیه وآله را قبل از خلقت آسمان ها و زمین و عرش و کرسی و لوح و قلم خلق کرده است (و سپس ماسوی اللَّه را از نور محمّد آفرید)».

1- 812. سوره مائده، آیه 15.
2- 813. تفسیر فرات کوفی، ص 282.
3- 814. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 187.
4- 815. معانی الاخبار، ص 306 / بحارالانوار، ج 15، ص 4.

نور اللَّه

به معنای نور خداست، که از القاب و اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد. و در زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللَّهِ الَّذِی یُسْتَضاۤءُ بِهِ»؛(1)

«سلام بر تو ای نور خدا که همه از نور آن روشنایی می گیرند».

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام درباره «اللَّه نور السموات والارض» پرسیدم، فرمود: چنین است خداوند عزّوجلّ، از «مثل نوره» پرسیدم، فرمود: محمّد. از «کمشکاه» پرسیدم، فرمود: سینه محمّد. از «فیها مصباح» پرسیدم، فرمود: نور علم یعنی نور نبوّت در آن است. از «المصباح فی زجاجه» پرسیدم، فرمود: علم پیامبر خدا از سینه مبارکش به قلب امیرالمؤمنین علیه السلام صادر شد... .(2)

نور الامم

در کتاب شعیای نبی، اسم پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به نام نور الامم آمده است؛ چنان که صاحب مناقب و بحارالانوار نقل کرده اند.(3)

یعنی آن حضرت برای همه ملت ها و همه امّت ها تا پایان تاریخ، نور و هدایت و روشنی است.

ص:247

1- 816. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از دور / بحارالانوار، ج 97، ص 183.
2- 817. معانی الاخبار، ص 15 / بحارالانوار، ج 4، ص 15 / توحید، ص 157.
3- 818. بحارالانوار، ج 16، ص 104 / مناقب، ج 1، ص 150.

نور الانوار

به معنای نور همه نورهاست؛ یعنی هرچه نور است، روشنایی خودش را از نور وجود آن حضرت می گیرد، چون او نور اوّل است که خداوند آفرید.

صاحب مناقب نقل کرده که نام پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله بر روی خورشید، نور الانوار نوشته شده است.(1) مصباح کفعمی نیز در خطبه عیدین چنین نقل کرده است.(2)

نورالقیامه

نور روز قیامت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است، همه از نور وجود او استفاده می کنند و همه جا به نور مبارک ایشان روشن می شود.

و صاحب مناقب نقل کرده که آن حضرت «زین القیامه و نورها»؛ یعنی زینت روز قیامت و نور روز قیامت اوست.(3)

نیّر اعظم

نیّر از کلمه نور است و به معنای بسیار روشنی دهنده می باشد و از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفته شده است.

حرف و

واضع الاِصر و الاغلال

یعنی کسی که سنگینی ها و غل و زنجیرها را از گردن افراد بر می دارد؛

ص:248

1- 819. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
2- 820. مصباح کفعمی، ص 731.
3- 821. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

زنجیرهایی که مردم به واسطه دوری از خدا و ارتکاب گناه و معصیت به دست و پای خود زده اند. و این نیز از اسامی قرآنی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که از آیه شریفه اقتباس شده است:

«الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِندَهُمْ فِی التَّوْرَیاهِ وَالْإِنجِیلِ یَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَیاهُمْ عَنِ الْمُنکَرِ وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَاتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَئِثَ وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلَالَ الَّتِی کَانَتْ عَلَیْهِمْ فالَّذِینَ آمَنُوابِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛(1) «همان ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آن ها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آن ها حلال می شمرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آن ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاری اش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند».

و صاحب مناقب و بحارالانوار نیز ذکر نموده اند.(2)

وَجِیه

وجیه از کلمه وجه به معنای صورت و چهره است که زودتر از سایر

1- 822. سوره اعراف، آیه 157.
2- 823. مناقب، ج 1، ص 152 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.

اعضا به چشم می آید و وجیه به معنای آبرومند و شخص متشخّص که بین دیگر افراد، برجسته و قابل توجّه است. و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از همه مخلوقات مقامش بالاتر و معروف تر است. چنان که در دعای توسل به آن حضرت عرض می کنیم:

«یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ»؛(1)

«ای آبرومند نزد خدا، ما را شفاعت کن در نزد خدا».

وَفِیّ

وفی که به معنای وافی است؛ یعنی کسی که به عهد خویش وفا می کند و آن را به طور کامل ادا می نماید، یکی دیگر از اسامی و القاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می باشد.(2)

چنان که یکی از اسمای حسنای الهی نیز هست و در دعاهای متعدّدی وارد شده است.(3)

حرف ه

هادی

یکی دیگر از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که صاحب مناقب نقل نموده و آن را از قرآن اقتباس نموده، هادی است به معنای هدایت کننده چنان که در آیه شریفه آمده است:

ص:250

1- 824. مفاتیح الجنان، دعای توسل / بحارالانوار، ج 99، ص 247.
2- 825. مناقب، ج 1، ص 150 / بحارالانوار، ج 16، ص 103.
3- 826. بحارالانوار، ج 88، ص 51 / بحارالانوار، ج 91، ص 387.

«وَإِنَّکَ لَتَهْدِی إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ»؛(1)

«و تو مسلّماً به سوی راه راست هدایت می کنی».

چنان که در بعضی از تفاسیر در مورد آیه «طه» نیز آمده؛ یعنی: ای طاهر و ای هادی!(2)

در شعری نیز آمده است:

اَبُوهُمْ اَمِیرُالْمُؤمِنِینَ وَ جَدُّهُمْ

اَبُوالْقاسِمِ الْهادِی النَّبِیّ الْمُکَرَّم؛(3)

پدر ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام است و جدشان نیز ابوالقاسم است، آن هدایت کننده که پیامبر گرامی است.

هاشمیّ

منسوب به طایفه بنی هاشم است؛ چرا که آن حضرت از این طایفه هستند.

از تفسیر امام علیه السلام نقل شده که در مورد آیه شریفه «اوفوا بعهدی» فرمودند: منظور عهد خداوند است که از همه گرفته که:

«لَیُؤمِنُنَّ بِمُحَمَّدٍ الْعَرَبِیِّ الْقُرَشِیِّ الْهاشِمِیِّ...»؛(4)

«به محمّد عربی قرشی هاشمی ایمان بیاورند».

و در عبارات مختلفی در دعاها و زیارات آمده است:

«... النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الْقُرَشِیَّ الْهاشِمِیَّ الْعَرَبِیَّ التِّهامِیَّ الْمَکِّیَّ الْمَدَنِیَّ».(5)

1- 827. سوره شوری، آیه 52.
2- 828. بحارالانوار، ج 16، ص 129.
3- 829. مناقب، ج 3، ص 396.

4- 830. بحارالانوار، ج 9، ص 178 / تفسیر امام، ص 227.
5- 831. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی / بحارالانوار، ج 16، ص 106.

هُدی

به معنای هدایت، راهنمایی که خلاف ضلالت است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را خداوند در قرآن کریم «هدی» نامیده است؛ آنجا که می فرماید:

«وَما مَنَعَ النّاسَ أَن یُؤْمِنُوا إِذْ جَآءَهُمُ الْهُدَی وَیَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّآ أَن تَأْتِیَهُمْ سُنَّهُ الْأَوَّلِینَ أَوْ یَأْتِیَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلاً»؛(1)

«و چیزی مردم را بازنداشت از اینکه -وقتی هدایت به سراغشان آمد- ایمان بیاورند و از پروردگارشان طلب آمرزش کنند، جز اینکه (خیره سری کردند؛ گویی می خواستند) سرنوشت پیشینیان برای آنان بیاید، یا عذاب (الهی) در برابرشان قرار گیرد !»

و در آیه دیگر فرموده است: «وَما مَنَعَ النّاسَ أَن یُؤْمِنُوا إِذْ جَآءَهُمُ الْهُدَی إِلآَّ أَن قالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَراً رَسُولاً»؛(2)

«تنها چیزی که بعد از آمدن هدایت مانع شد مردم ایمان بیاورند، این بود (که از روی نادانی و بی خبری) گفتند: آیا خداوند بشری را به عنوان رسول فرستاده است؟ !»

و صاحب مناقب نیز آن را از اسامی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله بر شمرده است.(3)

حرف ی

یس

«یس» که «یاسین» قرائت می شود، یکی دیگر از اسامی قرآنی پیامبر

1- 832. سوره کهف، آیه 55.
2- 833. سوره اسراء، آیه 94.
3- 834. مناقب، ج 1، ص 150.

خاتم صلی الله علیه وآله می باشد. در تعریف و تفسیر این کلمه مانند سایر حروف مقطعه قرآن کریم اقوال مختلفی است که باید به کتب تفسیر مراجعه شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«... وَ اَمّا «یس» فَاسْمٌ مِنْ اَسْماءِ النَّبِیّ صلی الله علیه وآله مَعْناهُ یا اَیُّهَا السّامِعُ لِوَحْیِی...»؛(1)

«یاسین اسمی از اسامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است و معنایش چنین است که ای کسی که وحی مرا می شنوی...».

و نیز امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند: «رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله یس وَ نَحْنُ آلُهُ»؛(2)

«یاسین نام پیامبر خدا است و ما آل یاسین هستیم».

نکته جالبی دریکی از احادیث امام رضاعلیه السلام است که خلاصه اش چنین است:

ایشان سؤال کردند: «یس» کیست؟ علما گفتند: پیامبرصلی الله علیه وآله است و کسی شک ندارد.

امام فرمود: خداوند چنان فضیلت و برتری به محمّد و آل محمّد داده که به هیچ کس نداده. خدا در قرآن فرموده: سلام علی نوح... سلام علی ابراهیم... سلام علی موسی وهارون؛ امّا به پیامبر خاتم که رسیده فرموده: سلام علی آل یس؛ یعنی سلام بر آل محمّد و در هیچکدام از پیامبران به آل آنان سلام نکرده جز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله.(3)

1- 835. بحارالانوار، ج 16، ص 86 / معانی الاخبار، ص 22.
2- 836. بحارالانوار، ج 16، ص 86.
3- 837. بحارالانوار، ج 16، ص 87.

یتیم

یتیم در لغت عرب به کسی گویند که تنها مانده باشد و برخی گویند آن که برادر و خواهر ندارد؛ ولی بیشتر اصطلاح شده برای کسی که پدرش را از دست داده باشد.

و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز پدر بزرگوارش حضرت عبد اللّٰه را قبل از تولد از دست داده است، همچنین مادرش را در 6 سالگی.

خداوند نیز در یک مورد در قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را یتیم خوانده است:

«أَلَمْ یَجِدْکَ یَتِیماً فَآوَی ؛(1) «آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟ !»

امّا این که وجه تسمیه پیامبرصلی الله علیه وآله به یتیم چیست؟ اقوال مختلفی است:

1 - یک نظر این است که آن حضرت در روی زمین نظیر ندارد؛ نه از اولین و نه از آخرین، لذا یتیم به معنای وحید است.(2)

2 - نظر دیگر این که یعنی تو یتیم بودی، پدر نداشتی و خدا تو را نزد عبد المطلب و ابوطالب مأوا داد.(3)

3 - از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا پیامبرصلی الله علیه وآله از پدر و مادر یتیم شد؟ فرمود: برای این که از جانب هیچ یک از مخلوقات بر او حقی نباشد.(4)

یثربی

منسوب به شهر یثرب، نام قدیم مدینه است که با ورود و هجرت

1- 838. سوره ضحی، آیه 6.
2- 839. عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 198 / معانی الاخبار، ص 52.
3- 840. بحارالانوار، ج 35، ص 425.
4- 841. بحارالانوار، ج 16، ص 136.

پیامبر از مکه به یثرب، آن را «مدینه النبی» گفتند، مدینه یعنی شهر، و مدینه النبی یعنی شهر پیامبر، بعدها عبارت را مختصر کردند و به مدینه معروف شد.(1)

یَنْبُوع الحکمه

به معنای چشمه و جویبار حکمت و دانش است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سرچشمه همه کمالات و فضایل و علوم و حکمت هاست؛ چنان که صاحب بحارالانوار در مقدمه کتاب خود با این عنوان حضرت رسول صلی الله علیه وآله را توصیف نموده است.(2)

یَنْبُوع الفُتُوَّه

به معنای سرچشمه جوانمردی است که مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار با این عنوان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را توصیف و از ایشان تجلیل کرده است.(3)

اعتراف عاجزانه

شخصی خدمت امیرمؤمنان علیه السلام آمده و عرض کرد: آقا! لطفاً اخلاق و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را برایم شرح و توصیف بفرما.

1- 842. بحار الانوار، ج 16، ص 107.
2- 843. بحارالانوار، ج 15، ص 1.
3- 844. بحارالانوار، ج 15، ص 1.

حضرت فرمود: آیا تو می توانی تمام دنیا را برایم وصف و شرح نمایی؟

گفت: دنیای به این عظمت را چگونه توضیح بدهم؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دنیا به این عظمت (به قول تو) را خداوند فرموده «متاع قلیل» است، امّا در مقابل اخلاق پیامبرصلی الله علیه وآله را فرموده «إنّک لعلی خلق عظیم»؛ یعنی اخلاق و رفتار پیامبر خیلی عظیم است و دنیا قلیل است چطور انتظار داری خلق عظیم را برایت توصیف کنم.

در جایی که امیرالمؤمنین علیه السلام چنین بفرمایند، دیگران چه بگویند! با این حال خود معصومین علیهم السلام آنچه که قابل گنجایش در قالب کلمات بوده را آورده اند و ما هم قسمتی از آن ها را با بضاعت اندک خود گردآوری نمودیم.

ص:256

ص:263

ص:272

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
1.JAVA
2.ANDROID
3.EPUB
4.CHM
5.PDF
6.HTML
7.CHM
8.GHB
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
1.ANDROID
2.IOS

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109